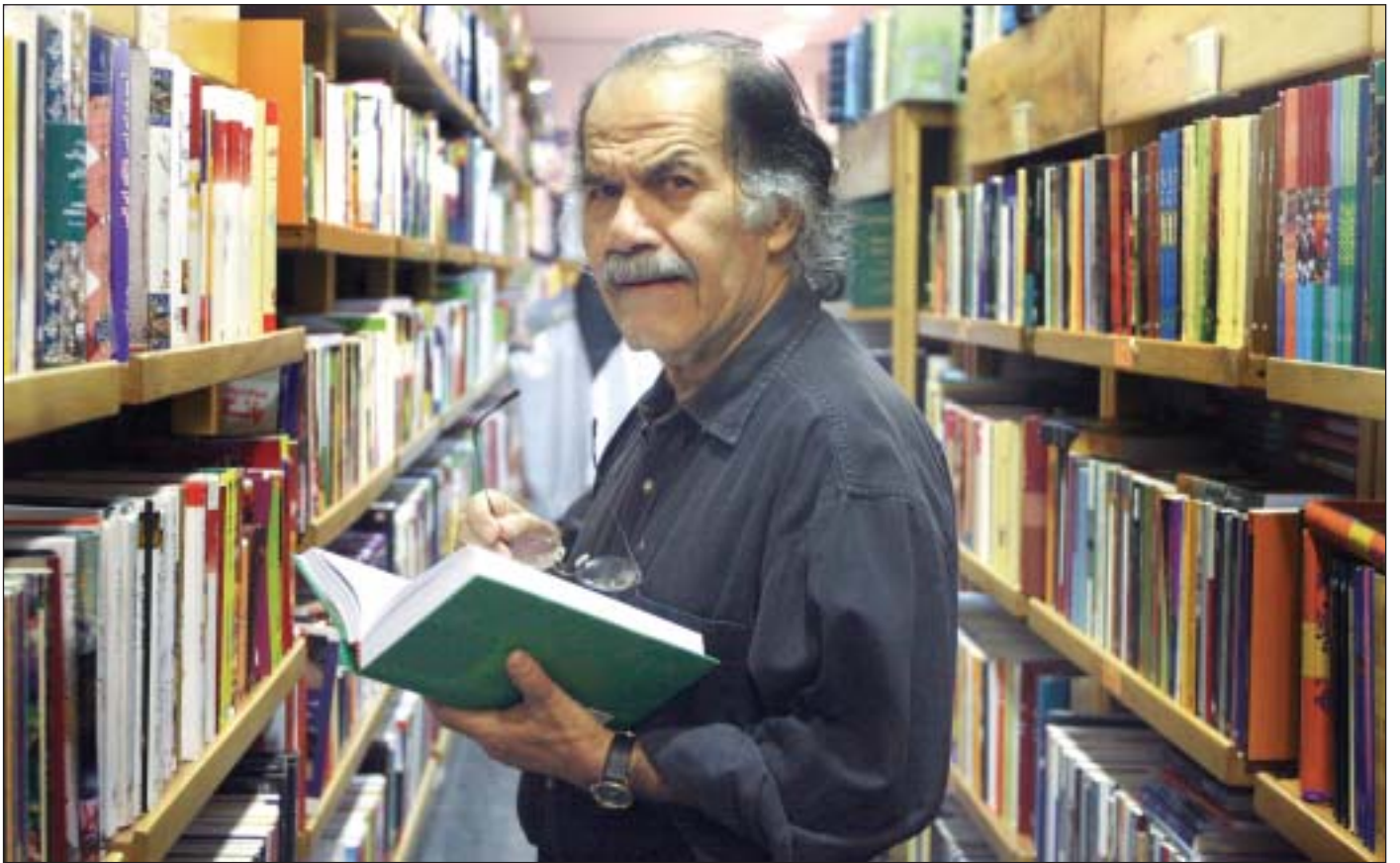


در گفت و گو با سیروس ابراهیم زاده مطرح شد

# فردیت نویسنده، سرچشمه آثار ماندگار



یعنی «حسن کچل» بود. سیروس ابراهیم زاده، علاوه بر حضور در عرصه هنرهای نمایشی، در زمینه‌های داستان‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی هم فعال است. در گفت‌وگوی حاضر با سیروس ابراهیم زاده، به آخرین اثر مکتوب او، مجموعه نمایشنامه «ره‌اندن» خواهیم پرداخت. ۱۴

نام و چهره سیروس ابراهیم زاده، نه تنها برای تکاپوگران حرفه‌ای تئاتر و سینما، که برای عموم مردم هم آشناست و علتش نیز حضور پر سابقه ابراهیم زاده در تلویزیون است. او کار با رادیو و تلویزیون را از سال ۱۳۴۶ آغاز کرد. نخستین بازیگری او در سینما نیز، در اولین اثر علی حاتمی

# کتابخانه

عکس: مرتضی قدیمی

شنبه ۶ تیر ۱۳۸۸  
۴ رجب ۲۷، ۱۴۳۰ زوئن ۲۰۰۹  
شماره ۱۸۷، پیاپی ۸۳۸  
صفحه ۲۰، ۲۰۰ تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir

## بزرگترین افتخار برای نویسنده ایرانی

کلیر کیگان برنده جایزه «دیوی بایرنز» بزرگ‌ترین افتخار داستان‌نویسی ایرلند شد. به نوشته سایت رسمی این جایزه، «کلیر کیگان» به خاطر نگارش داستان «فرزندخوانده» جایزه ۲۵ هزار پوندی «دیوی بایرنز» را از آن خود کرد. به گفته داوران جایزه، «فرزندخوانده» نشان دهنده استعداد درخشان نویسنده داستان در به کارگیری زیبایی‌ها در تصویر یک موقعیت است. کیگان در بیان ماجرای کودکی که به فرزندخواندگی سپرده می‌شود، به خوانندگانش نشان می‌دهد که هیچ داستانی ساده نیست. این نویسنده ۴۱ ساله تا کنون دو مجموعه داستان با عنوان‌های «قطب جنوب» (۱۹۹۹) و «راه رفتن در مزارع آبی» (۲۰۰۷) منتشر کرده است.



## نگاهی به موسیقی‌شناس اثر پل استر

۱۱



## گفت و گو با دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

۸



## پرویز رییس نمایشگاه کتاب بیست و سوم شد

۲

## کتاب فصل برندگان خود را شناخت

تربیت مدرس، صنعتی شریف، امیرکبیر، علوم پزشکی تهران، تربیت معلم شیراز، امام حسین (ع)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی و همچنین اعضای هیات علمی دایرةالمعارف‌ها و موسسات پژوهشی از جمله انجمن حکمت و فلسفه، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام و قضات دیوان عالی کشور انجام شده است.

علی شجاعی صائین، مدیر عامل موسسه خانه کتاب، در گفت و گو با کتاب هفته این دوره از جایزه کتاب فصل را تحویلی در داوری کتاب دانست و تاکید کرد است: «خوشبختانه این جایزه در بین نویسندگان و شاعران، جایگاه خوبی پیدا کرده که مهم‌ترین شاهد این مدعا نیز پاسخ مثبتی است که به فراخوان این جایزه داده شده است. تا جایی که برخی صاحب نظران و نویسندگان از جایزه کتاب فصل به عنوان تحویلی در داوری کتاب یاد می‌کنند و بر این باورند که از رهگذر چنین جایزه‌ای، تنور تبلیغات و ارزیابی کتاب‌های فاخر و ارزشمند همواره گرم است.»

علاقه‌مندان برای دریافت اطلاعات بیشتر درباره این جایزه و برندگان آن، می‌توانند با مراجعه به دبیرخانه کتاب فصل واقع در مؤسسه خانه کتاب، کتابچه مخصوص این جایزه را که حاوی اطلاعات مبسوط در این باره است دریافت کنند. اسامی برگزیدگان این دوره از جایزه کتاب فصل را در صفحه ۴ بخوانید.

اسامی برگزیدگان هشتمین دوره جایزه کتاب فصل از سوی خانه کتاب اعلام شد. به گزارش دبیرخانه دائمی جایزه کتاب فصل، در این دوره از مجموع آثار منتشر شده، ۵ هزار و ۶۶۲ مورد ارزیابی قرار گرفت و از این میان، ۵ هزار و ۴۴۷ عنوان که فاقد امتیاز لازم برای راهیابی به مرحله دوم بودند در مرحله اول حذف و بقیه یعنی ۲۱۵ عنوان به مرحله دوم راه یافتند.

به گزارش این دبیرخانه، پس از ارزیابی داوران، در مجموع ۳۰ عنوان کتاب برگزیده و ۳۵ عنوان کتاب شایسته تقدیر شناخته شدند. از میان آثار برگزیده ۱۸ اثر تالیف، ۱۰ اثر ترجمه و ۲ اثر تصحیح و از میان آثار شایسته تقدیر ۲۳ اثر تالیف و ۱۲ اثر ترجمه‌اند. بر اساس آیین‌نامه کتاب فصل، معیارهای انتخاب بهترین کتاب عبارتند از: بدیع بودن موضوع کتاب، رعایت استانداردها در ساختار، فصل‌بندی، نگارش، دستور زبان و گزینش واژگان، رعایت استانداردها در ذکر منابع و مأخذ، بالا بودن عیار علمی محتوای کتاب، بهره‌مندی از قدرت تحلیل و استنتاج منطقی، پاکیزگی و آراستگی کتاب از حیث حروفچینی، صفحه‌آرایی و چاپ و رعایت استانداردهای تصحیح و ترجمه در خصوص آثار ترجمه و تصحیح شده. ارزیابی کتاب‌ها نیز از سوی بیش از ۲۵۰ تن از اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی نظیر دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی،



## یادنامه عمران صلاحی در راه

یادنامه عمران صلاحی به کوشش سینا علیمحمدی تدوین می‌شود. به گفته علیمحمدی، «یادنامه عمران صلاحی» شامل بخش‌هایی از جمله کتابنامه به صورت کامل با جزئیات و ارائه نمونه‌هایی از آثار، زندگینامه مفصل عمران صلاحی که بخشی از آن زندگی‌نامه خودنوشت اوست، آخرین گفت‌وگوی عمران صلاحی، سه مقاله از عباس پژمان، اسماعیل امینی و فاطمه اسد درباره صلاحی، گفت‌وگوهایی درباره این شاعر با شاعرانی از جمله محمدعلی بهمنی، محمد شمس لنگرودی، ناصر فیض و ابوالفضل زرویی نصرآباد و ... گفت‌وگویی بایشان صلاحی - فرزند عمران صلاحی - ارائه تعدادی از عکس‌های او و همچنین گزیده شعرهای از این شاعر فقید منتشر خواهد شد.

عمران صلاحی متولد اسفندماه سال ۱۳۲۵، کارش را با مجله «توفیق» شروع کرد. او سال‌ها در مطبوعات از جمله «گل‌آقا» طنز می‌نوشت. این شاعر ۱۱ مهر سال ۸۵ در سن ۶۰ سالگی بر اثر ناراحتی قلبی در تهران درگذشت.

متأسفانه مشاهده می شود که برخی از سیاست ها، به عمد نقاط اختلافی را پیدا می کنند یا حتی می تراشند، برای این که گروه های مسلمان را از هم جدا کنند. کتاب می تواند پیام وحدتی بین گروه های مسلمان باشد. چقدر خوب است که ما کتاب های اسلامی را از دنیای اسلام، از متفکران اسلام، از قلم های برجسته، به زبان فارسی و میان کتابخانه ملی خودمان منتقل کنیم... این یقیناً یک حرکت فرهنگی و یک حرکت ضداستعماری است.

**بیانات مقام معظم رهبری در مراسم افتتاحیه اولین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۶۶/۸/۱۴**

## خلاصه تفاسیر قرآن کریم برای نوجوانان

نشر شاهد مجموعه خلاصه تفاسیر قرآن کریم را برای نوجوانان به بازار کتاب روانه کرد. مسعود میرکاظمی، مدیر نشر موسسه انتشارات شاهد با اعلام این خبر گفت: «این دوره کتاب در واقع مجموعه کاملی از خلاصه تفاسیر المیزان و نمونه است که نشر شاهد در طول سالیان گذشته برای مخاطبان نوجوان منتشر کرده است.» وی افزود: «این خلاصه تفاسیر به تازگی و با همکاری سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران به صورت یک دوره کتاب هماهنگ و با نگاه به تمامی سی جزء قرآن کریم و به کوشش عباس پورسیف منتشر شده است.» به گفته میرکاظمی خلاصه تفاسیر قرآن کریم با همین نام و در شمارگان پنج هزار نسخه و قیمت هر جلد سیصد تومان منتشر شده است.

## برگزاری طرح

### «مترجمی زبان قرآن»

طرح مترجمی زبان قرآن با نظارت حجت الاسلام والمسلمین حسین یزدی براساس کتاب «مترجمی زبان قرآن» در سه سطح از سوی کانون فرهنگی راه روشن برگزار می شود. به گزارش روابط عمومی دارالقرآن الکریم، همزمان با برگزاری دوره های آموزشی قرآن کریم، طرح مترجمی زبان قرآن در سطح های مقدماتی، متوسطه و تخصصی از سوی کانون فرهنگی «راه روشن» برگزار می شود. در این طرح، قرآن آموزان در پایان سطح مقدماتی با چهار هزار لغت قرآنی و ترجمه آنها آشنا می شوند. کلاس های مترجمی زبان قرآن، همزمان با تعطیلات تابستان در کانون فرهنگی راه روشن، در روزهای دوشنبه و چهارشنبه هر هفته در دو بخش از ساعت ۳:۰۸ تا ۱۲ برپا می شود.

## نشانه شناسی نسخه ها

### و قرآن های خطی

«نشانه شناسی نسخه های خطی» با تاکید بر قرآن های خطی به قلم احسان الله شکراللهی تا پایان سال جاری منتشر خواهد شد. احسان الله شکراللهی طرح بررسی نشانه شناسی نسخ خطی را با بررسی نسخه های خطی به ویژه قرآن های خطی به تازگی شروع کرده است و قصد دارد این پژوهش را در آینده ای نزدیک منتشر کند. شکراللهی با اعلام این خبر گفت: «این تصور اشتباه وجود دارد که ایرانیان علامت گذاری داخل متن را از غرب گرفته اند، در صورتی که قرن هاست، کاتبان ایرانی و کسانی که در زمینه نسخ خطی کار حرفه ای انجام داده و می دهند علامت قرار دادی داشته اند که از آنها برای به خوانی متن استفاده می شده است.»

# محسن پرویز رییس بیست و سومین نمایشگاه کتاب شد

برای نمایشگاه کتاب تهران در سال ۸۹ از تعیین مدیران کمیته های مختلف این نمایشگاه خبر داد و افزود: «در نخستین جلسه شورای سیاستگذاری، احکام مسوولان و مدیران کمیته های مختلف این نمایشگاه به آنها ابلاغ شد.»

به گفته دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، احکام این افراد به شرح زیر به آنها ابلاغ شد: احسان الله حجتی (قائم مقام)، حمیدرضا قبادی (معاون اجرایی)، محمدرضا وصفی (مدیر بخش بین الملل)، محمود سالاری (مدیر کمیته ناشران داخلی)، حسین صفری (مدیر کمیته اجرایی)، مهدی ثمرزاده (مدیر کمیته پشتیبانی)، محمد موسوی (مدیر کمیته رفاهی)، سید سعید میر محمدصادق (مدیر کمیته روابط عمومی)، علی شجاعی صائین (مدیر کمیته جنبی)، محمدعلی رضانی فرانی (مدیر کمیته نظارت و ارزشیابی)، نورعلی خواجوند (مدیر کمیته تشریفات)، عبادرضا اسلامی (مدیر کمیته مالی) و شعبانی (مسئول پیگیری امور قراردادها).  
اللهیاری فومنی تاکید کرد: «همچنین مقرر شده است جلسات شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران تا شهریور ماه به صورت ماهانه، از ابتدای مهر تا اسفندماه به صورت دو هفته یک بار و از اسفند تا زمان آغاز این نمایشگاه به صورت هفتگی و با حضور تمامی اعضا برگزار شود.»



و تعیین سیاست های کلی نمایشگاه بیست و سوم از جمله موضوعات مطرح شده در نخستین جلسه شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب سال ۸۹ بود و بر این اساس مقرر شد این نمایشگاه از ۱۴ تا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۹ برگزار شود.  
اللهیاری فومنی درباره مکان برپایی این نمایشگاه نیز گفت: «با توجه به دستور کار این جلسه، شورای سیاستگذاری بحث و بررسی برای تعیین و اعلام مکان برگزاری نمایشگاه بیست و سوم در تهران را به جلسات آتی موکول کرد.»  
وی همچنین با اشاره به لزوم برنامه ریزی دقیق

محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر ارشاد برای چهارمین سال پیاپی به عنوان رئیس نمایشگاه کتاب تهران در سال ۱۳۸۹ منصوب شد و در احکامی جداگانه به اعضای شورای سیاستگذاری نمایشگاه مجدداً همه آنها را در سمت های قبلی شان ابقاء کرد. محمد اللهیاری فومنی دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران با تایید این خبر و با اشاره به نخستین جلسه شورای سیاستگذاری این نمایشگاه گفت: «پس از مشخص شدن رئیس نمایشگاه (محسن پرویز) و ابلاغ حکم وی توسط وزیر ارشاد نخستین جلسه شورا با حضور تمامی اعضای معرفی شده نمایشگاه سال آینده کتاب تهران در دفتر معاون فرهنگی وزیر ارشاد برگزار شد.»

وی افزود: «در این جلسه و با حکم رئیس نمایشگاه، علی اکبر اشعری، احسان الله حجتی، حمیدرضا قبادی، محمدعلی رضانی فرانی، علی شجاعی صائین، جلال ذکایی، مصطفی امیدی، محمدرضا وصفی، محمود سالاری، میثم نیلی و محمد اللهیاری فومنی به عنوان اعضای شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران منصوب شدند.»

دبیر شورای سیاستگذاری نمایشگاه آتی کتاب تهران با اشاره به مباحث مطرح شده در این جلسه اضافه کرد: «مباحث باقیمانده نمایشگاه بیست و دوم

## تئاتری ها هم صاحب نمایشگاه کتاب می شوند

که از ناشرانی که در حوزه تئاتر فعالیت می کنند تهیه کردیم، دعوتنامه هایی برایشان فرستادیم و بقیه ناشران را هم که به طور پراکنده در حوزه تئاتر فعالند، از طریق ارائه فراخوان در مطبوعات برای شرکت در نمایشگاه دعوت کردیم و تا امروز اکثر ناشرانی که با آنها مکاتبه کرده ایم، فهرست عناوین کتاب هایشان را برای ما فرستاده اند و امیدواریم تا جایی که ظرفیت فیزیکی مجموعه تئاتر شهر به ما اجازه می دهد، بتوانیم کتاب های بیشتری را دریافت کنیم.»  
امرابی در پاسخ به این سوال که چه تعداد عنوان کتاب در این نمایشگاه عرضه خواهد شد؟ تصریح کرد: «تعداد عناوین هنوز به طور دقیق مشخص نیست چون تعدادی از فهرست ها را دریافت کرده ایم و هنوز منتظریم با سرو سامان گرفتن کارها تعداد بیشتری از فهرست عناوین کتاب ها را دریافت کنیم.»  
امرابی ایجاد اختلال در تمرین و اجرای کارگروه های نمایشی را از جمله مشکلات احتمالی برگزاری این نمایشگاه عنوان کرد و گفت: «تنها نگرانی ما در مورد برگزاری این نمایشگاه، این است که به کار اجرای گروه های نمایشی لطمه بزند اما در صورتی که مشکلی در این زمینه پیش نیاید، درصددیم تا شرایط را برای دائمی شدن این نمایشگاه مهیا کنیم.»  
به گفته امرابی نمایشگاه تخصصی کتاب تئاتر از پانزدهم مردادماه به مدت یک هفته تا ۱۰ روز از ساعت ۹ صبح تا ۳ بعد از ظهر برگزار می شود.

نخستین نمایشگاه تخصصی کتاب تئاتر از نیمه دوم مردادماه به مدت ۱۰ روز در مجموعه تئاتر شهر تهران برگزار می شود.  
مجید امرابی، مدیر روابط عمومی تئاتر شهر تهران در گفت و گو با کتاب هفته با اشاره به ضرورت برگزاری چنین نمایشگاهی، تمرکز بخشیدن به فعالیت های مربوط به حوزه تئاتر، از جمله ارائه آثار تخصصی این زمینه را به طور یکجا و در یک مکان از جمله دلایل مهم برگزاری این نمایشگاه عنوان کرد و گفت: «در کشور ما سالانه حدود سه هزار دانشجوی رشته تئاتر فارغ التحصیل می شوند اما تاکنون مرکزی که بتواند نیازهای آنان را در حوزه کتاب های تخصصی تئاتر یکجا برآورده کند، وجود نداشت و ما امیدواریم با راه اندازی این نمایشگاه تا حدودی در رفع این نقیصه سهمیم باشیم.»  
مدیر روابط عمومی تئاتر شهر با یادآوری این که مجموعه تئاتر شهر دو کتابفروشی کوچک برای عرضه کتب تئاتری دارد، مرکزیت نداشتن فعالیت های مربوط به ارائه آثار تخصصی تئاتر را از جمله اشکالات مهم این عرصه دانست و ابراز امیدواری کرد در صورت استقبال مخاطبان، این نمایشگاه به صورت دائمی در این مجموعه به کار خود ادامه دهد.  
امرابی محل برگزاری این نمایشگاه را سالن انتظار تالار اصلی تئاتر شهر عنوان کرد و درباره نحوه حضور ناشران در این نمایشگاه گفت: «ما براساس فهرستی

## از سوی موسسه خانه کتاب برگزار می شود

## مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی



موسسه خانه کتاب، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی را برگزار می کند. آثار برگزیده این مسابقه در قالب کتاب منتشر خواهند شد.  
براساس فراخوان موسسه خانه کتاب، مسابقه نمایشنامه نویسی انقلاب اسلامی، در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی و برای نکوداشت سی سال آگاهی و بیداری، پیشرفت و عدالت، معنویت و آزادی و با هدف ثبت حماسه آفرینی های شورانگیز در حافظه تاریخی بشری برگزار می شود.

در این فراخوان، موضوع نمایشنامه ها، متناسب با رویداد انقلاب اسلامی، برای انسان معاصر و روش های تربیتی، آرمان های ملی و آزادیخواهی، ظلم ستیزی و عدالت طلبی، حماسه سازی، ایثار و سایر تاثیرات عمده آن در جهان کنونی، عنوان شده است تا از این رهگذر، آثار ماندگار و شایسته ای به گنجینه ادبیات نمایشی کشور افزوده شود. علاقه مندان به شرکت در این مسابقه باید سه نسخه تایپ شده از نمایشنامه خود را همراه فایل آن (در محیط Word) روی لوح فشرده و یک قطعه عکس پرسنلی به دبیرخانه جشنواره بفرستند. خانه کتاب، برای حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده را در قالب کتاب مستقل منتشر خواهد کرد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به ۲۰ اثر برگزیده اهدا می شود. علاقه مندان به حضور می توانند آثار خود را از طریق پست سفارشی تا ۳۰ آبان امسال به موسسه خانه کتاب ارسال کنند. اسامی برگزیدگان مسابقه تا سی ام آذر سال جاری اعلام خواهد شد.

## «پله پله تا ملاقات خدا» در آمریکا

کتاب «پله پله تا ملاقات خدا» اثر دکتر عبدالحسین زرین کوب به انگلیسی ترجمه و در آمریکا منتشر شد.  
کتاب «پله پله تا ملاقات خدا» درباره زندگی، اندیشه و سلوک مولانا جلال الدین رومی است که توسط دکتر مجدالدین کیوانی ترجمه و در نیویورک انتشار یافته است. این کتاب تا کنون با استقبال شایانی در ایران مواجه بوده و به چاپ های متعددی نیز رسیده است. کیوانی پیش از این کتاب «دورنمای تاریخ تصوف» را از زرین کوب ترجمه کرده بود. زرین کوب سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در بروجر به دنیا آمد. وی پس از اخذ درجه دکترا از سوی استاد فروزانفر برای تدریس در دانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال ۱۳۳۵ با رتبه دانشیاری کار خود را دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام، تاریخ ادیان، تاریخ کلام و مجادلات فرق، تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم پرداخت.

# خاطره مترجم «ضد خاطرات» به کتابفروشی‌ها می‌آید



یادنامه رضا سید حسینی مترجم فقید که تدوین آن چندی پیش از سوی انتشارات سروش کلید خورده بود، تا یک ماه دیگر آماده چاپ می‌شود. مجید شمس مسئول تهیه و تدوین این یادنامه در گفت‌وگو با کتاب هفته با اعلام این خبر، درباره محتوای این کتاب یادآور شد: «این کتاب حاوی مطالب گوناگون، عکس‌ها، یادداشت‌ها و خاطراتی از زنده‌یاد سید حسینی و گفت‌وگوهای با این مترجم فقید است که تاکنون منتشر نشده‌اند.»

وی افزود: «در حال حاضر بخش عمده‌ای از مطالب کتاب جمع‌آوری شده و تنها بخش باقیمانده، مصاحبه‌هاست که این مصاحبه‌ها نیز به مرور انجام می‌شود.»

شمس در پاسخ به این سوال که مطالب این کتاب و به ویژه مصاحبه‌ها بیشتر بر جنبه‌های علمی و تخصصی کار سید حسینی متمرکزند یا مرور خاطرات و ویژگی‌های شخصیتی او گفت: «هدف ما این بود که این یادنامه مخاطبان عام‌تری داشته باشد، بنابراین بیشتر به وجه دوم یعنی مرور خاطرات اطرافیان و دوستان آن زنده‌یاد و شخصیت فردی او نظر داشتیم اما این بدان معنا نیست که اصلاً به جایگاه علمی او نپرداخته باشیم همچنان که در هر یک از مصاحبه‌ها نیز از منظر خاصی به شخصیت ایشان

پرداخته شده است. برای مثال گفت‌وگوی بابک احمدی با وی در زمینه ادبیات و نقد ادبی و همچنین گفت‌وگوی اسماعیل سعادت با ایشان از منظر ارزش، معیارها و ملاک‌های کار ترجمه است.» سید علی آل داوود، اسماعیل سعادت، احمد سمیعی (گیلانی)، بابک احمدی، مدیا کاشیگر و

مهدی فیروزان از جمله افرادی‌اند که به گفته شمس در تهیه و تدوین این یادنامه همکاری داشته‌اند.

شمس با اشاره به این که در این اثر به طور مختصر به نقد آثار مرحوم سید حسینی نیز پرداخته شده، اظهار داشت: «همه هدف ما این بود که حاصل این کار، کتابی خواندنی باشد، از این رو از قالب‌های مطبوعاتی نیز بهره گرفته ایم و تلاش کردیم به جنبه‌هایی از زندگی ایشان بپردازیم که تاکنون در جایی درج نشده‌اند.» شمس همچنین از چاپ گفت‌وگویی منتشر نشده با سید حسینی در این یادنامه خبر داد و گفت: «علی اکبر اشعری، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، زمانی که در کسوت مدیریت انتشارات سروش برای انتشار کتاب «فرهنگ آثار ملل» با سید حسینی همکاری می‌کرد، مصاحبه‌ای با او انجام داده که تاکنون منتشر نشده است که این مصاحبه نیز برای انتشار در اختیار گروه تدوین کتاب یادنامه سید حسینی قرار گرفته است.»

مسئول تهیه و تدوین «یادنامه سید حسینی» همچنین از انتشار عکس‌ها، تصاویر دست‌نوشته‌ها و نامه‌های زنده‌یاد سید حسینی در این کتاب خبر داد و گفت: «این کتاب در حجمی حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ صفحه در قطع رفعی از سوی انتشارات سروش به چاپ می‌رسد.»

## اشمیت با «اولیس بعد از بغداد» بازمی‌گردد



رمان «اولیس بعد از بغداد» از آخرین آثار اریک امانوئل اشمیت، نویسنده و نمایشنامه‌نویس فرانسوی به فارسی ترجمه شده و به زودی روانه بازار کتاب ایران می‌شود.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، این کتاب را پویان غفاری به فارسی ترجمه کرده است و ترجمه او از سوی انتشارات «افراز» روانه بازار کتاب ایران می‌شود. این کتاب از آخرین آثار این نویسنده فرانسوی است که نسخه اصلی آن در سال ۲۰۰۷ از سوی انتشارات «آلبن میشل» میلادی منتشر شد. غفاری این کتاب را از روی نسخه انگلیسی (با نام Ulyse from Baghdad) به فارسی برگردانده است.

«اولیس بعد از بغداد» رمانی است درباره مشکلات عراقی‌ها در مهاجرت به اروپا و زندگی آنها در غربت. شخصیت اصلی این رمان «صعد» نام دارد. او یک مهاجر عراقی است که بر اثر جنگ و ناآرامی، عراق را ترک کرده و عازم اروپا شده است. نویسنده تلاش کرده در این کتاب مشکلات و سختی‌های زندگی مردم عراق در مهاجرت را به تصویر بکشد و از جنگ و ناآرامی در این کشور انتقاد کند.

امانوئل اشمیت، ۲۸ مارس ۱۹۶۰ در حومه شهر لیون فرانسه متولد شد. وی از کودکی شیفته موسیقی بود و در ۹ سالگی پیانو یاد گرفت. اشمیت در ابتدا می‌خواست موسیقیدان شود، اما استادنانش او را منصرف کردند، چرا که اعتقاد داشتند استعداد او در نویسندگی بیشتر است.

اشمیت، نخستین کتابش را در ۱۱ سالگی و اولین نمایشنامه خود را در ۱۳ سالگی به رشته تحریر درآورد. وی پس از دوران مدرسه وارد دانشسرای عالی شد و در سال ۱۹۸۳ میلادی مدرک دبیری فلسفه گرفت. او در سال ۱۹۸۶ از پایان‌نامه دکترایش دفاع کرد و از آن پس، چندین سال به تدریس فلسفه پرداخت.

این نویسنده در سال ۱۹۹۱، با نخستین نمایشنامه‌اش، «شب والونی» به شهرت رسید و منتقدان از نمایشنامه دومش، «ملاقات کننده» استقبال کردند. این نمایشنامه، گفت‌وگویی بود بین فروید (روان‌شناس اتریشی) و خدا. از آثار اشمیت می‌توان به کتاب‌هایی چون «مسیو ابراهیم و گل‌های قرآن»، «انجیل به روایت پیلاتس»، «اسکار و خانم رزا»، «سهم دیگری» و «زندگی من با موزار» اشاره کرد.

ترجمه فارسی غفاری از «اولیس بعد از بغداد» در ۳۲۰ صفحه روانه بازار کتاب ایران می‌شود.

## «باکره دوربراولین» دوباره به ایران می‌آید

رمان «باکره دوربراولین» اثر توماس هاردی، نویسنده و شاعر قرن نوزدهمی انگلستان، دوباره به فارسی ترجمه شد. این چهارمین بار است که این رمان کلاسیک به فارسی ترجمه می‌شود.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، این رمان را این بار محمدصادق شریعتی به فارسی ترجمه کرده که از سوی انتشارات «گویش نو» روانه کتابفروشی‌های ایران می‌شود. این رمان برای نخستین بار، ۲۶ سال پیش در سال ۱۳۶۲ با ترجمه سیروان آزاد و با نام «تس دوربرویل» در ایران منتشر شده است. بعد از آن نیز ترجمه مینا سربابی ۱۳۶۳، نشر دنیای نو) و ابراهیم یونسی (۱۳۸۳، نشر فرهنگ نو) از همین رمان روانه بازار کتاب ایران شده است.

توماس هاردی (۱۸۴۰-۱۹۲۸) رمان‌نویس، نویسنده داستان‌های کوتاه و شاعر جنبش طبیعت‌گرایی اهل انگلستان است. شخصیت‌های داستانی این نویسنده معمولاً در برابر احساسات تند و شرایط اطراف خود به مبارزه می‌پردازند. ویژگی اصلی نوشته‌های او توصیفات شاعرانه و جبرگرایی و محل وقوع بیشتر آثار هاردی یک شهرستان نیمه افسانه‌ای و تخیلی است. اخیراً نیز کتاب دیگری از این نویسنده با نام «یک جفت چشم آبی» توسط مترجمی به نام فرشته خجندی به فارسی ترجمه شده است. چاپ و توزیع «یک جفت چشم آبی» توسط نشر آسیم پیگیری می‌شود.

از سایر آثار این نویسنده که به فارسی ترجمه شده‌اند، می‌توان به آثاری چون «جود گمنام»، «دست تکیده»، «بانوی خیالی» و «به دور از مردم شوریده» اشاره کرد.



## در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

### نویسندگان، خشونت را محکوم کردند

برخی از نویسندگان و دست‌اندرکاران چاپ و نشر این هفته در گفت‌وگو با خبرنگاران خبرگزاری کتاب ایران، نسبت به وقوع ناآرامی در کشور ابراز نارضایتی کرده و این پدیده را ابرای فرهنگ‌نامساعد دانستند. فیروز زنوزی جلالی، نویسنده و برگزیده جایزه جلال در یکی از این مصاحبه‌ها، خواستار پیگیری خواسته‌ها در فضایی متعادل شد و گفت: «متأسفانه عده‌ای از سودجویان از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند و عرصه را بر مردم تنگ می‌کنند. برای جلوگیری از سودجویی این افراد باید با گفت‌وگو و بیان دلایل و اهداف خود مشکل را حل کرد تا هیچ امکانی برای سوءاستفاده وجود نداشته باشد.» رضیه تجار هم در این باره با خبرنگاران «ایبنا» به گفت‌وگو نشست و با ابراز نارضایتی از اتفاقات پس از انتخابات در ایران، خواستار افزایش همدلی و صبوری در جامعه شد. مرتضی نظری، کارشناس مسائل فرهنگی و نویسنده کتاب‌های آموزشی، محمدحسن نادم، نویسنده حوزه دین، حجت‌الاسلام علی نصیری، قرآن‌پژوه و مدرس حوزه علمیه قم و محمد مهدی لیبی، مدیر رادیو تجارت و نویسنده کتاب‌های جامعه‌شناسی از دیگر افرادی بودند که در گفت‌وگو با «ایبنا» خواستار برقراری آرامش و قانون‌گرایی در کشور و پایان دادن به خشونت شدند.

### یادداشت‌هایی از اهل قلم

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از خانواده کتاب‌دوستان به دید مخاطبان خود می‌گذارد، این هفته یادداشت‌هایی را از حسین حضرتی، داستان‌نویس، حبیب فروغی، مدیر سایت «آی کتاب» و علی‌طبری، رئیس مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، برای انتشار برگزید.

حضرتی، یادداشتی با نام «فرم یا محتوا در داستان» در اختیار «ایبنا» قرار داده و در آن از تفاوت‌های قالب در داستان‌نویسی با محتوای آن نوشته است. فروغی در یادداشتش نگاهی به فروش اینترنتی کتاب در ایران داشته و نوشته است: «فروش اینترنتی کتاب در کشورمان به علت عدم وجود بهره‌وری بالا در جامعه مان و در عرصه‌های مختلف، به‌تنهایی فاقد توجیه اقتصادی است.» طبری هم در یادداشتی با نام «ضرورت بازنگری واقعه به توپ بستن مجلس»، این واقعه تاریخی را یکی از زشت‌ترین وقایع تاریخ معاصر کشور دانسته و درباره اسناد نویافته نوشته است. به باور او این اسناد می‌توانند کمک فراوانی به بازخوانی این واقعه تاریخی داشته باشند.

همچنین، این هفته در بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب، یادداشتی با عنوان «زخم ناآرامی بر پیکر بیمار کتاب» منتشر شده است که نویسنده در آن ناآرامی‌های خیابانی در اطراف خیابان انقلاب را برای کتابفروشی‌های این قسمت از شهر مضر دانسته و از این بابت ابراز تأسف کرده است.

### اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته آخرین اخبار از آمار انتشار کتاب در حوزه‌های مختلف در ایران، مهم‌ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، انتشار تازه‌ترین کتاب‌های ترجمه شده و... به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به گوش جهان انگلیسی‌زبان رساند.

## ساخت بیست کتابخانه جدید در بندرعباس

تا پایان سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی، ۱۸ کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ مترمربعی، یک کتابخانه مرکزی ۱۰ هزار مترمربعی و یک کتابخانه کوچک تر از استاندارد در بندرعباس به بهره برداری می رسد.

مدیرکل کتابخانه های استان هرمزگان با اعلام این خبر گفت: از هفت کتابخانه عمومی استان هرمزگان، شش باب در مناطق شهری فعالیت می کنند. فضای کتابخوانی اهالی بندرعباس، چهار هزار و ۹۸۹ مترمربع است که چهار هزار و ۵۶۹ مترمربع آن در اختیار شهروندان است.

بهرام پوراشرف، خاطر نشان کرد: «براساس نقشه توسعه عمرانی، باید تا پایان برنامه پنجم توسعه برای ساخت شش کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ مترمربعی، کتابخانه مرکزی شهرستان و نیز یک کتابخانه ۳۷۰ مترمربعی در بندرعباس اقدام شود. همچنین در فاصله پایان برنامه پنجم توسعه تا پایان سال ۱۴۰۴ (پایان سند چشم انداز) ۱۲ کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ مترمربعی در این شهرستان ساخته می شود.» وی همچنین گفت: «تا پایان سند چشم انداز، سه کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ مترمربعی در بندرلنگه به بهره برداری می رسد.» از ۱۱ شهرستان هرمزگان، ابوموسی و بندر خمیر، یک کتابخانه ای هستند.

### جشنواره طنز «خارستان»

دومین جشنواره شعر و نثر طنز «خارستان» با تلاش دفتر طنز حوزه هنری کرمان، مردامه در این شهر برگزار می شود.

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، دومین جشنواره شعر و نثر طنز «خارستان» با تلاش دفتر طنز حوزه هنری کرمان، مردامه در این شهر برگزار می شود. علاقه مندان می توانند برای حضور در بخش شعر، حداقل دو و حداکثر سه اثر و برای شرکت در بخش نثر نیز حداقل یک و حداکثر دو اثر به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

بر اساس فراخوان منتشر شده از سوی حوزه هنری استان کرمان، شاعران، نویسندگان و علاقه مندان تا پایان تیر فرصت دارند آثار خود را به حوزه هنری استان کرمان واقع در خیابان امام خمینی (ره) کوچه هشتم ارسال کنند. همچنین اطلاعات بیشتر و فراخوان جشنواره در پایگاه اطلاع رسانی حوزه هنری کرمان به نشانی اینترنتی [www.artkerman.ir](http://www.artkerman.ir) قابل دریافت است.

### ۹ کتابخانه استاندارد در ساری

تا پایان سال ۱۴۰۴ (پایان سند چشم انداز ۲۰ ساله)، ۹ کتابخانه استاندارد با زیربنای کلی ۱۹ هزار و ۸۰۰ مترمربع در شهرستان ساری ساخته می شود.

مدیرکل کتابخانه های استان مازندران، با اعلام این خبر گفت: «از پنج کتابخانه عمومی شهرستان ساری، چهار باب در مناطق شهری فعالیت می کنند و روستائینان این شهرستان فقط به یک کتابخانه عمومی با زیربنای ۱۸۰ مترمربع دسترسی دارند.»

رضانعلی محسنی خاطر نشان کرد: «فضای کتابخانه ای اهالی ساری چهار هزار و ۳۰۰ مترمربع است که این فضا تا پایان برنامه پنجم توسعه (پایان سال ۱۳۹۳) با ساخت چهار کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ مترمربعی، کتابخانه مرکزی با زیربنای ۱۰ هزار مترمربع و سه کتابخانه کوچک تر از استاندارد، به ۲۴ هزار و ۲۹۰ مترمربع می رسد.

همچنین در فاصله پایان برنامه پنجم توسعه تا پایان سال ۱۴۰۴، پنج کتابخانه استاندارد در ساری و شهرهای تابع این شهرستان ساخته می شود.»

وی افزود: «تا پایان برنامه پنجم توسعه، اهالی شهرستان های آمل، بابل، بهشهر، ساری و قائمشهر صاحب کتابخانه مرکزی می شوند که زیربنای کلی این کتابخانه ها ۲۶ هزار و ۵۰۰ مترمربع خواهد بود.»

# اسامی برگزیدگان هشتمین دوره کتاب فصل

کتاب «المینی فی اخبار دوله المک یمن الدوله» با تحقیق یوسف الهادی و در حوزه جغرافیا کتاب «هیدرولوژی» تالیف مجید زاهدی و مریم بیاتی خطیبی به عنوان آثار برتر شناخته شدند.

در بخش کودک و نوجوان در حوزه شعر گروه کودک، کتاب «با دعای باران» سروده غلامرضا بکتاش و در گروه خردسال کتاب «سفید سیاه راه راه» سروده شکوه قاسم نیا برگزیده شدند.

در بخش کلیات در گروه نوجوان، کتاب «تمدن ایران در دوره صفویه» تالیف جمشید نوروزی اثر برتر شناخته شد.



عرب کتاب «الحکمه بین المتنبی و سعدی: درسه مقاره» تالیف صادق عسگری جوایز آثار برتر این بخش را دریافت کردند.

در رشته تاریخ و جغرافیا، در حوزه تاریخ کتاب «شهریاری ایلام» ترجمه پرویز رجبی و تصحیح

در بخش علوم و فنون در گروه نوجوان نیز «دانشنامه فشرده بدن انسان» با ترجمه مجید رضایی راه، محمدرضا سیداحمدیان و علی محمدی آثار برگزیده این بخش شدند.

جوایز این برگزیدگان از سوی موسسه خانه کتاب به ایشان اهدا خواهد شد.

## برنامه های سرای اهل قلم در این هفته

برنامه هفتگی سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. نشست امروز این سرا (شنبه ششم تیر) به ادامه سلسله نشست های مولوژی پژوهی با عنوان «قصه های مولوی» با حضور عبدالعلی دستغیب و دکتر پرویز عباسی داکانی اختصاص دارد. نشست روز یکشنبه این سرا نیز به نقد و بررسی کتاب «عکسی در آینه دلم» نوشته دکتر محسن پرویز با حضور نویسنده اثر، فیروز زونوزی جلالی و شهرام شفیعی اختصاص دارد و همچنین در سالن دیگر این سرا، کارگاه ترجمه با حضور دکتر عباس پژمان برگزار می شود. جلسه دیگری از سلسله کارگاه های ترجمه دکتر عباس پژمان روز دوشنبه تنها نشست این سراست. نشست روز سه شنبه نیز به نقد و بررسی کتاب «زمانی که اسم من کی اکو بود» با ترجمه ناهید هاشمی، با حضور مترجم اثر، دکتر عباس پژمان و احسان عباسلو اختصاص داده شده است.

نشست های مربوط به حوزه روان شناسی نیز طبق معمول همه هفته در این سرا برگزار می شود که موضوع این هفته (روز چهارشنبه) با بحث روان شناسی گشتالت با حضور دکتر احمد حیدر نیا، دکتر حیدر اصلانی و سید محمود میر سلیمی برگزار می شود. زمان برگزاری تمامی نشست های این هفته ساعت ۱۷ تا ۱۹ اعلام شده است. سرای اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده و شرکت در نشست های این سرا برای عموم آزاد است.




**باسمه تعالی**

**فراخوان نهمین دوره جایزه کتاب فصل**

دبیرخانه جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب های برتر و تشویق محققان، مترجمان و مصححان متعدد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، نهمین دوره جایزه کتاب فصل (بهار ۱۳۸۸) را برگزار می کند. از ناشران، مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می شود آثار خود را که برای نخستین بار در بهار ۱۳۸۸ منتشر شده است، به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.

مهلت ارسال آثار: بیست و پنجم تیر ۱۳۸۸

نشانی دبیرخانه: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران مظفر و فلسطین جنوبی، شماره ۲۸۰، موسسه خانه کتاب، طبقه ۲-، دبیرخانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۹۹۹۶۲۱۹ | تلفکس: ۹۹۹۶۲۱۸



گزارشی درباره شیوه های گسترش اقتصاد چاپ در کشور

# توسعه صحافی در گرو گسترش صنعت نشر

وی از حضور ایران در نمایشگاه های چاپ و بسته بندی کشورهای منطقه به عنوان یکی از راهکارهای معرفی توانمندی های صنعت چاپ ایران نام می برد و می افزاید: «کشورها باید توانمندی های چاپی ایران را باور و اعتماد کنند، زیرا کشورهای خارجی برای بازدید از چاپخانه های ما به ایران سفر نمی کنند، بنابراین ناگزیریم در نمایشگاه های آنها شرکت و تبلیغات منفی برخی کشورهای را خنثی کنیم.» رئیس اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ، در بخش دیگر سخنان خود به لزوم استانداردسازی نمایشگاه های چاپ داخلی اشاره می کند و می گوید: «همچنین نمایشگاه های ما باید به صورت علمی و با شکوه برگزار و برنامه ریزی های آن بر اساس مستندهای تاریخی و علمی دنبال شود.» رضایی همچنین از برگزاری نمایشگاه چاپ کشورهای عضو اکتو تا پایان سال ۲۰۰۹ در تهران خبر می دهد.

## جنگ دست و ماشین!

کارشناس و مدرس حوزه چاپ با اشاره به تاثیر رکود اقتصادی جهان بر صنعت ایران می گوید: «اکنون در اغلب کشورها رکود اقتصادی وجود دارد که در نگاهی کلان، ایران نیز متاثر از وضعیت جهانی است. نکته قابل تامل این است که چرا در وضعیتی دیگر، ایران نمی تواند از بازارهای جهانی سود ببرد. برای پاسخ به این سوال باید گفت که علت اصلی این موضوع، نبود استانداردهای مشخص در صنعت چاپ کشور است.» علیرضا سوری ادامه می دهد: «فردی که برای خرید کالا به ایران مراجعه می کند، در نگاه اول به دنبال کیفیت و استانداردهای محصولات است که متأسفانه در اغلب محصولات این موضوع رعایت نمی شود. پس از آن نیز مدیریت مجموعه نقشی مهم به عهده دارد به همین دلیل رویکردی که مدیریت در بخش های مختلف اقتصادی، منابع انسانی، فرهنگی و... در پیش می گیرد، می تواند در رونق این صنعت تاثیرگذار باشد.» وی علت اصلی این موضوع را نبود مدیر عالم، کارگر متخصص و استراتژی مناسب و مشخص در مجموعه های چاپی کشور می داند و می افزاید: «تا زمانی که زمینه های لازم فراهم نشود، هزینه سربار زیادی در بخش چاپ کشور خواهیم داشت، در حالی که یک مدیریت قوی می تواند هزینه های بالا را سرشکن و حتی به سود تبدیل کند.»

توجه به رویه های بین المللی، نگاه های داخلی، عوامل اجتماعی - اقتصادی کشور، مدیریت تولید، مدیریت طرح و برنامه، مدیریت استراتژیک و مدیریت منابع انسانی و استفاده از فناوری های به روز از جمله مواردی است که می تواند در رونق و گسترش اقتصادی حوزه چاپ تاثیرگذار باشد.

ادامه در صفحه ۲۰



## اصلاح تعرفه های واردات

اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ یکی از تشکلهای صنفی است که توانسته در مدت حدود دو سال فعالیت خود، گام های بسیار خوب و مثبتی در این زمینه بردارد. رئیس این اتحادیه با اشاره برخی از موفقیت ها در این زمینه می گوید: «ایران تاکنون توانسته در کشورهای آسیای میانه، عراق و افغانستان سفارش های چاپی بسیار خوب و سودآوری داشته باشد که در این میان سهم بسته بندی بالاتر بوده است.» رضا رضایی با بیان این که باید برخی مشکلات قانونی از جلوی راه بخش خصوصی برداشته شود، معتقد است: «تعرفه های واردات کالا برای دسترسی آسان تر و فعال تر دست اندرکاران و فعالان این حوزه باید اصلاح شود، زیرا بسیاری از واردکنندگان کالا اکنون به دلیل تعرفه های بالا با مشکلات بسیاری روبه رو شده اند.»

وی ادامه می دهد: «برای مثال اگر فردی بخواهد کاغذهای پشت چسب دار را به ایران وارد کند، برای فیلم آن باید ۳۰ درصد، برای کاغذ ۱۵ درصد و برای چسب آن ۲۵ درصد پرداخت کند و علاوه بر آن، به هر یک از این موارد، سه درصد مالیات ارزش افزوده را نیز باید اضافه کرد.»

رضایی واردات برخی کالاهای چاپی را نیز یکی دیگر از مشکلات بخش چاپ معرفی می کند و در این باره توضیح می دهد: «دست اندرکاران باید از ورود برخی کالاها مانند لیبیل های چاپ شده با شمارگان میلیونی به داخل کشور جلوگیری کنند، زیرا این محصولات بازار کشور را قبضه و صنعتگران داخلی را دچار ورشکستگی می کند.»

تارونقی علمی در صنعت چاپ کشور ایجاد شود.

## کمیته ای مشترک برای کارآفرینی

رئیس انجمن واردکنندگان ماشین آلات صنعت چاپ نیز توجه دولت و ارگان های دولتی به بخش چاپ و بسته بندی را راهگشای تحولی نوین در حوزه چاپ و بسته بندی می داند و معتقد است: «اکنون محصولات کشاورزی بسیار خوبی در ایران تولید می شود، اما برای بسته بندی این محصولات هیچ اقدامی پیش بینی نشده است و بسیاری از مواد غذایی به صورت خام به کشورهای دیگر رفته و با بسته بندی های مناسب و قیمت های سرسام آور به کشورهای اروپایی صادر می شود، در حالی که می توان در بخش چاپ و بسته بندی کشور تمهیداتی پیش بینی کرد که در این بخش بتوانیم جای خالی صادرات غیر نفتی را پر کنیم.»

علی مغانی ادامه می دهد: «بی توجهی مسوولان برخی وزارتخانه ها نسبت به حوزه چاپ موجب شده است که این صنعت با مشکلات مختلفی روبه رو شود که تشکیل یک کمیته مشترک با حضور نمایندگان وزارتخانه های بازرگانی، جهاد کشاورزی، صنایع و معاون و فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بررسی راهکارهای کارآفرینی در حوزه چاپ و بسته بندی می تواند در این زمینه مفید واقع شود.»

وی همچنین به کمبود سرمایه در بخش چاپ اشاره می کند و می گوید: «فردی که بخواهد در حوزه چاپ فعالیت کند، باید حدود ۱۰ میلیارد تومان برای ماشین آلات هزینه کند و حداقل ۱۰ میلیارد تومان سرمایه در گردش داشته باشد و این موضوع با توجه به وام های محدودی که به چاپخانه داران پرداخت می شود و بازپرداخت های کوتاه مدت آن غیر ممکن است.»

مغانی در این باره توضیح می دهد: «در بررسی هایی که با حضور کارشناسان بانک ها و صنعتگران حوزه چاپ انجام شده است، به این نتیجه رسیدیم وام هایی که به بخش چاپ اعطا می شود، با سود ۱۲ درصد و بازپرداخت پنج ساله است، در حالی که می توان با یک برنامه ریزی منسجم در بخش چاپ، سود را با هفت درصد و بازپرداخت ۱۰ ساله از چاپخانه داران دریافت کرد.»

مغانی تحصیل و دانش در حوزه چاپ را یکی دیگر از مباحثی می داند که باید به آن پرداخته شود و می گوید: «اکنون ماشین های چاپ رایانه ای شده اند و متناسب با آن باید کارگران این حوزه نیز دانش و علم خود را ارتقا دهند. دیگر کارگرانی که با سطح سواد دیپلم یا زیر دیپلم مشغول به کارند، نمی توانند با این دستگاه ها کار کنند، زیرا دستگاه ها پیشرفته شده اند و کارگران برای بهره گیری از آنها به علم روز نیازمندند.»

وی همچنین به فعالیت های صادراتی ایران طی سال های اخیر اشاره می کند و می افزاید: «ایران تاکنون توانسته در بخش صادرات آسیای میانه فعالیت های خوبی داشته باشد و اکنون چاپخانه داران ایرانی، چاپخانه های فلکسو را در قزاقستان، تاجیکستان و قزاقستان پایه گذاری کرده اند و برای گسترش این کارها نیز برنامه ریزی های منسجمی انجام شده است.»

رئیس انجمن واردکنندگان ماشین آلات صنعت چاپ، کیفیت را از جمله مباحثی معرفی می کند که باید در محصولات چاپی رعایت شود و ادامه می دهد: «لازمه وجود کیفیت در محصولات، امکانات و تسهیلاتی مانند ماشین آلات صنعت چاپ، سرمایه در گردش، متخصصان تحصیل کرده و کارگاه های تخصصی است که متأسفانه در اغلب چاپخانه های کشور وجود ندارد.»

چاپ در کشور ایران یکی از مهجورترین صنایعی است که کمتر کسی آن را پیشوند صنعت می شناسد. این در حالی است که سال ها از ورود اولین دستگاه چاپ به کشور می گذرد و اکنون چاپخانه داران ایرانی توانسته اند، بخشی از بازار کشورهای منطقه را از آن خود کنند. چاپخانه داران و دست اندرکاران این حوزه توانسته اند با تیزهوشی و سرمایه گذاری در بخش های مختلف، بهره برداری های مناسبی در حوزه چاپ داشته باشند. در عین حال، گفت و گو با دست اندرکاران بخش صنعت چاپ نشان می دهد که گردش سرمایه در این رشته مانند برخی از صنایع دیگر نیازمند حمایتی همه جانبه از سوی دولت و بانک هاست.

## فقدان آموزش

دفتر امور چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که یکی از متولیان اصلی حوزه چاپ به شمار می آید، برنامه های متعددی را پیش روی چاپخانه داران قرار داده است. مدیرکل این دفتر با نگاهی اجمالی به اوضاع چاپ در کشور می گوید: «امکانات مادر حوزه چاپ از چاپ خوب، در حوزه چاپ» تا حدودی خوب و در بخش «پس از چاپ» به ویژه بخش صحافی، بسیار ضعیف است و باید اقداماتی پیش بینی شود که این بخش تقویت شود.»

جلال ذکایی با بیان این که رابطه چاپ و نشر، رابطه بسیار تنگاتنگی است ادامه می دهد: «وجود مشکلات در حوزه صحافی و عملیات تکمیلی کتاب و محصولاتی غیر از کتاب، به علت ضعیف بودن نشر کتاب در ایران است. نمی توان انتظار داشت بنگاه های صحافی، برای شمارگان دو یا سه هزار نسخه ای یک کتاب به سمت استفاده از تجهیزات پیشرفته بروند، زیرا برای آنان صرفه اقتصادی ندارد و تا زمانی که شمارگان کتاب و مجلات پایین است، وضعیت کارگاه ها به همین روال خواهد بود.»

وی به تغییرات فاحش چاپخانه های بخش مطبوعات و کتاب اشاره می کند و می افزاید: «اکنون چاپخانه های مدرنی در کشور و حتی منطقه برای انتشار مطبوعات و روزنامه ها وجود دارد، زیرا شمارگان مطبوعات بالاتر از کتاب است و رابطه بین عرضه و تقاضا نیز به خوبی در این بخش احساس می شود. این موضوع نشان می دهد اگر کششی از سوی مخاطبان وجود داشته باشد، تولیدکنندگان به سمت استفاده از دستگاه های مناسب می روند.»

ذکایی ضعف اصلی بخش صحافی را ضعف در عرضه نشر معرفی می کند و می گوید: «اگر نشر در کشور توسعه پیدا کند، بخش صحافی نیز رونق پیدا می کند و حوزه «پس از چاپ» در این صنعت رونق تازه ای می گیرد.»

مدیرکل امور چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از عوامل تاثیرگذار بازدهی نشر را عامل آموزش معرفی می کند و می گوید: «با سابقه ای که چاپ در کشور ما دارد، هنوز نتوانسته ایم در بخش آموزش فعال عمل کنیم. به تازگی برخی موسسات و بخش های خصوصی اقدام به برگزاری دوره های آموزش چاپ کرده اند که متأسفانه این دوره های محدود کمک چشمگیری به این صنعت نخواهد کرد.»

وی تصریح می کند: «هنوز نتوانسته ایم رشته آموزش نشر را به دانشگاه های کشور ببریم، در حالی که برای مثال در دانشگاه مرکزی کشور مالزی، رشته آموزش نشر به صورت تخصصی راه اندازی شده است و رشته مدیریت نشر نیز در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری به صورت محدود دانشجویی پذیرد.» به گفته ذکایی، باید در کنار آموزش های آکادمیک (دانشگاهی) به آموزش های کوتاه مدت نیز توجه شود

**انتشارات طهوری منتشر کرد:**

نگاهی به تکرارهای فلسفی سده بیستم

دکتر میر عبدالحسین نقیبزاده

دکتر نصر ا... صالحی

پییر لوری مترجمان: رضا کوهکن زینب پودینه آقایی

خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه - پلاک ۱۳۰۴ - ۶۶۴۰۶۳۳۵



سجاد صاحبان زند

هفته ای که پیش رو داریم، سالگرد یکی از مهم ترین اتفاقات تاریخ معاصر ایران است. می توان بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی که در پی آن ۷۲ نفر از چهره های سرشناس انقلاب اسلامی از جمله دکتر بهشتی در آن کشته شدند را رویدادی بسیار با اهمیت در سال های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی به شمار آورد. کشته شدن شخصیتی چون دکتر بهشتی که امام خمینی (ره) از او به عنوان یک ملت یاد کرده بود، آسیبی جدی به انقلاب نوپای ما بود، به ویژه آنکه این شخصیت نقشی مهم در بینش نظری و تئوریک انقلابیون جوان داشت. درمتنی که در ادامه می آید، با رضا منتظری، مدیر مرکز حفظ و نشر آثار شهید دکتر بهشتی «نشر بقعه» درباره آثاری که طی سال های گذشته از این شهید مظلوم منتشر شده و همچنین برنامه های آینده این مرکز گفت وگویی انجام داده ایم.

## گفت وگو با مدیر مرکز حفظ و نشر آثار شهید دکتر بهشتی

# برای کارهای پژوهشی با کمبود امکانات مواجهیم

رسید و اندیشه های ایشان هم بعد از شهادتش مهجور ماند. به همین دلیل عنوانی که روی بنیاد گذاشته شده، «بنیاد حفظ آثار و اندیشه های شهید بهشتی» است. یعنی ما با احساس این خلأ وارد کار شدیم و سعی کردیم با حدود بیست و چند عنوان کتاب، چند نوار و سی دی و دیگر محصولاتی که منتشر کرده ایم، همین رسالت را انجام دهیم. حال آنکه چقدر در این عرصه موفق بوده ایم، نکته ای است که دیگران باید درباره اش قضاوت کنند.

به کتاب «تاریخ حزب جمهوری اسلامی» اشاره کردید که هفتم تیر منتشر می شود. به جز این چه آثار دیگری در دست انتشار دارید؟

آخرین اثری که به تازگی منتشر کردیم اثری از خود شهید بهشتی با عنوان «محیط پیدایش اسلام» بود. این کتاب را می توان از جمله آثار ماندگار و عمیق ایشان به حساب آورد. کتاب دیگری نیز با عنوان «بررسی آرا و اندیشه های شهید بهشتی» به قلم خانم قاسمی در نمایشگاه کتاب اخیر عرضه شد. البته جلد نخست کتاب چندی قبل منتشر شده بود. همچنین کتاب «تفسیر قرآن» شهید بهشتی نیز آماده انتشار است و امیدواریم بتوانیم آن را تا پایان سال منتشر کنیم. این کتاب ۱۰ جلدی است و طبیعتاً آماده سازی آن نیز اندکی دشوار و بودجه ای هم که می طلبد کمی ما را با مشکلات روبه رو کرده است.

چند کتاب و پروژه تحقیقاتی دیگر هم در دست داریم که درباره خود شهید بهشتی است. این کارها در مراحل اولیه قرار دارند و ما امیدواریم در صورت رسیدن به مراحل پایانی بتوانیم درباره شان اطلاع رسانی کنیم.

آیا در زمینه ترجمه آثار شهید بهشتی، فعالیتی از سوی بنیاد صورت گرفته است؟

بله، تعدادی از کتاب های ایشان به زبان عربی منتشر شده است. ما با موسسه ای در لبنان در این باره همکاری کرده ایم. همچنین چند کتاب از ایشان به زبان انگلیسی ترجمه شده است. اما ترجمه های برعکس هم از شهید بهشتی در حال انجام است. ایشان کتابی با عنوان «تاریخ قرآن» دارند که به زبان آلمانی نوشته شده است. این کتاب که در ایران بسیار مهجور است، ترجمه شده و در مرحله چاپ قرار دارد که امیدوارم تا پایان سال منتشر شود.

یکی از نکات جالب آثار شهید بهشتی آن است که با توجه به تخصصی بودن آنها، به چاپ های بعدی رسیده اند و مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته اند. دلایل این استقبال چیست؟

این استقبال به دلیل نیازی است که در جامعه به نگاهی از جنس نگاه دکتر بهشتی وجود داشته و دارد. برخی مسائل در جامعه به طور درست طرح نشده و شهید بهشتی آنها را با نگاهی اسلامی و علمی مورد توجه قرار داده است. به نظر ما نگاه شهید بهشتی نگاهی اصولی است و به همین دلیل جامعه آن را می پذیرد. او به دور از خرافه به دین پرداخته و مسائل را به گونه ای خرد مدار مطرح می کند. خوانندگان ما بیشتر از قشر جوان، دانشجو و طلبه های حوزه علمیه هستند و این نشان از دیدگاهی دارد که هنوز دارای حرف های نو برای جامعه است.



دارد، استقبال می کنیم.

این استقبال به چه صورت است؟

خیلی از کارهایی که اکنون منتشر شده بر اثر پیشنهادهایی است که توسط محققان ارائه شده است. مثلاً کتاب «اندیشه های شهید بهشتی» به پیشنهاد مولفش مطرح، نوشته و سپس منتشر شد. ما کاملاً از طرح های پیشنهادی استقبال می کنیم و تا آنجا که در توانمان باشد از طرح های ارائه شده حمایت خواهیم کرد.

شخصیت علمی شهید بهشتی در سایه فعالیت های سیاسی ایشان پنهان شده و به نظر می رسد که یکی از اهداف موسسه متبوع شما آن باشد که این وجوه را بیشتر به نمایش بگذارد. شما در این عرصه چه کرده اید؟

ما با همین بینش و پیش فرض کار را شروع کردیم که وجوه علمی و تئوریک شخصیت شهید بهشتی را به مخاطبان بشناسانیم. تلقی ما این بود که افکار و اندیشه های شهید آنچنان که باید شناخته نشده و آنچه از ایشان باقی مانده به یک اسم محدود می شود که در برهه ای از تاریخ انقلاب نقشی بسزا داشته است. یعنی همان طور که امام (ره) فرمودند، شهید بهشتی مظلوم زیست و مظلوم به شهادت

بررسی نقش شهید بهشتی در تاریخ انقلاب نیاز به پژوهشگرانی دارد که در این عرصه کار کنند. انتشارات بقعه تا چه اندازه به محققانی که در این عرصه فعالیت می کنند، امکانات عرضه می کند؟

بنیاد تاکنون در کنار آثاری که از شهید بهشتی عرضه کرده، آثاری را نیز درباره او منتشر کرده است، البته حجم گسترده ای از آثاری که منتشر کرده ایم به آثار دکتر اختصاص دارد. اما باید نکته ای دیگر را هم مدنظر قرار بدهیم. بخشی از کارهایی که ما انجام می دهیم، بدون واسطه صورت می گیرد. اما بخشی دیگر را با کمک دیگران، یعنی افرادی در خارج از بنیاد آن فعالیت را با عقد قراردادهایی برای ما انجام می دهند. ما همیشه از کسانی که به کمک ما می آیند و ما را یاری می کنند استقبال می کنیم. اما باید این نکته را نیز اضافه کنم که بنیاد شهید بهشتی، بنیادی است که بنیه مالی بسیار ضعیفی دارد. بنیاد به هیچ جایی وابسته نیست و از هیچ جایی کمک خاصی دریافت نمی کند. تنها منبع درآمد ما فروش کتاب هایمان است، آن هم در بازار کتاب ایران که آثار تخصصی، به ویژه در حوزه ادبیات ارزشی با فروش زیادی روبه رو نیست.

همین که ما توانسته ایم از راه فروش کتاب روی پای خودمان بایستیم، موفقیت بزرگی محسوب می شود. همین که ما توانسته ایم در طول حدود ۱۲ سال از برپایی انتشارات چنین حجمی از کار را به انجام برسانیم، خود چراغی است که آینده را برای ما روشن تر می کند. ما همیشه تلاش داشته ایم تا با استفاده از امکانات موجود کار کنیم. من به عنوان مدیر این مجموعه کوچک از کارها و فعالیت هایی که در طول این سال ها داشته ایم، راضی هستم. ممکن است تعداد کتاب هایی که ما منتشر کرده ایم چندان زیاد نباشد یا کتاب ها و پروژه های منتشر نشده بسیاری داشته باشیم، مثل همان موضوعی که شما اشاره کردید، اما عملکرد ما به عنوان یک مجموعه غیر دولتی قابل دفاع است. به همین دلیل است که همه ایده ها و سوژه هایی که مطرح می شود و می توان روی آنها کار کرد، اجرا نمی شود، چرا که امکان اجرای آنها برای ما وجود ندارد. البته ممکن است ما گاهی با کمبود ایده نیز روبه رو باشیم، اما مشکل اصلی ما کمبود امکانات است. با این همه از تمامی طرح هایی که در این زمینه وجود

انتشارات بقعه به عنوان مرکز حفظ و نشر آثار شهید دکتر بهشتی دو دسته از آثار را منتشر کرده است. یک دسته به آثاری مرتبط می شود که به مبانی نظری وی مرتبط است و قسمت دیگر به شهید بهشتی به مثابه بخشی از تاریخ معاصر پرداخته شده است. در این میان برتری با بخش نخست است. چرا؟

نکته ای که اشاره کردید درست و بجاست. ما درباره آنچه شما به آن اشاره کردید آثاری همچون «آزادی و هرج و مرج» را منتشر کرده ایم که مناظره تلویزیونی شهید بهشتی با سران احزاب منتقد سیاست های جمهوری اسلامی است. اما محدودیت هایی که برای ما به وجود آمد سبب شد تا نتوانیم برنامه هایی اینچنینی را ادامه دهیم. به عنوان مثال در کتابی که عنوانش ذکر شد تنها دو جلسه نخست این مناظره آمده است و ما نوید داده بودیم که در جلد های بعدی، مناظره های بعدی را نیز منتشر کنیم، اما متأسفانه صدا و سیما نوار مناظره های بعدی را در اختیار ما قرار نداد و کار نیمه کاره ماند. نامه نگاری های متعدد ما هم برای دریافت این نوارها نتیجه چندانی نداشت. در نتیجه ما برای آنکه به شخصیت دکتر بهشتی به مثابه بخشی از تاریخ انقلاب بپردازیم، به همکاری نهادها و مراکز دیگر احتیاج داریم اما مناسبات اداری این روند را بسیار کند می کند. ما بسیار دوست داریم در این عرصه فعالیت کنیم. به جز اثری که از آن نام بردم و چند اثر دیگر، در حال انتشار کتابی دو جلدی هستیم که به تاریخ حزب جمهوری می پردازد. جلد اول این کتاب احتمالاً روز هفتم تیر منتشر خواهد شد.

ممکن است کمی درباره این کتاب بگویید؟

جریان شکل گیری و فعالیت های حزب جمهوری اسلامی را همگان تقریباً می دانیم. این حزب توسط آقایان خامنه ای، هاشمی رفسنجانی و شهید بهشتی در سال های اول انقلاب شکل گرفت و یکی از خصوصیات آن فراگیری اش بود. حزب از متن مردم عضوگیری کرد و این اتفاقی بود که در سال های بعد در احزاب دیگر تداوم نیافت. این قضیه دلایل گوناگونی داشت؛ شخصیت هایی که در حزب حضور داشتند، اعتماد مردم به سیاست های اعلام شده و بسیاری از موارد دیگر. تاریخ شکل گیری حزب، موسسان آن، اهداف و مواضع حزب و تعامل آن با احزاب دیگر از جمله سر فصل های جلد نخست این کتاب است. در جلد دوم هم مصاحبه هایی با اعضای حزب جمهوری اسلامی و مواجهه آنها با مسائل گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است.

و احتمالاً برنامه های دیگری هم برای انتشار کتاب هایی از این جنس دارید؟

بله، ما احتمالاً آثاری را در این عرصه منتشر خواهیم کرد، اما اغلب برای انتشار کتاب هایی از این جنس با موانعی مواجه می شویم. اما در زمینه اول، یعنی آثار نظری و تئوریک دست ما بازتر بوده و به همین دلیل بیشتر فعالیت کرده ایم. تاکنون آثاری درباره نقش شهید بهشتی در پیروزی انقلاب و اندیشه های ایشان را منتشر کرده ایم، اما درصددیم تا حضور او به عنوان بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی را نیز مورد توجه قرار دهیم.

## بنیاد حفظ و نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی

بنیاد حفظ و نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی در تیرماه سال ۱۳۷۶ با هدف حفظ و نشر آثار شهید بهشتی شکل گرفت و از دوم دی ماه همان سال، پس از طی تشریفات قانونی و تدارک امکانات لازم، آغاز به کار کرد. از اهداف مندرج در اساسنامه بنیاد می توان به تدوین، تنظیم، چاپ و انتشار آثار و زندگینامه، ترجمه آثار ایشان به زبان های دیگر، انتشار کتب، مقالات، برنامه های رایانه ای، فیلم و ابزارهای دیگر فرهنگی و هنری درباره آثار، اندیشه های زندگینامه، ارائه خدمات علمی و پژوهشی به گروه ها و افراد، برگزاری مراسم بزرگداشت ایشان، و برگزاری جلسات گفتگو و گردهمایی علمی برای بررسی و نقد اندیشه های شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی اشاره کرد. همچنین تلاش های گسترده ای برای جمع آوری اسناد، تصاویر، نوارهای صوتی و تصویری ایشان که در مراکز گوناگون نگهداری می شود، صورت گرفته است. علاوه بر این، کتاب هایی درباره شخصیت و اندیشه های شهید بهشتی به چاپ رسیده است که مبانی فکری او، بازشناسی یک اندیشه، شناخت اندیشه های اجتماعی اش و اسلام و مقتضیات زمان، از آن جمله اند. موسس این بنیاد علیرضا و محمدرضا بهشتی، فرزندان شهید بهشتی هستند که در طول ۱۲ سال از شروع برپایی آن حدود ۲۵ کتاب درباره این شخصیت تاثیرگذار انقلاب اسلامی منتشر کرده اند. همچنین انتشار مقالاتی از دکتر بهشتی، چند لوح فشرده و کاست از سخنرانی های ایشان از جمله فعالیت های این بنیاد بوده است. بنیاد حفظ و نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی به طور خصوصی و غیر دولتی اداره می شود.



راه اندازی نخستین کتابفروشی تخصصی ورزشی

# تولدی دیر هنگام

سایر ناشران از جمله نشر فرزین، نشر علم و حرکت، سمت، تلاش، کمیته ملی المپیک، پژوهشکده تربیت بدنی و سایر ناشرانی که کتاب های ورزشی منتشر کرده اند، عرضه کرده ایم.»

تنوع موضوعی کتاب ها در نخستین کتابفروشی تخصصی حوزه ورزش و تربیت بدنی به گونه ای است که می تواند تا حدود زیادی جوابگوی نیازهای دانشجویان رشته تربیت بدنی، ورزشکاران آماتور و حرفه ای و همچنین علاقه مندان به موضوعات سلامتی و تندرستی از بین مردم جامعه باشد.

صادقی این کار را یک ریسک یا خطر می داند، اما اعتقاد دارد که ارزشش را دارد، چون به نظر او همه چیز پول نیست و انجام برخی کارها به عشق و علاقه آدم ها برمی گردد.

او در این باره می گوید: «این کار برای ما هزینه زیادی دربر داشته است، اما ما این ریسک را کردیم. در این چند روز که از افتتاح رسمی این کتابفروشی می گذرد، افراد گوناگونی به ما مراجعه کرده اند. یک روز دیدم پیرمردی با حیرت به کتابفروشی نگاه می کند. داخل که آمد، با تعجب درباره این کتابفروشی صحبت کرد. او تولید کننده لوازم ورزشی بود و به کارش هم عشق می ورزید. پیرمرد افتتاح این کتابفروشی را تبریک گفت و اظهار علاقه کرد که با ما همکاری کند. ما حتی اگر متضرر هم شویم، خوشحالی ام که ویتربینی تخصصی از کتاب های ورزشی را ایجاد کرده ایم.»

## یک دست با صدا!

از قدیم گفته اند یک دست صداندارد؛ ضرب المثلی که هیچ شکی در صحت آن نیست، اما گاهی نشان داده شده که اراده محکم و داشتن نیت خیر می تواند علاقه مندان، صدای دلنشین یار مهربان را در دنیای ماشینی و سروصدای بوق اتومبیل های این خیابان های پررفت و آمد، بلند کند. اما سوال اینجاست که آیا راه اندازی نخستین کتابفروشی تخصصی ورزشی، هدف غایی برپاکنندگان آن است؟

صادقی در این باره می گوید: «صدا داریم در آینده ویتربینی بزرگ در مقابل دانشگاه تهران - دست کم در داخل پاساژهای آنجا - راه اندازی کنیم. الان در آنجا کتابفروشی های تخصصی در حوزه های مختلف نظیر پزشکی وجود دارند، چرا کتابفروشی ورزشی نباشد؟»

صادقی از دیگر اهدافش می گوید: «ما آمادگی داریم ویتربینی کتاب های ورزشی را در اماکن ورزشی شهرداری، سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک و آموزش و پرورش راه اندازی کنیم. امروز در روزنامه ای خواندم که یک هزار مجموعه ورزشی آماده پذیرایی از دانش آموزان در اوقات فراغت تابستانند. اگر شهرداری به ما اجازه بدهد که تنها در ۱۰ درصد این اماکن، نمایشگاه و فروشگاه کتاب های ورزشی را دایر کنیم، مقوله کتاب و کتابخوانی بین نسل نوجوان و جوان ما بسیار گسترش خواهد یافت.»

در فروشگاه تخصصی کتاب ورزشی و تربیت بدنی، تمامی آثار با ۱۰ درصد تخفیف عرضه می شوند و این را هم می توان از جمله مزایای این کتابفروشی دانست.

در روزهایی که بسیاری از اهالی ورزش و همچنین دوستاناران دنیای پرهیجان فوتبال در تب و تاب عملکرد تیم ملی کشورمان در روزهای پایانی مرحله مقدماتی مسابقات فوتبال جام جهانی ۲۰۱۰ در قاره آسیا بودند، هنگامی که قرار بود ایران در مصافی سخت برابر تیم ملی کره جنوبی قرار گیرد، در یکی از خیابان های فرعی نزدیک دانشگاه تهران اتفاق مهمی در حال رخ دادن بود.

فوتبال و فوتبال دوستان در هیاهوی عملکرد شاگردان افشین قطبی (سر مربی تیم ملی) به سر می بردند، اما چند نفر که شاید تعداد آنها از تعداد انگشتان یک دست هم فراتر نمی رفت، در حال عملی کردن فکری بزرگ در عرصه کتاب بودند. ۲۴ خرداد ماه، اتفاقی در خیابان شهید وحید نظری، جنب خیابان ۱۲ فروردین رخ داد که به یقین در حافظه آثار مکتوب ورزش و تربیت بدنی ایران به یادگار باقی خواهد ماند.

افتتاح رسمی نخستین کتابفروشی تخصصی ورزش ایران، رویدادی قابل تامل به حساب می آید؛ رویدادی که در صدد است تا کتاب های ورزشی را در دسترس قرار دهد و ویتربینی کتاب های این حوزه را بیشتر و بهتر از گذشته در معرض تماشای عموم مردم بگذارد.

## تولد بعد از سال ها انتظار

در کتابفروشی های خیابان انقلاب و حاشیه آن همچنین کتابفروشی های خیابان کریم خان زند، آثار حوزه تربیت بدنی و ورزش در لابه لای کتاب های پر شمار و گوناگون حوزه های مختلف به فروش می رسند.

از آنجا که تاکنون هیچ کتابفروشی تخصصی ای در حوزه تربیت بدنی و ورزش وجود نداشت، این آثار به گونه ای در بین آثار پر شمار حوزه های دیگر گم می شدند و به سختی می شد آنها را در لابه لای کتاب های پر آوازه خوش ترکیب و پر مشتری دیگر حوزه هایافت، حال آن که از فوتبال گرفته تا دودو میدانی و ورزش همگانی همه و همه دارای کتاب هایی قابل اعتنائند.

در این میان، نشر بامداد کتاب از اوایل فعالیت خود یعنی سال ۱۳۸۲ سعی کرد در دفتر کاری اش، ویتربینی از کتاب های ورزشی را به نمایش بگذارد. مهدی صادقی، مدیر مسئول این نشر می گوید: «اوایل در دفتر کارمان در خیابان کمال زاده جنوبی، تقاطع ۱۲ فروردین کتاب هایمان را عرضه می کردیم و این نوع تک فروشی در کنار کار پخش گسترده کتاب صورت می گرفت و بیشتر مشتریانمان را دانشجویان رشته تربیت بدنی تشکیل می دادند اما آن محل کمی دور بود. بنابراین، بعد از مدتی به خیابان شهید وحید نظری آمدم، اما ویتربینی بزرگتر ما واقع در طبقه دوم یک ساختمان اداری، جوابگوی اهداف ما و نیازهای جامعه نبود. بالاخره مغازه ای را اجاره کردیم و کتاب های ورزشی را در آن به نمایش و در معرض فروش گذاشتیم.»

## مجموعه ای از همه ناشران

البته فروشگاه تخصصی کتاب ورزشی و تربیت بدنی بامداد کتاب تنها منحصر به آثار منتشر شده از سوی این نشر نیست. صادقی در این باره می گوید: «در این فروشگاه حدود ۱۵۰ عنوان کتاب منتشر شده نشر بامداد کتاب را همراه کتاب های



## هر آنچه دیده بیند...

تردید نیست که وقتی کتاب های ورزشی در معرض نگاه عمومی قرار می گیرند، افراد مختلف را به خودشان جلب می کنند.

صادقی با این موضوع موافق است و می گوید: «شاید افرادی باشند که در گوشه دل و ذهنشان به مقوله مطالعه علاقه مندند و کمی هم به ورزش گرایش دارند. این افراد وقتی در خیابان ویتربینی کتابفروشی را می بینند، علاقه شان تشدید می شود و به سمت خرید کتاب می آیند. به نظر من کتاب باید هم در دسترس و هم در معرض نگاه عموم باشد تا افراد را به خودش جذب کند.»

## فکری برای جای خالی در شهرستان ها

اگر راه اندازی نخستین کتابفروشی تخصصی ورزش و تربیت بدنی، طلیعه ای برای ایجاد هر چه بیشتر کتابفروشی های تخصصی در عرصه های مختلف باشد، باید آن را به فال نیک گرفت. اما آیا باز هم باید همه چیز حتی کتابفروشی های تخصصی در

تهران باشد؟ وقتی می توان با برپایی نمایشگاه های استانی، کتاب و کتابخوانی را در کشور گسترش داد، پس باید راه حلی برای ایجاد ویتربینی کتاب های ورزشی در شهرستان ها وجود داشته باشد.

مدیر مسئول نشر بامداد کتاب در این باره طرحی را اجرا کرده است. او می گوید: «ما در چند شهر بزرگ کشور نظیر مشهد، اصفهان و شیراز کتاب هایمان را عرضه کرده ایم تا علاقه مندان شهرستانی مجبور نباشند از هر نقطه ایران به تهران بیایند.»

## فروشگاهی با روح ورزش

کتاب های چیده شده در قفسه های کتابفروشی تخصصی ورزش و تربیت بدنی به ویژه طرح هایشان به هر بازدید کننده ای نشاط می بخشد، اما این کافی نیست. صادقی در این باره می گوید: «امسال در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، غرفه خود را با استفاده از تور و توپ و ... به نوعی با حال و هوای ورزشی توأم کردیم. حالا نیز قصد داریم دکوری کاملاً ورزشی را برای این مغازه طراحی کنیم.»

باسمه تعالی

کتابخانه کتاب

ششمین دوره جشنواره نقد کتاب  
همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد جشنواره نقد کتاب را همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات دعوت می کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر کرده اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۸ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵      تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.naghdketab.ir

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-



مجموعه کامل اشعار اکتاویو پاز، شاعر بلند آوازه مکزیکی، با ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور در دو جلد با عنوان «سنگ خورشید» و «بازگشت» از سوی نشر اسطوره چاپ و منتشر شده است. ابوالقاسم اسماعیل پور متولد ۱۳۳۳ بابل، دارای لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی و دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی است و در دانشگاه شهید بهشتی تدریس می‌کند. نخستین کتاب او در سال ۱۳۵۴ با عنوان «شلی و گیاهخواری» منتشر شد. به دنبال آن، آثاری مانند «اسطوره نمادین»، «زیر آسمانه‌های نور»، «اسطوره آفرینش»، «در آیین مانی»، «ادبیات مانوی»، «سرودهای روشنائی» و ... را تالیف و منتشر کرد و در زمینه ترجمه نیز کتاب‌های «اساطیر جهان»، «دانشنامه اساطیر جهان»، «اساطیر ملل»، «ادبیات گنوسی»، «زبور مانوی» و ... را در کارنامه‌اش دارد. دکتر اسماعیل پور، ماه گذشته دو مجموعه شعر از سروده‌های خود را با عنوان «هر دانه شن» و «بر سنگفرش بی بازگشت» به بازار فرستاد و در فاصله سال‌های ۸۴ تا ۸۶ هشت مجموعه شعر از آثار شاعران جهان را ترجمه و منتشر کرد که چشم‌انداز شعر نو در قرن بیستم، میان خورشیدهای همیشه، آلاچیتی چلچله‌ها، در جنگل ستاره‌ها، رویای ماه و ... عناوین این کتاب‌ها را تشکیل می‌دهند.

## گفت و گو با دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

# برگردان جان کلام

نیاکان خودش را در آثارش به بهترین شکل به کار گیرد.

ترجمه‌ای که از آثار شاعران مختلف جهان در چند سال اخیر منتشر کرده‌اید در پاسخ به نیاز درونی خود شماست، یا دلایل دیگری شما را به این امر ترغیب می‌کند؟

اگرچه دوره دکتر ادرار رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی گذرانده‌ام، اما لیسانس من در رشته زبان و ادبیات انگلیسی بود. بنابراین از همان دوران دانشجویی ترجمه شعر را به صورت تفتنی از آثار شکسپیر شروع کردم. مجموعه‌ای که از شعر شاعران جهان در ده جلد ترجمه و منتشر کردم حاصل سال‌ها کار و تلاش من در حوزه شعر مدرن و نتیجه سال‌ها عشق ورزی با شعر و شاعران جهان بود. ترجمه همین مجموعه آثار پاز را بر اثر علاقه‌ای انجام دادم که از سال‌های ۵۶-۱۳۵۵ - که مرحوم میرعلایی منظومه معروف «سنگ آفتاب» او را ترجمه و چاپ کرده بود - در من به وجود آمد. خیلی تحت تاثیر این منظومه قرار گرفته بودم و این عشق و علاقه در من بود تا این که ۱۵ سال بعد، یکی از دوستان مجموعه کامل اشعار پاز را از آمریکا برایم آورد. خواستم متن اصلی اشعار را به زبان اسپانیولی بخوانم تا باهاش آشنا شوم. بعد اولین شعرش را که همان منظومه «سنگ آفتاب» باشد، با متن انگلیسی این شعر مطابقت دادم. چون من هم متن اسپانیایی «سنگ آفتاب» را داشتم هم متن فرانسوی‌اش را، در جریان این مطابقت‌ها متوجه شدم که تفاوت‌هایی با هم دارند. اسپانیولی، زبانی است که به زبان فرانسه بسیار نزدیک است. حدود ۷۰٪ از واژه‌های این دو زبان مشترکند. اگر کسی زبان فرانسوی بداند، خیلی راحت می‌تواند «سنگ آفتاب» را در این دو زبان مقایسه کند. چون من زبان فرانسوی بلدم این کار را انجام می‌دادم و لذت می‌بردم. بعد شروع کردم به ترجمه این اشعار همین منظومه و «سنگ آفتاب» را که من ترجیح می‌دهم بنا به دلایلی «سنگ خورشید» باشد نخستین شعری بود که از این مجموعه ترجمه کردم.

«سنگ خورشید» شاهکار اکتاویو پاز، ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فردی که در میان اشعار شاعران جهان دارد، همین اسطوره‌ای بودن این شعر است. ببینید پاز در این شعر چه کرده است؟ پاز در این منظومه اسطوره‌های کهن مکزیکی را که یکی همین «سنگ خورشید» باشد، به بهترین و زیباترین شکل وارد شعر کرد. «سنگ خورشید» یک سنگ عظیمی است که نماد گاهشماری باستانی اقوام آزتک و اقوام قدیم مکزیکی است. پاز از این اسطوره کهن، خودش به عنوان یک نماد در شعرش

آقای اسماعیل پور دو مجموعه شعر از سروده‌های شما ماه گذشته منتشر شد. این اشعار چگونه و در چه موقعیتی سروده شده‌اند؟

واقعیت این است که این اشعار را برای دل خودم سروده‌ام. هنگام اقامت در چین و در روزهایی که فارغ از تحقیق و تدریس بودم و اشعاری هم که در ایران سروده بودم را همراه با این اشعار در دو جلد تدوین و منتشر کردم. این کارها مرا به یاد دوران دانشجویی که ۲۰-۲۵ سالم بود می‌اندازد؛ دورانی که با شعر آغاز شد. بعد، وارد اسطوره‌شناسی شدم و مطالعاتم را در این حوزه ادامه دادم اما الان در این سن و سال به عشق اول خود یعنی شعر و شاعری برگشته‌ام.

شما سرودن شعر را در دوران جوانی آغاز کردید، اما چرا اینقدر دیر به فکر چاپ اشعار خود افتادید؟ در سال ۱۳۵۸ هم یک مجموعه شعر به نام «خواب سنگی» منتشر کردم که همزمان شد با پیروزی انقلاب، یعنی دورانی که جو جامعه و فضای کشور، متأثر از هیجانات سیاسی بود و شعر و داستان مخاطبان زیادی نداشت. به همین دلیل، این مجموعه شعر در میان کتاب‌های جلد سفید و کتاب‌های سیاسی، دیده و خوانده نشد.

اشعاری که در «خواب سنگی» چاپ شده، در مقایسه با اشعار دو کتاب اخیر شما چه تحولات و دگرگونی‌هایی را از سرگذرانده؟ به لحاظ صورت و معنا، به لحاظ زبان و تصویر و ...

اشعار دو کتاب اخیرم در مقایسه با اشعار دوران جوانی - که در «خواب سنگی» آمده - خیلی فرق دارد. برای من، شعر یک حالت خصوصی پیدا کرده بود. سال‌هایی که در بابلسر زندگی می‌کردم شعر می‌گفتم. ولی فقط برای دوستان خاص و بسیار نزدیک می‌خواندم در واقع نوعی تفنن بود.

شناخت اساطیر و نمادها - حوزه‌ای که به صورت تخصصی در آن کار و تدریس می‌کنید - چقدر در شکل‌گیری اندیشه شعری شما موثر است و مطالعات در این زمینه چه تاثیری در شعر دارد؟ اسطوره هم جزو انواع هنر است. برای این که اسطوره از زمان‌های قدیم یعنی از دوره‌های باستان کار هنر را انجام می‌داد. شما می‌بینید اسطوره گیل‌گمش مربوط به هفت هزار سال پیش است و به زبان شعر هم سروده شده است. اسطوره‌های قدیم ایرانی هم که در کتاب «یشت»‌ها و «اوستا» چاپ شده‌اند، اینها هم به شعر بوده‌اند. «گات»‌های زرتشت هم به شعر بوده‌اند. کلا اسطوره و شعر دو روی یک سکه‌اند. به نظر من، کسی که کار شعر می‌کند با دنیای اساطیر اگر آشنا شود، این شناخت به او کمک می‌کند که رمزها، نمادها و سمبل‌های



استفاده کرد و انسانیت قرن بیستم را زیر سوال برد. تمام فجایعی را که طی دو جنگ جهانی در قرن بیستم اتفاق افتاد، با اسطوره‌های مکزیکی پیوند زد و چیزی به نام «سنگ خورشید» را خلق کرد. در این شعر که خورشید باید نماد زیبایی، نماد زندگی، نماد گرمی و محبت و نماد حیات و عشق باشد در قرن بیستم تبدیل به سنگ شده است و این ارتباط می‌دهد با یک اسطوره مکزیکی که اسمش «کتسال کوآتر» است. کتسال کوآتر یک اسطوره کهن مکزیکی است که همان خورشید باستانی باشد و یک جریان نجومی هم به نام اقتران سیاره ناهید یعنی نزدیک سیاره ناهید به خورشید دارد که حدود ۵۸۰ روز طول می‌کشد تا آن سیاره به خورشید نزدیک شود. بعد، پاز این شاهکارش را که همان «سنگ خورشید» باشد حدود ۵۸۰ سطر یا مصراع سروده است. شاعران کشور ما باید از این شاعران درس بگیرند و در به کارگیری اسطوره‌ها و نمادهای شرقی در شعرشان، از شاعرانی مثل پاز الگو بگیرند. شاعر ایرانی باید با اسطوره‌های کهن ایرانی، با اسطوره میترا، اسطوره تیشتر، اسطوره بهرام و ... آشنایی کامل داشته باشد تا بتواند از آن بهره‌گیری کند. پاز به عنوان یک شاعر، بیهوده در جهان مطرح نشده و جایزه نوبل نگرفته است. از مکزیکی برخاست و همه جهان را زیر نگاه خود گرفت. اگر مجموعه آثار پاز را مطالعه کنید، می‌بینید که از مکزیکی فراتر رفت، سال‌ها در فرانسه زندگی کرد و با عمق فرهنگ جهانی آشنا شد. با فرهنگ یونان کهن و روم باستان آشنا شد، به هندوستان رفت و سال‌ها در این کشور اقامت گزید. شما کل آثارش را که می‌خوانید، می‌بینید که اسطوره‌های هندی و تاریخ سرزمین هند چگونه در اشعارش بازتاب پیدا کرده‌اند. پاز گویا سال‌ها ریزن فرهنگی کشورش در هندوستان بود. او یک مضمون جهانی به مخاطبان اشعارش ارائه می‌دهد. به نظر من شاعران ایران در برابر مضامین جهانی که از طریق فرهنگ به هم گره می‌خورند، بسیار کم اطلاع‌اند. یعنی شاعر ایرانی باین فرهنگ چند هزار ساله و اسطوره‌های باستانی و تاریخ کهن و فرهنگ غنی، می‌تواند با جهان گفت و گو داشته باشد. این قدر نباید دور خودمان

بگردیم و مضامین بارها تکرار شده را تکرار کنیم. به نظر شما ترجمه از زبان دوم چقدر می‌تواند وفادار به متن اصلی باشد؟ شما گویا اشعار پاز را از اسپانیولی ترجمه نکرده‌اید، بلکه از ترجمه انگلیسی الیوت و این برگزیده گرفته‌اید؟ من این اشعار را از زبان انگلیسی ترجمه کرده‌ام. ولی آقای سعید آذین که زبان اسپانیایی را کاملاً می‌شناسد و در این زبان متخصص است و خودش هم شاعر است، ترجمه‌های مرا با متن اسپانیایی اشعار پاز مقایسه کرده و ما در زیرنویس صفحات، تفاوت‌های ترجمه انگلیسی و اسپانیایی را آوردیم. البته من معتقدم که هر متن ادبی باید از متن اصلی ترجمه شود. در این مورد هیچ شک نیست، ولی در طول همه این سال‌ها با این همه مترجم زبان اسپانیایی، چه کسی قدم جلو گذاشت تا این آثار و دیگر آثار آمریکای لاتین را که امروز یک سرو گردن از ادبیات دیگر قاره‌ها بلند تراست، به فارسی برگرداند؟ کسی آمد اشعار پاز و لورکا را از متن اسپانیایی ترجمه کند؟ حتی مرحوم میرعلایی هم منظومه «سنگ آفتاب» را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده بود. الان سی سال از زمان ترجمه سنگ آفتاب گذشته است. کدام اسپانیایی دان یا پیش‌گذاشته و این منظومه را به فارسی ترجمه کرده است؟ به هر حال من ترجمه انگلیسی معتبری از اشعار پاز را انتخاب کردم که خود پاز بر ترجمه آن نظارت داشته است.

الیوت و این برگزیده مترجم انگلیسی اشعار پاز، شاگرد و دوست بسیار نزدیک او بود و شعرها را زیر نظر پاز به انگلیسی ترجمه کرده بود. خود پاز هم انگلیسی می‌دانست و سال‌ها در دانشگاه آمریکا تدریس می‌کرد. بنابراین، نمی‌شود گفت که ترجمه انگلیسی اشعار چیزی کم دارد یا ناقص است. ولی به هر حال من هم معتقدم هر اثری باید از متن اصلی ترجمه شود. به نظر من ترجمه شعر، برگردان لغت از یک زبان به زبان دیگر نیست بلکه باید روح شعر را از زبان اصلی به زبان دیگر منتقل کرد. شما در مقدمه «مجموعه کامل اشعار پاز» عنوان کرده‌اید که ترجمه شعر امکان‌پذیر نیست، اما



باید جان کلام و جان شعر به مخاطب منتقل شود نه لفظ. این در حالی است که بسیاری از صاحب نظران معتقدند شعر رستاخیز و آه هاست و عده‌ای می‌گویند «چه گفتن» مهم نیست بلکه «چگونه گفتن» مهم است؛ یعنی در شعر، لفظ اصل است.

همان‌طور که گفتیم، شعر واقعا قابل ترجمه نیست و بسیاری از متخصصان ترجمه هم همین حرف را می‌زنند. شما اگر یک شعر را به زبان اصلی بخوانید با صد درصد شعر و روح متن آشنا می‌شوید و از آن لذت می‌برید. ترجمه بین ۵۰ تا ۷۰ درصد از لذتی که از اصل شعر می‌برید به شما منتقل می‌کند. بسیاری از دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان شعر که زبان اسپانیایی بلد نیستند یا انگلیسی نمی‌دانند می‌توانند در حد ۵۰ تا ۷۰ درصد از روح شعر، از جان کلام لذت ببرند. مثلا حافظ را که به زبان فارسی می‌خوانیم آن لذتی که ما از شعر حافظ می‌بریم با لذتی که یک آلمانی، یا فرانسوی یا انگلیسی از ترجمه شعر حافظ می‌برد یکسان است؟ گوته شاعر آلمانی که آن همه تحت تأثیر غزل‌های حافظ قرار گرفته بود و دیوان اشعار خودش را «دیوان شرقی - غربی» می‌نامید، آیا به اندازه یک فارسی‌زبان از شعر حافظ لذت برده است؟ آیا حافظ را به زبان اصلی خوانده بود؟ نخوانده بود.

به هر حال ترجمه شعر وظیفه و رسالتش همین است که بتواند تا حدودی که ممکن است، هم از نظر کلام و هم از نظر محتوا، روح و جان شعر را به مخاطب منتقل کند. خود اکتاویو پاز بسیاری از اشعار شاعران فرانسوی و اروپایی را به اسپانیولی برگردانده بود. او مدعی نیست که تمام زیبایی‌ها و روح شعر و جان کلام را به زبان اسپانیولی منتقل کرده است ولی این رسالت مترجم است که تلاش کند حداکثر زیبایی‌های یک شعر را در ترجمه منتقل کند تا شعر حداکثر تأثیر خودش را داشته باشد. اگر به ترجمه‌های قدیم برگردیم؛ ترجمه‌هایی که از اشعار شاعران رمانتیک و از اشعار ویکتور هوگو و شاتوبریان شده این ترجمه‌ها بر شاعران نسل دهه‌های سی و چهل بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. ترجمه‌هایی که از مرحوم حسن هنرمندی، شاملو و دیگران به جای مانده، به شعر مدرن ایران غنای فراوان بخشیده است. البته ترجمه صد درصد امکان‌پذیر نیست چرا که انتقال زبان و کلام شعر و آن توانایی کلام و آن آهنگ شعر و آوای کلام توسط بزرگ‌ترین مترجمان جهان هم امکان‌پذیر نیست و نمی‌تواند همه این ویژگی‌ها را به زبان دیگر برگرداند. ولی پژواک‌هایی از یک شعر را می‌تواند منتقل کند. به همین دلیل در جهان امروز ترجمه شعر کاری ارزشمند است. مترجمان درجه یک خلاقند و می‌توانند با احاطه‌ای که بر زبان فارسی و چم و خم آن دارند، تا حد ممکن جان کلام و آهنگ و هارمونی یک شعر را همراه با محتوا به زبان دیگر منتقل کنند. این که ما مقدر در ترجمه این اشعار موفق بوده‌ایم، خوانندگان و علاقه‌مندان شعر و صاحب نظران این حوزه می‌توانند نظر بدهند.

شما دلیلی که برای ترجمه مجدد «سنگ آفتاب» مطرح کردید، این بود که میرعلایی این منظومه را کامل ترجمه نکرده است. اما خود شما در مقدمه اشاره کرده‌اید که هر کوشش برای ترجمه به اصطلاح نعل به نعل شعر با شکست مواجه می‌شود! فکر نمی‌کنید میرعلایی هم با همین نگرش سنگ آفتاب را نعل به نعل یا کلمه به کلمه ترجمه نکرده باشد؟

مرحوم میرعلایی زمانی این شعر را ترجمه کرده بود که وضع ترجمه با امروز خیلی تفاوت داشت. امروز حدود سی سال از ترجمه «سنگ آفتاب» می‌گذرد. میرعلایی مترجم شعر نبود، مترجم رمان بود. مترجم ادبیات داستانی بود، خودش هم در یک میهمانی در اصفهان می‌گفت: «من در انگلیس بودم

که مجموعه «سنگ آفتاب» را دیدم و خواندم و از آن خیلی خوشم آمد. بعد هم آن را ترجمه و برای دوستان در اصفهان پست کردم که این دوستان بعد از حک و اصلاح این منظومه را در نشریه جنگ اصفهان چاپ و منتشر کردند.» من شخصا ایرادی به ترجمه «سنگ آفتاب» مرحوم میرعلایی ندارم. آن موقع ترجمه این منظومه بسیار تأثیرگذار بود و شاعران ایرانی را با افق‌های تازه‌ای از شعر مدرن جهان آشنا کرد. خود من که در آن ایام در اصفهان دانشجوی بودم، از مطالعه این شعر بسیار لذت بردم و سخت تحت تأثیر آن قرار گرفتم. بسیاری از شاعران نسل مرا هم تحت تأثیر قرار داد. ارزش کار او بر کسی پوشیده نیست و همچنان محفوظ است. اما بیش از سی سال از ترجمه این منظومه گذشته و نحوه و شکل ترجمه به تدریجی که آن زمان امثال قاضی و... ادیبان جهان را ترجمه می‌کردند، به کلی دگرگون شده است. زبان اصلا تغییر کرده و تکامل یافته و دیدگاه‌های مترجمان عوض شده است. من معتقدم اگر شما یک پاراگراف از شعر پاز را به زبان اسپانیایی بخوانید می‌بینید این منظومه در ۵۸۳ مصراع با وزن هجایی سروده شده است. این منظومه آهنگین است، وزن دارد. وقتی این منظومه را به نثر ترجمه کنیم نزدیک به پنجاه درصد از کیفیت شعر را از بین می‌بریم. میرعلایی این منظومه را به این صورت ترجمه کرده: بیدی از بلور اسپیداری از آب/فواره‌ای که بلند می‌شود/ و...

وقتی من اصل شعر را خواندم و دیدم که وزن آن هجایی است، آن را به این صورت برگرداندم: بید بلور/اسپیدار آب/فواره‌ای بلند/با کمانه باد/درختی ژرف/ریشه اما رقصنده/رودی رونده و پیچنده/ و...

می‌خواستم تا اندازه‌ای آن هجای شعر پاز را حفظ کنم به همین دلیل با آن زبانی که آشنا بودم و آهنگی که من از شعر پهلوی و مانوی می‌شناختم، شعر پاز را در وزن هجایی ترجمه کردم. شعرهای کهن ایرانی هم دارای وزن هجایی بودند. ما اصلا شعر عروضی نداشتیم. وزن عروضی را از شعر عرب گرفتیم. شعر ایران باستان در کتاب «سرودهای روشنائی» را اگر مطالعه کنید، می‌بینید شعر ایران قدیم، هجایی بود. سعی کردم شعر پاز را در وزن هجایی ترجمه کنم. این کار یک نوع تجربه تازه است. بدون این که ترجمه میرعلایی را رد کنیم، که سی سال پیش و در زمان خودش کار با ارزشی بود. حال باید به دنبال تجربه تازه‌ای باشیم. من از این منظومه پاز پنج ترجمه انگلیسی می‌توانم ارائه بدهم. یعنی پنج مترجم متفاوت انگلیسی با دیدگاه‌های مختلف شعر پاز را ترجمه کرده‌اند. بنابراین ایرادی ندارد که در ترجمه شعر جهان، تجربه تازه‌ای داشته باشیم و دیدگاه‌های جدیدی که داریم ارائه بدهیم. حشمت جزئی هم این منظومه پاز را ترجمه کرده و در کتاب «ده شاعر نامدار قرن بیستم» آورده است. جالب است بدانید که او هم این منظومه را «سنگ خورشید» نامیده نه «سنگ آفتاب».

متأسفانه من این ترجمه را ندیده‌ام. حرف نگفته‌ای اگر راجع به پاز و ترجمه مجموعه اشعارش دارید، بفرمایید؟

اکتاویو پاز شاخص‌ترین چهره شعر مدرن جهان

اکتاویو پاز شاخص‌ترین چهره شعر جهان است و در طول زندگی حدود ۱۳ مجموعه شعر منتشر کرده. اگر می‌خواهیم پاز را فقط با منظومه سنگ خورشید بشناسیم به خطا رفته ایم

است و در طول زندگی حدود سیزده مجموعه شعر منتشر کرده است. اگر می‌خواهیم پاز را فقط با منظومه سنگ خورشید بشناسیم به خطا رفته‌ایم. این منظومه به تنهایی برای شناخت شاعری در حد و اندازه پاز کافی نیست. به همین دلیل من برای شناخت یک شاعر و معرفی او به شاعران نسل امروز، کل آثارش را به فارسی برگردانده‌ام تا مدنظر قرار گیرد. فراز و فرودهایی که در شعر پاز هست باید دیده شود. «سنگ خورشید» جزو شعرهای اولیه پاز است. این مجموعه در ۱۹۵۷ میلادی سروده شد که حدود شصت سال از آن تاریخ می‌گذرد. شما باید با آخرین کارها و آخرین دستاوردهای شعری‌اش آشنا شوید. مثلا مجموعه «درخت درون» که در دهه ۹۰ سروده شده را ببینید و بخوانید. پاز دریایی از سبک‌ها و تجربه‌های متفاوت است. از «سنگ خورشید» نخستین مجموعه تا «درخت درون» آخرین مجموعه شعرش فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است که یک شاعر ایرانی می‌تواند با دنبال کردن این تجربه‌های متفاوت از آنها درس بگیرد. پاز از تمام تئوری‌ها و نقد ادبی مدرن استفاده کرده است. وقتی در فرانسه حضور داشت، با بسیاری از منتقدان بزرگ فرانسوی آشنا بود، همین‌طور با هنرمندان و نقاشان بزرگ و مدرن سابقه دوستی داشت. اکتاویو پاز این نوع و استعداد را داشته که از روستاهای مکزیکو برخاسته و آمده آخرین دستاوردهای جهان مدرن را تجربه کرده است. هم غرب را تجربه کرده و در بهترین دوران در بهترین محافل هنری پاریس حضور داشته است. بعد شرق را هم تجربه کرده است. چرا که در هندوستان و افغانستان سال‌ها به عنوان رایزن فرهنگی مکزیک اقامت گزیده بود. پاز شعری دارد که آن را بر سر قبر امیر خسرو دهلوی سروده است که در این مجموعه هست. شاعر جهان‌امروزی این شاعران ماعومابومی مانده‌اند و فراتر از مرزهای جغرافیایی خود پرواز نکرده‌اند. جهان را تجربه نکرده‌اند. یعنی آن پیامی که شاعر باید برای جهانیان داشته باشد را ندارند. حرف‌هایشان در حد مردم بومی است و این بزرگ‌ترین نقص شاعران ماست. شاعران ماعومابومی غیر از زبان فارسی هیچ از یک زبان‌های جهانی را نمی‌دانند. در این صورت، نمی‌توانند ادبیات‌های طرف خود ارتباط برقرار کنند. کسی که یک زبان جهانی را بلد نباشد، خودش را از یک امکان جهانی محروم کرده و یک چشم‌انداز وسیع را روی خودش مسدود کرده است. شعر عرق‌ریزان روح است. شاعر باید یک زبان جهانی بلد باشد، جهان معاصر را بشناسد، دنیای اطراف خودش را کشف کند، غرب و شرق را تجربه کرده باشد و عمیق‌ترین ریشه‌های بومی فرهنگ خود را بشناسد، زیر و بم فرهنگ چند هزار ساله ایران را بلد باشد و در عین حال دنیا را هم بشناسد. در این صورت، خود به خود زبان ویژه خودش را پیدا می‌کند؛ باید آثار امثال پاز را کامل بخواند. نه تنها پاز بلکه آثار بسیاری از شاعران تراز اول جهان را باید بخواند. مثل آثار بورخس را.

بورخس در ایران به عنوان نویسنده شناخته شده است در حالی که کتابی پر از شعرهای عمیق دارد که عمیق‌تر از اشعار پاز است. شاعران بزرگ جهان یکی دو تانیستند. در پاراگوئه، در شیلی، در اسپانیا، شاعران بسیاری‌اند که آثارشان جهانی است و نگاه و نگرش جهانی دارند. بسیاری از شاعران اسپانیولی زبان آمریکای لاتین از خیلی شاعران اروپایی پیشرفته‌تر و بالاترند. زبان شعر و زبان ادبیات داستانی که دارند، با کشور ما عجین است. چون تجربه‌هایی را که آمریکای لاتین دارد با تجربه کشوری مثل ایران و کشورهای شرقی بسیار نزدیک‌تر است تا تجربه کشورهای اروپایی و شاعرانی چون ایوبت و... از این رو ما می‌توانیم با مطالعه و شناخت شعر آمریکای لاتین به غنای ادبیات کشور خود بیفزاییم.

## معرفی کتاب

زین العابدین منطقی

### پلی به سوی جامعه کتابخوان

یکی از مشکلات و دغدغه‌های قدیمی کتابخوانی در ایران راه‌های نزدیک کردن عموم مردم به دنیای کتاب و کتابخوانی است. با این که همه پژوهشگران و متفکران ایرانی چنین دغدغه‌ای دارند، اما در عمل تعداد کمی از آنها تلاشی را برای نزدیک کردن عموم مردم به کتاب انجام داده‌اند. هنگامی هم که نویسنده‌ای تلاش می‌کند با ساده‌نویسی زمینه‌علاقه عموم مردم به کتابخوانی را فراهم کند، از سوی منتقدان یا همکارانش به سطحی بودن و بی‌مایگی متهم می‌شود. از همین روست که همواره در تاریخ معاصر کشورمان شاهد شکاف و فاصله‌ای عمیق میان عموم مردم و فعالان حوزه‌های فکری و فرهنگی هستیم. بی‌شک آثاری که می‌تواند این شکاف عمیق را ببوشاند، کتاب‌هایی هستند که تنها به طرح مسائل مهم فکری، فرهنگی اکتفا می‌کنند و به پیچیدگی‌ها و ظرایف مباحث طرح شده نمی‌پردازند. این امر، گرچه در گام نخست شاید کمی سطحی به نظر برسد، اما می‌تواند موجب علاقه عموم مردم به کتابخوانی باشد؛ در واقع، چنین تکنیکی به مثابه پلی برای گذر مخاطب از عوام‌گرایی و تبلیلی فکری به سوی روشن‌بینی و تکاپوگری فکری است. مجموعه کتاب‌های جیبی که چندی پیش توسط انتشارات امیدفردا روانه بازار کتاب شد، از سنخ کتاب‌های اخیر است. «پیام‌های ادبی، اجتماعی و سیاسی میرزاده عشقی»، «پیام‌های اجتماعی، مذهبی و ادبی دکتر علی شریعتی» و «پیام‌های ادبی، اجتماعی و سیاسی فرخی یزدی» آثاری هستند که با وجود کوتاهی، بخشی از اندیشه این سه متفکر بزرگ را به خواننده منتقل می‌کنند. سه کتاب مورد بحث، در واقع، گزیده سخنان دکتر شریعتی، فرخی یزدی و میرزاده عشقی است. در هر کتاب نیز توضیحی کوتاه درباره افکار این بزرگان به بهانه پیشگفتار آمده است. به عنوان نمونه در کتاب میرزاده عشقی سعی شده تا شخصیت ادبی و سیاسی عشقی در کنار هم معرفی شود. هر چند چنانچه از مضمون کتاب برمی‌آید میرزاده عشقی ادیبان را ماندگارتر از سیاستمداران می‌داند. به اعتقاد میرزاده عشقی سیاستمداران بسیاری آمده‌اند و رفته‌اند و نامی از آنها بر جای نمانده است اما نام بسیاری از شاعران و ادبا مانند رودکی، حافظ، سعدی و فردوسی همچنان سر زبان‌هاست. گزین‌گونه دکتر علی شریعتی نیز با اتکا به کتاب «کویر» شکل گرفته است؛ اثری که در آن وجه ادبی بر وجوه اندیشه شریعتی غلبه دارد.

در کتاب فرخی یزدی تعدادی از اشعار وی گردآوری شده است. او که در دوران اختناق رضاشاه شعر می‌سرود، با جسارت تمام مسائل سیاسی و اجتماعی زمان را در شعرهایش طرح می‌کرد و از شعر خود به عنوان ابزاری نیشدار علیه حاکمان زورمدار زمان خود بهره می‌برد. تندری کلام فرخی و تأثیرگذاری آن به حدی بود که رضاخان برای ساکت کردن این شاعر متعهد، راهی جز کشتن او نیافت.

## تصحیح و پوزش

هفته گذشته گفت‌وگویی با عنوان «ضرورت حمایت از تالیف کتب علمی» چاپ شد که دوباره، نام آقای مهندس محمدامین زارع به اشتباه محمدامین زمانی درج شده که به این وسیله اصلاح می‌شود.



علی هادیلو

کتاب «فاطمه زهرا (س) در شعر فارسی» به اهتمام محمد صحتی سردرودی توسط انتشارات پرتو خورشید قم منتشر شده است. این کتاب، زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س) را از ولایت تا شهادت در چهارده فصل و چهل باب، از زبان شاعران و ستایشگران روایت می کند. صحتی که متخصص حوزه عاشورا پژوهی است، پیش از این نیز در کتاب دو جلدی «امام علی (ع) در شعر فارسی» در چهارده فصل، ادوار مختلف زندگی نامه امام علی (ع) را از ولادت تا شهادت از زبان شاعران حکایت کرده بود. «سیمای کربلا؛ حریم حریت»، «شهید فاتح در آیین اندیشه»، «مقتل الحسین به روایت شیخ صدوق»، «عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)» و «مثنوی» «اکبرانه های عرفانی» درباره حضرت علی اکبر از جمله آثار این پژوهشگرند. در گفت و گو با صحتی به بررسی کتاب «فاطمه زهرا (س) در شعر فارسی» پرداخته ایم.

نویسنده کتاب «فاطمه زهرا (س) در شعر فارسی»:

## هنوز شعری به عظمت حضرت زهرا (س) سروده نشده است

به دست گرفتم و کار را ادامه دادم. در گزینش اشعار، معیار خاصی مدنظران بود؟ بله! من در گزینش شعرها وسواس داشتم شعرهایی که ربط چندانی به موضوع ندارند در این مجموعه نیانیدند. از طرف دیگر، فعالیت تخصصی من عاشورا پژوهی با رویکرد تحریف شناسی عاشورا و تاریخ قیام امام حسین (ع) بود، بنابراین در گزینش اشعار نیز همین رویه را دنبال می کردم. هرگاه احساس می کردم شعری مبنای درستی ندارد یا میان مسلمانان تفرقه برانگیز است آن را کنار می گذاشتم. چرا که معتقد بودم آتش کینه توزی راسخه و رمی کند و متناسب با عظمت و شخصیت این بانوی بزرگ اسلام هم نیست.

در بخشی از مقدمه کتاب، مطلبی با این مضمون آورده اید که فاطمه (س) نه تنها دختر پیامبر (ص) یا مادر امام حسین (ع) است بلکه بالاتر از آن، فاطمه (س) خود عالمی دارد با جهانی دیگر. در بیان این مطلب چقدر به این جمله «فاطمه فاطمه است» دکتر شریعتی توجه داشتید؟

خب کتاب «فاطمه فاطمه است» را خوانده بودم همیشه هم فکر می کردم که حضرت فاطمه (س) شخصیت منحصر به فردی دارد. سخنرانی های رسا و ماندگارش موجب شد که «بنیانگذار مکتب اعتراض» نامیده شود. ایشان بعد از رحلت رسول الله (ص) نخستین زنی بود که نه تنها از حقوق زن، بلکه از حقوق همه انسان ها دفاع کرد. بنابراین او نه تنها الگوی زنان است، بلکه الگویی برای مردان نیز به شمار می رود.



مورد استقبال قرار گرفت، تصمیم گرفتم کار را توسعه و تعمیم دهم و کتابی با عنوان «امام علی (ع) در شعر فارسی» تدوین کنم. پس از آن که این کتاب تدوین شد، ناشر این کتاب یعنی انتشارات پرتو خورشید، از من خواست تا پژوهشی با عنوان «فاطمه زهرا (س) در شعر فارسی انجام دهم. برای این کار، بخشی از مسیر پیش تر هموار شده بود، چون از سال ۱۳۶۵ که دواوین شاعران را مطالعه می کردم، هر شعر مذهبی ای را که چنگی به دل می زد جمع آوری می کردم. پس سرنخ پژوهش را

زهرا (س) شعری بسرایند. اما پس از آن با تغییر نگرش نسبت به جایگاه زن، این بانوی بزرگ اسلام نیز در کانون توجه شاعران قرار گرفت و رفته رفته اشعار زیادی در مناقب ایشان سروده شد. البته باید اذعان کنیم که هنوز جای اشعار درخور شخصیت ایشان در عرصه های گوناگون خالی است. مثلاً با این که انتظار داشتم برای فصل های «زیبامثل زن» و «عرفان فاطمی» شعرهای پربراری پیدا کنم، اما هر چه گشتم کمتر شعری در این زمینه ها را یافتم.

پژوهش های شما به صورت سلسله وار از غدیریه های فارسی شروع می شود و به این کتاب می رسد. آیا هدف شما پر کردن خلأهای پژوهشی در این زمینه بود یا به سفارش سازمانی این پژوهش ها را انجام دادید؟

کار گزینش اشعار مذهبی از سال ۱۳۶۵؛ زمانی که «الغدیر» اثر گرانقدر علامه امینی را می خواندم، به ذهنم آمد. علامه امینی در این کتاب، قرن به قرن قصیده هایی را که شاعران عرب درباره غدیر سروده بودند، جمع کرده است تا ثابت کند اعتقاد به غدیر در میان شاعران عرب متواتر بوده است. در واقع با خواندن این کتاب بود که به ذهنم رسید این پژوهش ها را در شعر فارسی ادامه دهم. بنابراین، به جمع آوری غدیریه های فارسی از بین دواوین شاعران قرن سوم تا سده چهاردهم اقدام کردم و حاصل کار در کتابی با عنوان «غدیریه های فارسی» چاپ شد. این کتاب همان سال به عنوان برنده جایزه کتاب سال شناخته شد. از این تاریخ که کار

پیشینه این قبیل پژوهش های مذهبی در ادبیات ایران به چه زمانی برمی گردد؟

در ایران، این قبیل پژوهش ها سابقه چندانی ندارند. البته کم و بیش مجموعه هایی پدید آمده اما این آثار، مستند و قابل اعتنا نیستند چرا که یا منابع و مآخذ موثقی ندارند یا گاهی شعرهایی را جمع آوری کرده اند که ربطی به موضوع ندارند اما درباره حضرت زهرا (س)، تقریباً تا انتشار این کتاب، هیچ پژوهشی نشده بود. بنابراین در پژوهش ناگزیر بودم به دیوان همه شاعران ایرانی مراجعه کنم. به همین دلیل، تنها اشعاری را گزینش کردم که جامع باشند و مانع اغیار.

یعنی بررسی های شما منحصر به مطالعه اشعار فارسی بود؟

بله! تقریباً مجبور بودم همه دواوین فارسی را مطالعه کنم. البته، در گزینش شعر درباره امام علی (ع) دستم باز بود؛ اما درباره حضرت فاطمه (س) این شعرهای مناسبتی کمتر بودند، چرا که فاطمیت در ادبیات عمر کمی دارد. قبل از صفویه که می توان با یقین گفت اصلاً نامی از حضرت فاطمه (س) در شعر فارسی وجود نداشت و بعد از این تاریخ، با آن که حاکمان صفوی به مناقب و مرثی اهل بیت توجه بسیاری داشتند تا نهضت مشروطیت شعر چندانی سروده نشد. بنابراین، شعر فاطمی عمری ۱۵۰ ساله دارد. به بیان دیگر تا قبل از مشروطه، نگاهی که در جامعه نسبت به جایگاه زنان وجود داشت، مانع از این می شد تا شاعران فارسی زبان در ستایش حضرت

مؤلف کتاب «بر دامن سکوت» عنوان کرد

### میوه های شیرین ادبیات انقلاب رسیده اند

صاحب نظران ادبی معتقدند یک تحول ادبی برای این که موضوع پژوهش قرار گیرد، باید دوره ای را پشت سر بگذارد و به همین دلیل، کمی زود است که در زمینه ادبیات انقلاب پژوهش انجام شود. اما سعید خومحمدی خیر آبادی در کتاب «بر دامن سکوت» برخلاف این رویه عمل کرده است. او در سی امین سال پیروزی انقلاب اسلامی، اشعاری از شاعران مطرح انقلاب مانند فیض امین پور، سلمان هراتی، پرویز بیگی حبیب آبادی، علی موسوی گرماردی، ساعد باقری و علیرضا قزوه را در قالب یک مجموعه بررسی کرده است. خومحمدی در ابتدای کتاب، موضوعاتی چون معیارهای ادبیات انقلاب اسلامی، ویژگی های شعر انقلاب اسلامی و غزل در قلمرو شعر انقلاب اسلامی را بررسی کرده و در ادامه، نمونه هایی از اشعار شاعران انقلاب را با بررسی شعر آنها آورده است. وی علاوه بر نگارش مقاله های متعدد در زمینه ادبیات انقلاب اسلامی، کتاب های زیادی نیز تألیف کرده که برخی از آنها عبارتند از «خاتون باران» (بررسی اشعار فارسی درباره حضرت زهرا (س))، «تصحیح دیوان کاتبی نیشابوری»، «از آسمان جماران» (جمع آوری و بررسی اشعاری که درباره امام (ره) سروده شده) و «رودخانه های غدیر». کتاب هفته با وی درباره کارهایش به گفت و گو نشست.

چطور شد که به پژوهش در زمینه ادبیات انقلاب علاقه مند شدید؟ شخصاً به ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس علاقه زیادی دارم و چون در خانواده ای اهل فرهنگ و شدیداً معتقد به انقلاب بزرگ شده ام، این موضوع برایم از اهمیتی بیشتر برخوردار بود. اما شهادت

برادرم، تلنگری در ذهن من ایجاد کرد تا در این موضوع پژوهش دامنه داری داشته باشم. برادرم خلیان یک هوایمی جنگنده بود که در سال ۷۹ هنگام ماموریت شهید شد. قبل از این کتاب هم در زمینه ادبیات دفاع مقدس و ادبیات انقلاب اسلامی فعالیت هایی داشتم. یکی از مقالاتم در سال ۸۲ از طرف بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس به عنوان مقاله برتر حوزه رسانه شناخته شد. بعد با همکاری دکتر هادی منوری که از شاعران بنام معاصر است، کتابی با عنوان «بر آسمان جماران» تهیه کردیم که در این کتاب اشعاری را که درباره امام خمینی (ره) سروده شده بودند، جمع آوری کردیم. این کتاب در افتتاحیه سومین دوره جشنواره شعر فجر در مشهد رونمایی شد و پس از آن، کتاب «بر دامن سکوت» را با همکاری مجتبی جوادی نیا کار کردیم.

برخی عقیده دارند که برای پژوهش درباره ادبیات انقلاب هنوز کمی زود است و باید زمان بگذرد تا بتوانیم درباره شعر انقلاب و دفاع مقدس به قضاوت درستی برسیم. شما با این نظریه موافقت می کنید؟

معتقدم شعر انقلاب ویژگی های ممتازی دارد که باید پژوهش های دامنه داری در آن صورت بگیرد. شعر انقلاب اسلامی زاده رویدادی به نام انقلاب اسلامی است و ادبیات این دوره در مقایسه با همه مقاطع تاریخ طولانی ایران، تقریباً یکدست و کامل و در جهت آرمان ها و سخنگوی احساسات، افکار و جهت گیری های یک ملت است. شعر انقلاب، شعر درباری و میخانه ای نیست. این گونه شعر در واقع، انعکاسی از روح جامعه فداکار و زبان حال آن جامعه است. بنابراین، معتقدم ادبیات انقلاب به ثمر نرسیده است و می توان از میوه های شیرین آن بهره برد.

تا چه اندازه در این حوزه پژوهش صورت گرفته است؟ به ضرس قاطع عرض می کنم این کتاب یکی از مهم ترین و موفق ترین پژوهش ها در این زمینه است چرا که هم کتابی تالیفی

نگاهی به «موسیقی شانس» اثر پل استر

# شانسی ترین رمان، شانسی ترین نویسنده معاصر

کار نکردن داده بود، چهره دیگری از همان اتفاق او را اسیر می کند.

نویسنده با قلمش هر چیزی را که بتواند خط خطی می کند. گاه به زندگی سرمایه داری آمریکایی می زند و سخت هم می زند. گاه فرهنگ ها و خرده فرهنگ های همان جامعه را به چالش می کشد و گاهی هم تصمیم های بی اراده و بی منطق شخصیت های داستان خودش را تمسخر می کند. اما همه را در بستری از توالی اتفاق ها و حوادث قرار می دهد. در واقع قالب و محتوا هر دو ابتدایی داستان تعریف کردن و سپس در پی موشکافی بحث دیرینه جبر و اختیار هستند. اما اینها مانع نیست که مثلاً نویسنده با نشان دادن ناکامی های شغلی شخصیت های داستان یا پیش کشیدن بی رحمی دو میلیاردی که ناگهان به داستان وارد می شوند، سرمایه داری حاکم را نیشگون نگیرد.

«موسیقی شانس» از طرفی رمانی نمادگرا و سمبلیک است که این نمادگرایی شاید به اندازه «کشور آخرین ها» اثر همین نویسنده پررنگ نباشد، اما از آثار دیگر او که بیشتر سر در پی داستان گویی دارند، واضح تر است. یکی از میلیاردرهایی که ناش و دوستش را به علت نپرداختن بدهی بعد از قمار، اجیر کرده اند، مجسمه ساز است. او در ماکتی که از دنیا ساخته، آدمک کوچک خودش را هم قرار داده است. ناش این آدمک را می رباید و روزی از روزهای کاراجباری، آن را به آتش می کشد. جالب این جاست که خود میلیاردرها هم کارمندانی ساده بوده اند که بعد از سال ها شرکت در مسابقه بخت آزمایی، قرعه شانس به نامشان افتاده و به کام رسیده اند. شخصیت اصلی داستان که اسیر این دو میلیارد شده، گویا بیش از اینکه از کاری اجباری و البته پوچی که برای آنها انجام می دهد، شکایت داشته باشد، از شانسی که در خانه این دو انسان معمولی را کوبیده و بی اجازه وارد شده رنج می برد. این برایش معنای همان جبر زندگی را می دهد که او لوجو جان به آن گلاویز شده است.

«موسیقی شانس» شاید عصاره پل استر باشد. معروف ترین کتاب او نیست، اما بیشتر هنرهایی که استر در رمان های دیگر به کار بسته این جا هم هست. سیاهی و تاریکی رمان «کشور آخرین ها»، پوچی و رمزگونی «سه گانه نیویورک» و اتفاق های تاثیرگذار «شب پیش گویی» همه ردی در «موسیقی شانس» به جای گذاشته اند.

ترجمه فارسی خجسته کیهان، مترجم اکثر آثار پل استر از «موسیقی شانس» اخیراً از سوی نشر افق در ۲۹۸ صفحه و با قیمت ۶۰۰۰ تومان منتشر شده است.



گفتن نیست. او کارت ها را استعاره از زندگی گرفته است. همین کارت ها از میز بازی خارج می شوند و زندگی شخصیت داستان را به چالش می کشند. او در پی اتفاق روانه بود و حالا دیگر گریزی از آن نیست. ناش و رفیق جوانش می بازند. نه فقط آخرین دلارها را، که روزهای زندگی را. میلیارد درها، نمادی می شوند از سرنوشت. یا از آن چیزی که شانس و حادثه و اتفاق را پیش پای انسان می گذارد و البته این بار برخلاف آغاز داستان که اتفاق به ناش فرصتی برای آزادی و هیچ

به دست ناش می رسد. او می اندیشد که اگر این اتفاق زودتر می افتاد زندگی اش چگونه بود و اکنون چگونه است. زندگی خانوادگی اش متلاشی شده و او این خوش شانسی را دیر هنگام می داند. شاید از سر همین نارضایتی است که تن به توالی اتفاق می دهد. کارش را رها می کند، اتومبیلی می خرد و سر در پی جاده های بی پایان می گذارد. یک سال تمام فقط می راند. از این سو تا آن سوی قاره را می پیماید و انتظار می کشد تا پولش تمام شود. او یک سال را فقط با اتفاق و تصادف سروکار دارد. مثل زندگی روزمره انسان ها، همه اتفاق ها ناچیز و تکراری اند. چیزی نیست که زندگی اش را تغییر دهد. تنها هنگامی که دلارهایش ته می کشند، آن اتفاق می افتد. یا او می خواهد که تن به اتفاقی بزرگ تر دهد. توالی اتفاق ها هرگز اجازه نمی دهد او بفهمد تا چه حد از خود اختیار دارد.

حالا که روزمرگی و تکرار زندگی شخصیت داستانی ناش را فراگرفته، وقتش رسیده تا نویسنده به او یاری دهد؛ یک اتفاق دیگر.

ناش مردی را در جاده سوار می کند که قمارباز است. یعنی زندگی اش را فقط با شانس می گذراند. این همان چیزی است که ناش را به ستوه آورده. حالا می خواهد با این اتفاق و حادثه درگیر شود. وارد بخت آزمایی شده و لوجو جان به سرنوشتی که او را به بازی گرفته، بازی کند. ناش آخرین دلارهایش را به قمارباز جوان می دهد که هیچ، با او شریک می شود تا با دو میلیارد قمار کنند.

قمار کارت ها، برای استر فقط بهانه ای برای داستان

## یک سوال از مترجم:

خجسته کیهان علاوه بر «موسیقی شانس»، شش کتاب دیگر از پل استر را به فارسی ترجمه کرده است. هر چند استقبال خوانندگان ایرانی موجب شده تا مترجمان دیگری هم به ترجمه آثار این نویسنده بپردازند، اما کیهان از میان آنها تنها مترجمی است که مستمراً به ترجمه آثار استر مشغول بوده و شاید به همین دلیل بیش از سایرین این نویسنده و اثر او را می شناسد. از او درباره رمان «موسیقی شانس» پرسیدم. پاسخ این بود: رمان «موسیقی شانس» شباهت هایی به آثار ایزورد دارد؛ شباهت هایی که از نگاه بسیار بدبینانه و سیاه به زندگی ناشی می شود. استر با استفاده از این شیوه زندگی مدرن آمریکایی را به نقدی جدی می کشد. این رمان تنها دو شخصیت اصلی دارد. یکی آتش نشان و دیگری قمارباز. استر کوشیده تا با نشان دادن زندگی این دو و وارد کردن آنها به زندگی دو میلیارد شانس اختلاف طبقاتی در جامعه آمریکا را به تصویر بکشد. او نشان می دهد که ثروت چگونه می تواند به انسان قدرت حکومت بر سرنوشت دیگران را اهدا کند. این رمان همچون سایر آثار این نویسنده چند وجهی و جهان پسند است. اگر او در موضع گیری های شخصی به مسائل روز می پردازد، کاخ سفید را به سخره می گیرد و سیاست های جنگ طلبانه ایالات متحده را زیر سوال می برد، اما در آثارش بسیار فراتر از اینها می نویسد. نمی توان آثار او را همچون برخی دیگر از روشنفکران آمریکایی دارای تاریخ مصرف دانست یا منحصر به یک کشور خاص قلمداد کرد. آنچه استر می نویسد، تصویر تباهی جامعه انسانی و شهر بی در و بیگر نیویورک تنها نمونه ای برای آن است.

«به آنها گفته بود خیال دارد به ماساچوست برگردد، اما خیلی طول نکشید که دید در جهت عکس پیش می رود. در حالی که خوب می دانست کاری که می کند اشتباه است. تصمیمی آنی و پیش بینی نشده بود، اما در مدت کوتاهی که میان دو خروجی می راند، دریافت که هیچ تفاوتی با هم نداشته اند و هر دو خروجی مثل هم بوده اند. چرا باید برمی گشت؟ دورنمای سرگیجه آوری بود؛ تصور آن همه آزادی، بی بردن به این که انتخابش هر چه بود، تفاوت زیادی نمی کرد. می توانست هر جا می خواست برود، هر کاری می خواست انجام دهد و کسی در دنیا به آن اهمیتی نمی داد.»

«موسیقی شانس» شاید پل استری ترین رمان پل استر باشد؛ به هر حال او نویسنده ای است که به باور اکثر منتقدان، بیش از هر نویسنده ای مفهوم اتفاق و شانس را در آثارش به کار بسته است. این مفهوم در «موسیقی شانس» از نام کتاب آغاز می شود و تا عبارت های پایانی ادامه می یابد. اگر استر را نویسنده «شانس» بدانیم، «موسیقی شانس»، شانسی ترین رمان این نویسنده است.

استر در جایی می گوید: «می دانیم رویدادها شانسی اتفاق می افتند و بخشی از آن چیزی هستند که من اسمش را گذاشته ام ساز و کار هستی. ما برای تصمیم گرفتن اراده، آرزو و توانایی انتخاب داریم، اما هر از چندگاهی و البته به اعتقاد من اغلب اوقات، همین ها هستند که برنامه هایمان را می ریزند به هم، این همانی است که من شانس می نامم. کف دستمان را که بو نکرده ایم، خیلی از مواقع هم شانس برایمان سودمند است و البته گاهی هم منفی عمل می کند و صدمه می زند.»

استر در «موسیقی شانس» در پی کشف همین عقیده اش می رود. او شخصیت های داستان را به بازی می کشد تا ببیند شانس کجا می تواند سودمند باشد و کی منفی عمل می کند و صدمه می زند و البته نقش اتفاق در کنار شانس چیست.

استر در این باره می گوید: «شانس یک رویداد است، در حالی که تصادف دو رویدادی است که یک باره با هم اتفاق می افتند. فکر کنم این همان معنایی است که «تصادف» را دقیقاً در زبان انگلیسی به ذهن متبادر می کند؛ دو چیزی که اصلاً انتظار ندارید در یک جا با هم ببینید، همزمان با هم ظاهر می شوند.»

«ناش» شخصیت محوری داستان «موسیقی شانس» است. یک آتش نشان ساده است. انسانی همانند سایرین. اما استر او را سوار موج اتفاقات می کند و در میان توالی تصادف های اتفاقی زندگی رهایش می کند. اثری ناگهان

## پل استر از زبان خودش

### مجبورم بنویسم



دلیل کاری را که می کنم نمی دانم. اگر می دانستم، شاید نیازی نمی دیدم که چنین کاری کنم. فقط می توانم بگویم، در کمال اطمینان هم می گویم، که این نیاز را از اوایل نوجوانی ام حس کرده ام. منظورم، به طور خاص، «نوشتن» است؛ نوشتن به عنوان ابزاری برای داستان سرائی؛ داستان های تخیلی ای که هرگز در دنیایی که به آن واقعی می گویم،

رخ نمی دهند. این که ساعات پیاپی، روزهای پیاپی، سال از پی سال، تک و تنها با قلمی در دست، در چار دیواری اتاقت بنشینم و سعی کنی دسته ای کلمه را روی کاغذ بیاوری تا چیزی را که جز در ذهنت وجود

یا به قولی، هنر ما را به عنوان انسان مشخص می کند: کاری را صرفاً برای لذت و زیبایی اش انجام دادن. به زحمت و تلاش، و به ساعات بی وقفه تمرین و نظمی که برای بیانیست ماهر شدن لازم است، فکر کنید. چه رنجی باید کشید! چه کار توان فرسای! چه از خودگذشتگی ای باید کرد برای کاری که کاملاً و چنین باشکوه... بی فایده است!

وقتی بحث اوضاع آینده رمان مطرح است، من خوشبینانه به آن می نگرم. جایی که مسئله کتاب مطرح است، عدد و رقم ارزشی ندارد؛ چون تنها یک خواننده وجود دارد و بس، هر بار تنها یک خواننده. قدرت خاص رمان و این که چرا، به عقیده من، رمان به عنوان یک فرم فناپذیر است، از همین ناشی می شود. هر رمانی همکاری برابر میان نویسنده و خواننده است و تنها جایی در دنیاست که در آن، دو نفر غریبه با صمیمیت مطلق با هم روبه رو می شوند. زندگی من با گفتگو با مردمانی گذشته که هرگز ندیده ام و هرگز نخواهم شناخت شان و امیدوارم تاروی که نفس در سینه دارم، ادامه پیدا کند. این تنها شغلی است که همیشه خواهانش بوده ام.

بر اساس گفتگو با گاردین

ندارد، خلق کنی؛ بی تردید راه و روش عجیبی برای گذران زندگی ست. آخر چرا یک نفر باید بخواهد چنین کاری بکند؟ تنها جوابی که به ذهنم رسیده این است: چون مجبوری، چاره ای نداری.

بعضی ها تصور می کنند، شناخت عمیق هنر، ما را انسان های بهتری می کند؛ منصف تر، با اخلاق تر، حساس تر و با فهم و شعور تر. شاید این نکته در بعضی موارد نادر و استثنایی درست باشد، اما از یاد نبریم که هیتر زندگی اش را به عنوان یک هنرمند شروع کرد. دیکتاتورها و حاکمان زورگو رمان می خوانند. قاتل ها پشت میله های زندان رمان می خوانند. و کیست که بگوید لذتی را که دیگران از کتاب خواندن می برند، آنها نمی برند؟

به عبارتی، هنری فایده است؛ دست کم زمانی که با کار یک لوله کش، دکتر، یا مثلاً مهندس راه آهن مقایسه می شود. اما آیا بی فایده گی چیز بدی است؟ آیا بی فایده گی عملی است به این معنا که کتاب ها و نقاشی ها و کوارتت های زهی یک جور وقت تلف کردن اند؟ خیلی ها این جور فکر می کنند. اما به نظر من، ارزش هنر در بی فایده گی هنر است و هنر آفرینی، ما را از دیگر موجودات این سیاره متمایز می کند؛



زهره نیلی

با فریدون فروتن درباره «آفتابی نهان در ذره ای»

# بحر در کوزه

به همین دلیل هر انسانی که این ناله را بشنود با او همدل و همراه می شود. سپس ناله همه عشاق، همه محنت کشیده ها، همه دردمندان، دلسوختگان، درماندگان و تمام کسانی که از یار و دیار و اصل و تبار خود دور افتاده اند، از مثنوی به گوش می رسد. گردآورنده این مجموعه بر آن است که با وجود گذشت هشت قرن از عمر مولانا و انتشار آثار بسیار درباره او، هنوز هم جوانان این دیار، آن گونه که باید و شاید مولوی را نمی شناسند. فروتن، دلیل این مهجوری را در مرتبه نخست، سستی و کاهلی خود جوانان و در مرحله بعد، فقر آموزش و غفلت دستگاه های فرهنگی می داند. او همچنین بر این باور است، آثاری که تاکنون از مولانا و مثنوی منتشر شده یا آن قدر وسیع و عمیق تحریر شده اند که فقط برای گروه خاصی از فرزندانگان و ادب دوستان قابل استفاده اند یا آن قدر سست و ضعیف نگارش شده اند که رغبتی به مطالعه در خوانندگان پدید نمی آورند. فروتن کوشیده تا روش میانه را برگزیند و قصه ها را به گونه ای شرح و بسط دهد که برای عموم مردم قابل مطالعه باشد و در عین حال از اعتبار علمی هم بهره برد.

«آفتابی نهان در ذره ای»، مجموعه قصه های دفتر اول مثنوی را در بر می گیرد و دفترهای دیگر، هر یک مجلدی جداگانه را به خود اختصاص می دهند. فروتن، آن گونه در این باره می گوید که برای نوشتن شرح قصه ها، نخست قصه های بلند را به اجزای کوتاه تقسیم کرده. آنگاه هر جزء را با نگاه کلی به قصه و درک آنچه مولانا گفته، شرح داده است تا خواننده، معنا و مفهوم ابیات مثنوی را به سادگی دریابد.

«آفتابی نهان در ذره ای»، عنوان کتابی از فریدون فروتن است که به شرح و تفسیر قصه ها، حکایات و تمثیلات دفتر اول مثنوی پرداخته شده و این دفتر از مثنوی را برای مخاطبان کودک و نوجوان شرح داده است. وی در این باره می گوید: «مثنوی، مملو از حکایات تاریخی، قصه ها، آیات، روایات و حقایق معارف اسلامی است. بحر عمیق افکار و اندیشه های مولانا است. سروده های مولانا در مثنوی به اندازه سروده های او در دیوان شمس، آتشین نیست. اما این کتاب، خالی از جذبه های روحانی و مستی های عاشقانه هم نیست به همین دلیل اگر دیوان شمس را عشق محض بدانیم، مثنوی را باید عشق و عقل دانست. اگر چه خود مولانا به خوبی، مثنوی را تعریف کرده است؛ آنجا که در دیباچه دفتر اول، مثنوی را دانش بزرگ خداوندی، درمان همه دردها و زاینده همه رنگ های داند.»

به باور فروتن، هسته اصلی و آئینه تمام نمای مثنوی در هجده بیت «نی نامه» آمده است و قصه ها، داستان ها، تمثیل ها، حکایات ها، روایت ها، اندرزها و حکمت هایی که در مثنوی آمده، همگی تفسیر گونه ای بر همین ابیات «نی نامه» است.

فروتن می افزاید: «نی نامه، قصه هجران و جدایی انسان از اصل خویش است.» به باور او نی، رمزی از انسان کامل است و شکایت نی، شکایت انسان از سرنوشته خویش است؛ انسانی که با ناله و غم می گوید: «من از وقتی از نیستان که عالم وحدت است، جدا شدم و پا به زمین خاکی که عالم کثرت است گذاشتم، هر روز گرفتاری تازه ای پیدا کردم.»

فروتن همچنین بر این باور است که ناله ای که از نی نامه به گوش می رسد، ناله و شکایت یک نفر نیست



گردآورنده در همه قصه ها، نخست شرح ابیات مثنوی و سپس خود ابیات را آورده است. معانی لغات و ترکیبات نیز در پایان هر قصه آمده.

آن گونه که فروتن می گوید: «شرح قصه ها و معانی لغات و ترکیبات، اصلی ترین کار او بوده و کوشیده این دو بخش را با زبانی ساده بیان کند تا هیچ ابهام و ابهامی در ذهن خواننده باقی نماند.»

فروتن بر این باور است آنچه مولانا در مثنوی آورده، در واقع بیان دردها و رنج های درونی انسان است که مولانا آنها را در قالب قصه ها و تمثیل های گوناگون بیان کرده و آن گاه به تحلیل و چاره جویی این دردها پرداخته است، مثل قصه عاشق شدن پادشاه بر کنیزک، حکایت بقال و طوطی و قصه آن پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت.

او همچنین بر این باور است که قصه ها در مثنوی با هم پیوند دارند و یکدیگر را تداعی می کنند. موضوعات قصه های جدید از دل قصه های قبلی بیرون می آیند و هر قصه، زمینه ساز قصه جدیدی است.

فروتن، روش مولانا را در اثبات گفته های خویش، برخلاف بسیاری از هم عصران خود می داند و می گوید: «مولانا برای ثابت کردن سخنان خود، راه برهان و استدلال را طی نکرده بلکه به قصه متصل شده و از این راه، مخاطب خود را جذب کرده است.» وی می افزاید: «بنابر این هرگز نباید قصه را وسیله ای

برای سرگرمی و وقت گذرانی دانست بلکه باید از ظاهر قصه به باطن آن نقب زده درون آن را شکافت، راز و رمزش را دریافت و از اسرار آن باخبر شد. زیرا هر قصه در درون خود، رازی نهفته دارد که خالق قصه، آن راز را در درونش، مخفی گذاشته تا خواننده با آگاهی و بصیرت از راز درون قصه پرده بردارد.» گردآورنده کتاب، قصه و تمثیل را بهترین آموزگار انسان ها می داند و می گوید: «وقتی دلالتی با قصه و تمثیل قرین شد، بهتر به ذهن خواننده می نشیند، گویی که آن دلالت از عالم ذهن به عالم حس رسیده است.»

مولانا قصه گویی ماهر و تواناست. خوب می داند چه می گوید و چه می خواهد و چه راهی را می خواهد بپیماید. او در این کار استاد است و تجربه کافی دارد. نخست قصه را نقل می کند و آن گاه با ضرباهنگی قوی به تفسیر و تبیین قصه می پردازد. در حقیقت مولانا برای آن که حضور خود را در سراسر قصه نشان دهد، به تفسیر آن می پردازد و در اطراف آن، توضیحات کافی می دهد.

فروتن در پاسخ به این پرسش که در توضیح قصه هایی که به توالی یکدیگر نیامده اند، چه کرده می گوید: «این قصه ها، به همان صورت شرح و توضیح داده شده اند چرا که این از هم گسیختگی های ظاهری، بیشتر به دلیل تعدد و تکثر معانی و مفاهیم و ذهن دریاگونه مولوی است و خواننده مثنوی این قبیل گسست ها را بی آن که مزاحمتی در تسلسل اندیشه او ایجاد کند، به روشنی در مثنوی می بیند و به راحتی از آنها عبور می کند. خود مولانا نیز به این گسست ها توجه دارد، اما به آنها چندان اعتنایی نمی کند.»

گردآورنده به توضیح همه ابیات نپرداخته و معتقد است که خواننده جوان اگر برخی ابیات را در این کتاب نیابد، نباید از مطالعه دست بشوید و کوشش کند تا با حوصله و تعمق بیشتری به خواندن بپردازد و از مطالعه مثنوی، حظ لازم را ببرد.

فریدون فروتن در کتاب «اژدهای خفته» نیز به مثنوی پرداخته است درحالی که این بار حکایتی از مثنوی را در قالب داستان بازگفته است.

نویسنده اگر چه قالب داستان را برای بازگو کردن این حکایت برگزیده اما برخی عبارات و کلمات را هم نقل کرده تا خواننده با زبان مثنوی آشنا شود؛ عباراتی چون «جگر خورده ام» به معنی رنج بسیار تحمل کرده ام. این دو کتاب را سارا عضدی، تصویرگری و انتشارات کارا پیام منتشر کرده است.

## مولانا، رام تقدیر الهی



**دکتر قدمعلی سرامی:** تنها نشسته ام. دیوان کبیر رویاروی من است. هر صفحه ای تماشاخانه ای جادویی است. هر غزل و هر ترانه ای غرقه ای دیگر است و هر غرقه، نمایش افسونی دیگرگون تا اندک اندک در می یابم که این تماشا را تا بی نهایت گسترده اند.

با جلال الدین از پس میله های ابیات دیدار می کنم اما این که برابر من ایستاده است با ایستادن سخت بیگانه می نماید. پایکوبی و دست افشانی او چشم آشوب، فریاد و هیاهوی وی گوش نواز. رقصی رنگین و آهنگین را با وی می آغازم. انگار در میانه میدانیم و با یکایک ذرات کیهان، شور و شیرینی گنگ و زباندار را برانگیخته ایم. انگار با هم یگانه و از هم بیگانه ایم. انگار انبساطی دم افزونیم.

شگفتا که انسان تشنه لب این روزگار، بی خبر از سرشاری کوزه آگینه گونی که به دوش می کشد در جست و جوی قطره ای شبنم بر گرد جهان گردان است! بی گمانم که اگر آنچه را مولانا در میان انداخته است، اندر یابد رستگاری جاوید را از آن خویش کرده است. چرا سوختن مولانایی را که واپسین دارو و درمان زخم های درون و بیرون اوست و به تسکین موقت آلام دیرین خویش بسنده کرده است؟ از چیست تا مستی و راستی را پذیرفتار نیست؟ چون است که به هشیاری دروغین خویش می بالد و هنوز پس از هزاران سال درنیافته است که حنای نگار عقل را در قیاس با خون جنون، رنگی نیست؟ ای کاش می دانست که زندگی توفانی، جز با دل به دریا زدن، سازگار نمی افتد.

راستی چرا چون کودکان بازیگوش، انبوه حجاب هایی که برانگیخته ایم ما را حیران کرده است؟ تماشای کف ها، گوش های ما را از لذت شگفتن خروش جوشا جوش دیگی که در آن پخته می شویم، بی بهره کرده است. جز به پیدا نمی اندیشیم. پنداری، پنهانی در کار نیست. با بازی با کفه های

صدف، ما را سرگرم کرده و مروراید را از میانه ربوده اند و شادی شما کرد بر سطح اقیانوس هستی، ما را از فروشدن در ژرفاها باز داشته است. «تا ظن نبری که این زمین بی هوش است/بیدارد و چشم بسته چون خرگوش است/چون دیگ، هزار کف به سر می آورد/تا خلق ندانند که او در جوش است» و اما رسمی ناخوش از سوی پاره ای پژوهندگان در ایران در کار آمده است که سخنان شاعران و گویندگان پیشین را موافق پندار امروزیان، تعبیر می کنند و نتیجه می گیرند که پیشینیان، نظریه های علمی و فلسفی دوران معاصر را در میان انداخته اند... من این آیین را پسندیده نمی بینم و می گویم که خود از گردندگان به آن نباشم اما جلال الدین به سائقه بیرون. جستن از جنبر ابعاد سه گانه و زیستن دور و دراز در فضا. زمان، بسیاری از نتایج حاصل از این تجربه عملی خود را در خلال اشعار خویش بیان داشته است.

اتحاد سکون و حرکت برای ذهن مولانا و یگانگی همه اضداد در اندیشه او، چنان راسخ و استوار است که خواننده دیوان شمس، به ویژه اگر سری خوگر به تامل داشته باشد، لحظه به لحظه خود را در حال دور شدن از واقعیت نیوتنی و نزدیک شدن به حقیقت جهان نسبی می بیند. ضمیر مولانا هر عینیتی را ذهنی و هر ذهنیتی را عینی دریافت می کند... دو چشم مولانا، مثبت و منفی پدیدارها را می بیند و این همان چیزی است که انسان معاصر باید دریابد. او از اسارت شماره بیرون است و عاشق به فراموشی سپردن کمیات عددی است؛ قمار باز همه فن حریر شب زنده داری است که تا همه را بنبازد، از بازی بر نمی خیزد و این همان قمار بلند آوازه مولانایی است؛ قمار هست و نیست و پس از درباختن از همه غزل، سلام قماری دیگر را سرودن:

«هله آن قمار بازی که بباخت هر چه بودش/بنماند هیچش الا هوس قمار دیگر»

مولانا با جهان و جهان آفرین، همواره در ارتباطی تنگاتنگ است و این پیوند مستدام، گاه چندان ژرفا می گیرد که قطره ای به دریا می پیوندد و

ذره او به خورشید می رسد. او از مخاطب خود می خواهد تا به جهان و آفریننده آن پیوندد.

جلال الدین را نیاز الهی به گفتار می آورد. یکایک غزل های او در عین حال که روندهای معنایی گوناگونی را می پیمایند، همه مناجات وی با جهان آفرین اند. مولانا، شاعری است که نمی تواند شعر نگوید که وی را جبری اندرونی به فریاد آورده است.

یکی از بزرگ ترین آموزه های مولانا به جهانیان این است که او رام تقدیر الهی است و چنان سازی، فرمان پذیر نوازنده بی چون و چرای خویش است. او گذشته از خود، همه کائنات را، رام این مطرب ازلی می پندارد:

«دلچ چون آینه، خاموش گویاست/به دست بوالعجب آئینه داری کز او در آینه، ساعت به ساعت/همی تابد عجب نقش و نگاری»

از دیگر دستاوردهای مهم جلال الدین برای انسان امروز، تناقض پرستی اوست. مولانا در راست و چپ نمی گنجد که انحنایی مایل به هر دو دست و کسی که نتواند با در دست گرفتن دیوان کبیر و خواندن یکی دو غزل از عالم بیداری ظاهری، بیرون آید، بی گمان نه گوش شنوایی برای شگفتن خواب های جلال الدین با اوست و نه قادر به تعبیر این خواب هاست. برای دریافت سرایه های وی، باید با او همدل و همدستان شد که اگر چنین نباشد، هر گونه غور و تامل در این خوابنامه شگفت، بیهوده خواهد بود.

جلال الدین، خود را وقف شنیدن کرده است و چه خوب که انسان امروز، شنیدن را تمرین کند. مولانا، تنها در لحظه هایی که گوش هایش به خواب می روند و امکان شنیدن هیاهوی سماع بی وقفه جهان از آنها سلب می شود، لب به سخن می گشاید تا از راه اندرونی، آواز عالم را دیگر بار به گوش های خویش برساند و آنها را از خواب بپراند.

شعر جلال الدین شعر شطرنج نیست؛ «تامل و تفکر را بر نمی تابد. شعر نرد که با توکل ریخته می آید.» سخن تدبیر نیست. سخن تقدیر است؛ «نیست شطرنج تا تو فکر کنی/با توکل بریز مهره نرد»



# تغییر مداوم به سمت تعالی

کتاب‌های درسی در ایران زیاد است اما گاهی برای ایجاد مباحثی خاص، سال‌ها دنبال گروه تالیفاتی هستیم؛ گروهی که به تمام جنبه‌های موضوعی، تعلیم و تربیت، روانشناسی رشد و یادگیری آگاه باشد.»

به عقیده او، تالیف کتاب‌های درسی مانند معماری یک ساختمان یا ساختن یک فیلم است. البته از یک جنبه، نگاه‌اش یک کتاب بسیار سخت‌تر از معماری و فیلمسازی است زیرا برای کتابی که تمام مولفه‌های آموزشی لازم را داشته‌اند و از توفیق خوبی هم برخوردار باشد، تعاریف مختلفی وجود دارد.

## خداحافظی تاریخ با حافظه محوری

یکی از دروس مهم آموزش و پرورش، درس تاریخ است. عباس پرتویی مقدم کارشناس تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی درباره این درس می‌گوید: «تاریخ نباید تنها به عنوان یک درس تخصصی رشته علوم انسانی مطرح باشد، بلکه معارف دینی و زبان فارسی نیز باید به عنوان دروس تخصصی برای تمام دوره‌ها و رشته‌ها لحاظ شود، زیرا این دروس در کنار هم قادر به هویت‌یابی اند. همچنین امسال درس تاریخ‌شناسی در نقد تاریخ گنجانده می‌شود تا در اصلاح و بازنگری کتاب‌های درسی و تدوین برنامه درسی از آنها مدد گرفته شود.»

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی نیز می‌گوید: «کتاب تاریخ به تنهایی برای آموزش تاریخ کفایت نمی‌کند بلکه وجود نرم‌افزارها و استفاده از رسانه‌های دیداری نیز بسیار موثرند اما متأسفانه این تجهیزات در مدارس ضعیف‌اند. البته در برخی از مدارس خود مدیران و برنامه‌ریزان این تجهیزات را فراهم می‌کنند. همچنین باید در این راستا بازدید از موزه‌ها و آثار تاریخی نیز مورد توجه قرار گیرند.»

به گفته ذوعلم، کتاب تاریخ دوره متوسطه به تازگی تغییر کرده و رغبت برانگیزتر شده است. در این کتاب هاسعی شده جنبه حافظه‌گرایی ضعیف‌تر و بصیرت اجتماعی در دانش‌آموزان تقویت شود و همچنین برای افزایش تعداد بازدیدهای تاریخی، با سازمان میراث فرهنگی همکاری شود.

یکی دیگر از موضوعات با اهمیتی که می‌توان درباره کتاب‌های درسی به آن اشاره کرد، طرح تفکیک جنسیتی کتاب‌هاست که وزیر آموزش و پرورش و کارشناسان این حوزه بارها به آن اشاره کرده‌اند. البته اکنون این موضوع درباره کتاب‌های حرفه و فن و آمادگی دفاعی دختران اجرامی شود. محمود قاضی‌زاده خسروشاهی معلم بازنشسته ادبیات، تاریخ و جغرافیا در این باره می‌گوید: «این امر به طور کلی و برای همه دروس امکان‌پذیر نیست ولی در درسی مانند تعلیمات دینی می‌توان چنین طرحی را اجرا کرد. همچنین می‌توان مهارت‌های زندگی را نیز برای دختران به کتاب‌ها افزود.»

ذوعلم، مدیرکل دفتر تالیف کتاب‌های درسی نیز در این باره می‌گوید: «توجه به نیازهای جنسیتی دانش‌آموزان بسیار مهم است و این امر باید در لایه‌های درسی گنجانده شود. بخشی از این نیازها پایه‌ای و برخی مهارتی‌اند. در حال حاضر بر اساس سیاست‌های موجود، کتاب‌ها به صورت کلی تعویض نمی‌شوند بلکه در برخی زمینه‌ها مانند آمادگی دفاعی دختران و پسران در دوره راهنمایی و حرفه و فن تغییراتی ایجاد خواهد شد.»



محتوایی قابل قیاس نیستند اما از لحاظ سازماندهی و شیوه پرداختن و ارزشیابی در سطح کشورهای دیگر، ما بسیار متفاوت عمل می‌کنیم.»

وی در این باره می‌افزاید: «در برخی از دروس مانند ریاضی ما هنوز احتیاج به طی کردن یک دوره پانزده ساله داریم که البته این امر انجام شده و سال گذشته کتاب ریاضی (۱) دوره متوسطه تغییر کرده است. این کتاب برای سال ۸۸ با ویرایش جدید ارائه می‌شود. به دنبال تغییر این کتاب، ریاضی دوم نیز از مهر ماه سال ۸۸ جدیدالتالیف خواهد بود و سال آینده نیز کتاب ریاضی سوم دبیرستان تغییر می‌کند.»

مدیرکل دفتر تالیف کتاب‌های درسی درباره تغییراتی که به تازگی در عرصه کتاب‌های درسی صورت گرفته یا قرار است ایجاد شود، این‌گونه توضیح می‌دهد: «در دوره ابتدایی و راهنمایی برای کتاب‌های علوم گام‌های مثبتی برداشته شده و به مبانی نگرشی علم و دریافت شهودی و مهارتی دانش‌آموزان توجه ویژه‌ای شده است. در علوم انسانی نیز کتاب جامعه‌شناسی دوره متوسطه با رویکرد جدید آماده شده و اکنون گروه تالیف مشغول فعالیت است تا برای مهر ماه ۸۸ این کتاب را به دانش‌آموزان رشته علوم انسانی دوره متوسطه ارائه کند. همچنین، کتاب روانشناسی نیز دستخوش اصلاحات خوبی شده و کتاب زبان انگلیسی نیز بر اساس انتقادات زیادی که بر آن وارد بود، در پایه اول راهنمایی جدیدالتالیف خواهد بود و مهر ۸۸ به صورت آزمایشی ارائه می‌شود و از سال‌های بعد، کتاب‌ها به صورت پلکانی در مقاطع بالاتر تعویض خواهند شد.»

درباره مشکلاتی که در کتاب‌های رشته علوم انسانی وجود دارد، افراد مختلفی هم عقیده‌اند، از جمله احمدرضا نجفی دبیر مقطع تحصیلی دبیرستان. او در این باره می‌گوید: «کتاب‌های علوم انسانی بسیار خشک و غیرقابل انعطافند و تنها به بیان مجموعه‌ای از شفاهیات و حفظیات می‌پردازند، در حالی که باید به سمت گروه محوری، تحقیق و پژوهش پیش روند.»

یکی دیگر از نکات مهم کتاب‌های درسی رعایت ظرافت‌های خاصی است که تنها از عهده متخصصان تالیف کتاب درسی برمی‌آید.

ذوعلم در این باره اعتقاد دارد: «تعداد مولفان

با واقعیت‌های موجود در جامعه تناسب ندارد. وی در این باره می‌گوید: «بحث درباره کیفیت کتاب‌های درسی، یکی از مسائل محوری نظام آموزش و پرورش است. در هر جامعه محتوای کتاب‌های درسی نشانگر سطح علمی، عقیدتی و ورزشی دانش‌آموزان آن است که در ساختار وزارت آموزش و پرورش و در سیاست‌های کلان برنامه‌ریزی می‌شود.»

**کتاب‌های درسی: تغییر مداوم به سمت تعالی**  
یکی از مواردی که به کرات دیده می‌شود، تغییر محتوا و شیوه ارائه مطالب کتاب‌های درسی است. در این میان سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا اصولاً این تغییرات انجام می‌شوند و سمت و سوی این تغییرات چگونه است؟

حجت‌الاسلام علی ذوعلم، معاون پرورشی و تربیت بدنی سازمان آموزش و پرورش شهر تهران در این باره می‌گوید: «اوضاع فعلی کتاب‌های درسی مطلوب نیست، اما نسبت به گذشته پیشرفت قابل توجهی داشته است. کتاب‌ها باید هر سه سال یک‌بار در حوزه‌های علمی مختلف براساس تحقیق و پژوهش‌ها تغییر کنند. برخی از منابع و محتوای کتاب‌های درسی ما به حدی غنی و پر حجم است که باعث می‌شود دانش‌آموزان ایرانی در سطح علمی جهان حرف اول را بزنند و بتوانند در جهان مقام اول را کسب کنند.»

وی معتقد است: «طبق مقایسه‌ای که می‌توان میان وضعیت کتاب‌های درسی در ایران و دیگر کشورها انجام داد، به این نتیجه می‌رسیم که برخی از کتاب‌ها که ناظر بر فرهنگ و مبانی و آیین ملی ایرانند، از نظر

## اوضاع فعلی کتاب‌های

**درسی مطلوب نیست، اما**

**نسبت به گذشته پیشرفت**

**قابل توجهی داشته است.**

**کتاب‌ها باید هر سه سال**

**یک بار در حوزه‌های علمی**

**مختلف براساس تحقیق و**

**پژوهش تغییر کنند**

اساس و اهمیت آموزش و پرورش برای همه اعضای جامعه به ویژه فرهیختگان و روشنفکران آشکار است، چرا که زیربنای همه حرکت‌های تعالی‌جویانه در اجتماع، برپایه پیشرفت آموزش و پرورش کشور صورت می‌گیرد.

به یقین، نقش معلمان و دبیران در آموزش و پرورش دانش‌آموزان؛ همانان که آینده‌سازان این مرز و بوم‌اند، بسیار حیاتی است، اما در کنار این عامل انسانی مهم، نباید از جایگاه ویژه کتاب‌های درسی نیز غافل شد، زیرا آنچه معلم در روند آموزشی به شاگرد خود یاد می‌دهد، بر مبنای مطالب کتاب درسی است، بنابراین هر چه مطالب کتاب‌های درسی غنی‌تر، به روزتر و کارآمدتر باشند، می‌توان بیشتر به آینده‌ای که قرار است توسط نسل دانش‌آموز ساخته شود، امیدوار بود.

## اثرگذاری به جای فریه سازی

یکی از نهادهایی که وظیفه اصلی برنامه‌ریزی برای کتاب‌های درسی را برعهده دارد، دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی است.

حجت‌الاسلام علی ذوعلم، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی، ضمن ابراز خرسندی از وضعیت کنونی کتاب‌های درسی ایران در مقایسه با کتاب‌های درسی در منطقه می‌گوید: «البته در سطح جهانی، ایران از نظر کتاب درسی در نقطه بالایی قرار ندارد و به همین علت کارشناسان ایرانی سعی دارند در تمامی همایش‌ها و نمایشگاه‌های مختلفی که به این منظور تشکیل می‌شود، شرکت کنند. به نظر من، کتاب‌های درسی از جهات مختلف قابل غنی‌سازی‌اند و بهبود کیفیت را می‌طلبند.»

مشاور وزیر آموزش و پرورش درباره این که اکنون کتاب‌های درسی تا چه اندازه نیازهای دانش‌آموزان و جامعه ایران را تأمین می‌کنند؟ می‌گوید: «یکی از جنبه‌های مهمی که باید در تالیف کتاب‌های درسی مورد توجه قرار گیرد، نیازهای واقعی فراگیران است. برخی کارشناسان در این باره انتقاداتی به کتاب‌های درسی دارند که البته این انتقادات وارد است. به هر حال، اکنون تا حدودی به این امر توجه شده و نیازهای فردی و اجتماعی افراد، متناسب با سن و رشد آنان مورد توجه قرار گرفته اما بخش دیگری از کتاب‌ها کم‌کم مشکل دارند.»

وی تأکید می‌کند: «متأسفانه به دلیل محدودیت زمانی که برای انتقال مطالب وجود دارد، تمام مباحث درسی منتقل نمی‌شوند اما با توجه به سیاست جدید آموزش و پرورش در غنی‌سازی کتاب‌ها، به جای فریه‌سازی از حجم کتاب‌ها کاسته شده ولی اثرگذاری آنها بیشتر شده است. کتاب‌ها باید به گونه‌ای تالیف شوند که برای فراگیران انگیزه و رغبت‌یادگیری ایجاد کنند.»

مرتضی نظری کارشناس توسعه انسانی و نویسنده کتاب‌های آموزش و پرورش نیز در این باره می‌گوید: «مستون کتاب‌های درسی، دانش‌آموزان را به زندگی ترغیب و انگیزه‌کنندگی را در آنها بیدار نمی‌کند. متأسفانه روند غالب و فضای حاکم بر متون درسی، ذهنیت درستی نسبت به دنیا، زندگی واقعی و محیط پیرامون آن به دانش‌آموزان القا نمی‌کند.»

دکتر سوسن کشاورز معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور نیز اعتقاد دارد که کتاب‌های درسی در ایران،



## رهانیدن

### نمایانگر سیری سعودی



«رهانیدن» آخرین اثر سیروس ابراهیم زاده است که چندی پیش از سوی نشر قطره به بازار کتاب عرضه شد. این مجموعه شامل سه نمایشنامه است که هر یک در فضایی کاملاً مستقل و

متفاوت روی می دهد. با این وجود می توان خطوطی مشابه را در هر سه نمایشنامه یافت که می تواند دلیلی برای جمع آوردن این سه اثر در یک مجموعه نیز باشد. هر سه نمایشنامه «اقتباس از ادبیات خارجی»، «رهانیدن» و «محمود آباد» رویکردی اجتماعی دارند. نمایشنامه اول ناظر به فقر، فساد و تباهی در جامعه ای غیر ایرانی و نمایشنامه دوم ناظر بر فعالیت های سیاسی و مبارزاتی گروه های سیاسی پیش از انقلاب است. نمایشنامه سوم نیز در قالب پرداختن به روابط خانوادگی و دوستی، مسائل اجتماعی را پیش می کشد. در واقع، هر سه نمایشنامه از طرق مختلف به معضلات اجتماعی پرداخته اند. فضایی که نمایشنامه نویس برای نمایشنامه نخست در نظر گرفته یکی از شهرهای کوچک روسیه قرن نوزدهم میلادی است. کوتاهی نمایشنامه، طنز نبشار آن و حرکت دراماتیکی که در نمایشنامه وجود دارد نیز دقیقاً از سنخ آثار نمایشنامه نویسانی چون گوگول، زوشنکو و چخوف است. این نمایشنامه نویسان همگی در قالب طنز به رئالیسم اجتماعی گرایش داشتند؛ گرایشی که دقیقاً در «اقتباس از ادبیات خارجی» دیده می شود. اما یک نکته منفی در این نمایشنامه تغییر سریع و بی منطق شخصیت هاست؛ تغییری که دست کم از دید درام ارسطویی نه ضروری است و نه محتمل و شاید بتوان این امر را نکته ای منفی برای اثر به حساب آورد. بی منطقی موجود در نخستین نمایشنامه مجموعه «رهانیدن» اگرچه در گام اول خام دستاورد به نظر می رسد، اما از دیگر سو، می توان آن را دال بر فضای بی منطق و موقعیتی دانست که نمایشنامه در آن می گذرد؛ علاوه بر این، فضای طنز کم رنگ نمایشنامه نیز می تواند توجه خوبی برای عدم پابندی به اصولی باشد که ارسطو آنها را ناظر بر تراژدی وضع کرده است.

یکی از ویژگی های نمایشنامه دوم، غلتیدن نمایشنامه از فضایی واقع گرایانه به فضایی فانتزی است. نمایشنامه نویسنده در این متن انسان هایی را با روابط واقعی و در شرایط واقعی تصویر می کند. برش دیالوگ ها و زبان تا حدی به عینیت نزدیک است چنانچه گاهی به سمت ناتورالیسم پیش می رود. اما در انتهای نمایشنامه این فضا شکسته می شود و دو شخصیت نمایشنامه در دو فضای ذهنی مستقل صحبت می کنند. در واقع، در این بخش، دیگر دیالوگ به معنای کلاسیک آن وجود ندارد و آدم ها به وضوح به صورت مستقل سخن می گویند. اما در نمایشنامه سوم، بسیاری اصول کلاسیک نمایشنامه های رئال رعایت شده اند. در این نمایشنامه مفصل، با شخصیت های متعددی رویه روی می شویم که همه آنها با صبر و حوصله و در موقعیت های متفاوت شخصیت پردازی می شوند و ویژگی های روانی خود را در ساخت و بافت روایت برملا می کنند. خط روایی داستان نیز هیچ شکست یا چرخش شدید و غیر منطقی ندارد و در واقع طرح روایت کاملاً سالم و بی نقص است. به این ترتیب می توان ادعا کرد که سیر کار نمایشنامه نویسی ابراهیم زاده سیری روبه رشد بوده و ترسیم کننده نموداری سعودی است.

## گفت و گو

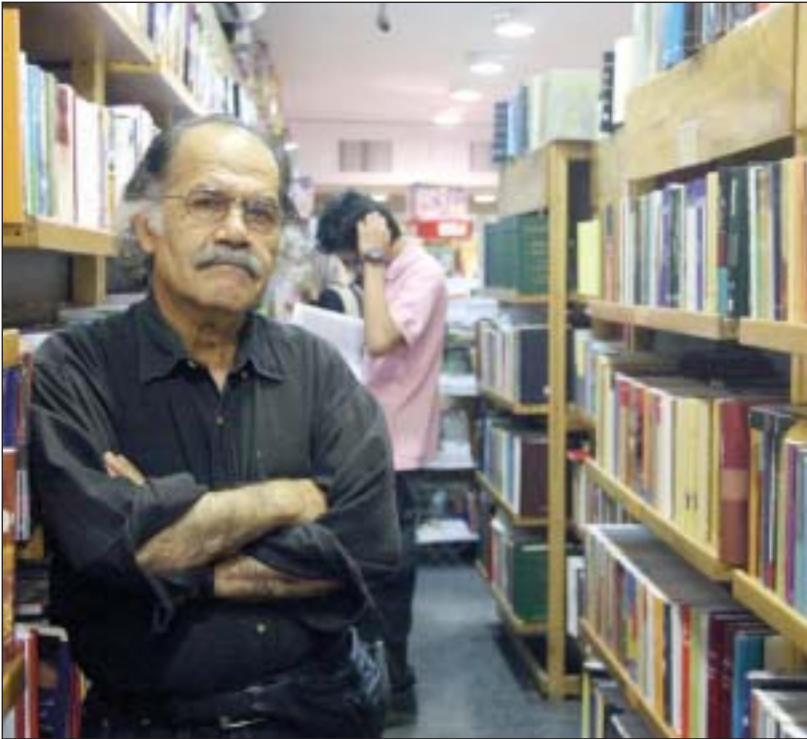
احسان استیری



نام و چهره سیروس ابراهیم زاده، نه تنها برای تکاپوگران حرفه ای تئاتر و سینما، که برای عموم مردم هم آشناست و علتش نیز حضور پر سابقه ابراهیم زاده در تلویزیون است. او کار با رادیو و تلویزیون را از سال ۱۳۴۶ آغاز کرد. نخستین بازیگری او در سینما نیز، در اولین اثر حاتمینی یعنی «حسن کچل» بود. سیروس ابراهیم زاده، علاوه بر حضور در عرصه هنرهای نمایشی، در زمینه های داستان نویسی و نمایشنامه نویسی هم فعال است. در گفت و گوی حاضر با سیروس ابراهیم زاده، به آخرین اثر مکتوب او، مجموعه نمایشنامه «رهانیدن» خواهیم پرداخت. از دیگر تالیفات ابراهیم زاده می توان به «تبارت فرنگی»، «شبی خون»، «رستوران» و «از سوراخ کلید» اشاره کرد. «جشن نیکوکاری» و «وکیل تسخیری» نیز از آثار ترجمه شده توسط سیروس ابراهیم زاده اند. وی که در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده، در مدرسه هنرهای دراماتیک و موسیقی بیرمنگام و آکادمی هنرهای نمایشی و موسیقی لندن تئاتر خوانده است.

در گفت و گو با سیروس ابراهیم زاده مطرح شد

# فردیت نویسنده، سرچشمه آثار ماندگار



چرا سه نمایشنامه «اقتباس از ادبیات خارجی»، «رهانیدن» و «محمودآباد» را در یک مجموعه گردآوردید؟

مجموعه رهانیدن شامل سه دوره از نگاه و زندگی من در تئاتر است. نمایشنامه «اقتباس از ادبیات خارجی» به تصورات و نگاه های اولیه تئاتری من اشاره دارد. حدود ۵۵ سال پیش که کار تئاتر را آغاز کردم، این تصور در بسیاری از تئاتری ها و خود من وجود داشت که فضای نمایش حتماً باید محیطی خارج از ایران باشد. در آن زمان، ما از فعالیت های نمایشنامه نویسانی چون ارسلان پوریا آگاهی نداشتیم و بزرگان تئاتر ما هم همیشه ترجیح می دادند نمایشنامه های خارجی کار کنند و به طور کل، نمایشنامه های خارجی یا فضاهای خارجی در تئاتر ماقبول تر بودند و در عین حال انتخاب یک جغرافیای خارجی در برخی موارد نیز برای فرار از ممیزی صورت می گرفت.

به هر ترتیب، «اقتباس از ادبیات خارجی» مربوط به فضایی است که در آن تصور می شد، نمایش حتماً باید در یک محیط غربی رخ دهد. اما «رهانیدن» مربوط به سال های پایانی رژیم گذشته است که در آن زندگی خصوصی و متن مبارزات چند انقلابی به نمایش گذاشته شده است. این نمایشنامه در دومین فضای ذهنی و دومین مرحله زندگی هنری من، یعنی در دوران مبارزات سیاسی نوشته شد. «محمودآباد» متعلق به سومین دوره زندگی هنری من است. چنانچه از متن این نمایشنامه پیداست، نمایشنامه نویسنده در این مرحله تلاش کرده است یک فرم سروسامان یافته و به بلوغ رسیده شخصی را معرفی کند.

این تصور وجود دارد که نام نمایشنامه باید دروازه ای برای ورود به مضمون متن باشد. اما اقتباس از نمایش خارجی، بیشتر ناظر به وضعیت کلی اثر است.

بله این عنوان ناظر به کلیت اثر است و از این حیث نام تعارف به نظر می آید، ولی نادرست نیست. اگر نامی بر نمایشنامه می گذاشتم، ماهیت نمایشنامه را پنهان کرده بودم، در حالی که من می خواستم صراحتاً به خوانندگان امر و زی بگویم که این نوع نمایشنامه نویسی باب روزگاری بوده است.

**این امکان وجود نداشت که «اقتباس از ادبیات خارجی» را به جای زیر عنوان استفاده می کردید؟**  
چنانچه اشاره کردم، مقصود من این بود که صراحتاً خوانندگان را با نوعی تجددگرایی که در دوران گذشته تئاتر ما رواج داشت، آشنا کنم؛ تجددگرایی ای که برخی معتقدند با ناکامی روبه رو شد و نتوانست سنگ بنای مناسبی برای نمایش ما باشد. از حدود صد سال پیش به این سو، یک صورت بندی «داخل خارج» در بسیاری از زمینه های زندگی ما به وجود آمد. این امر در ادبیات ما نیز وجود داشت؛ اما مشخص نبود که ادبیات خارج یعنی کجا و به محض این که می گفتند ادبیات خارجی، این می توانست شامل روسیه، ایتالیا، آمریکا یا فرانسه باشد. حدود پنجاه سال پیش چنان دنیای خارج از ایران را یکپارچه می انگاشتند که در برخی از نمایشنامه هایی که به ظاهر در یک زمان و مکان رخ می داد، شما با شخصیت هایی با نام هایی از کشورهای مختلف و حوزه های زبانی گوناگون روبه رو می شدید.

یکی از ویژگی های نمایشنامه های نخست و دوم شما تشابه زبانی شخصیت هاست. آیا این به شخصیت پردازی ضربه نمی زند؟

تشابه زبانی میان شخصیت هایی وجود دارد که از یک طبقه اجتماعی آمده اند. شخصیت های نمایش اول، همه از یک طبقه اجتماعی اند و شخصیت های نمایشنامه دوم نیز به یک رده و طبقه خاص از اجتماع تعلق دارند و طبیعی است که حالت زبانی شان مشابه باشد. البته در این شرایط کار نمایشنامه نویسنده سخت تر می شود؛ چراکه او از سویی باید زبان مشابهی را در دهان شخصیت ها بگذارد و از دیگر سو، شخصیت هایی با پیچیدگی های روحی متفاوت خلق کند. در واقع، در این حالت زبان را نمی توان به عنوان ابزاری مطلق برای شخصیت پردازی به کار برد و باید علاوه بر زبان، از ابزارها و تکنیک های دیگری نیز برای خلق شخصیت هایی متفاوت استفاده کرد.

**شما اشاره کردید که این سه نمایشنامه بازگو کنند سه دوره یا سه فضای ذهنی شما در طول زندگی هنری شما هستند. به نظر می رسد تاثیر زندگی شما حتی بر خط روایی نمایشنامه ها نیز تاثیر گذاشته است.**

وقتی نویسنده ای اثری را خلق می کند، از تمام خاطراتش، آرزوهایش، معاشراتش، فعالیت ها و خلاصه از تمام هستی اش برای خلق اثر، خواسته یا ناخواسته، استفاده می کند. نویسنده موفق، وجود خود را تکه تکه می کند و این توانایی را دارد که در جای مناسب از این تکه ها استفاده کند. این به معنای استفاده هنرمند از فردیتش برای خلق اثر هنری است. من معتقدم اگر نویسنده ای فردیت خود را سرچشمه خلق اثر هنری اش قرار ندهد، آثاری بی مصرف یا حتی ویران کننده تولید خواهد کرد.

در تاریخ نمایشنامه نویسی با نویسندگانی مانند یوجین اونیل روبه رو هستیم که از توضیح صحنه های متعدد و مفصل استفاده می کنند و شما هم در «رهانیدن» چنین کرده اید. اما برخی معتقدند که این روش باعث انتقال کتش از دیالوگ به توضیح صحنه می شود. نظر شما در این باره چیست؟

به نظر من کسانی این حرف را می زنند که هیچ تجربه یا دانشی نسبت به فرآیند تبدیل نمایشنامه به نمایش ندارند. شما در کار همه نمایشنامه نویسان بزرگ از شکسپیر گرفته تا مولیر و چخوف توضیح صحنه را می بینید و این هنرمندان با تمام توان و قدرت خود، صحنه ها را توضیح داده اند. البته کارگردان هیچ اجبار و تعهدی نسبت به رعایت این توضیح صحنه ندارد. در واقع، توضیح صحنه های نمایشنامه یک پیشنهاد برای کارگردان است که می تواند باعث تحرک ذهنی کارگردان شود و به این ترتیب، هر چه توضیح صحنه ها مفصل تر و گسترده تر باشد و حتی در آنها افراط شود، برای اجرای کار مفیدتر است؛ هر چند کارگردان می تواند هیچ یک از پیشنهاد های نویسنده را رعایت نکند.

**شما در کار همه نمایشنامه نویسان بزرگ از شکسپیر گرفته تا مولیر و چخوف توضیح صحنه را می بینید و این هنرمندان با تمام توان و قدرت، صحنه ها را توضیح داده اند**

نگاهی به «اصطلاحات خوشنویسی در شعر شاعران بزرگ ایران»

# شعر و خوشنویسی؛ دوستان هزار ساله گرمابه و گلستان

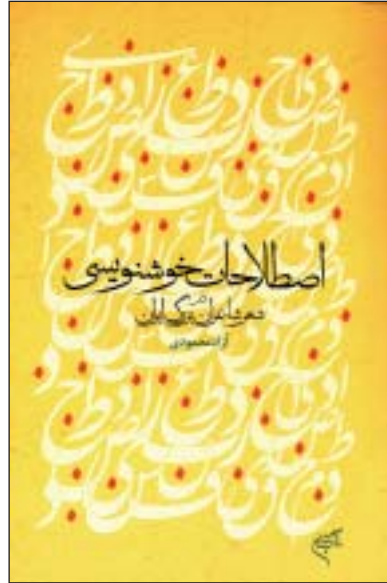
«اصطلاحات خوشنویسی در شعر شاعران بزرگ ایران» اثر آزاد محمودی، از کتاب‌های مرکز تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری است. این کتاب به بررسی چگونگی ورود اصطلاحات خوشنویسی فارسی به شعر تنی چند از شاعران بزرگ زبان فارسی اختصاص دارد.

فردوسی، فرخی، منوچهری، ناصر خسرو، مسعود سعد، سنایی، خاقانی، مولوی، سعدی، خواجه کرمانی، حافظ، جامی، کلیم کاشانی، صائب تبریزی و ملک الشعرای بهار شاعرانی هستند که در شعرشان می‌توان شیوه‌های گوناگونی از استفاده از اصطلاحات هنر خوشنویسی فارسی را برای متبلور ساختن مفاهیمی گاه به غایت انتزاعی و مجرد و در اصطلاح علم بدیع، «عقلی»، تعقیب کرد. از این میان تنها ملک الشعرای بهار از شاعران سده اخیر است و دیگران همه متعلق به سده‌های چهارم تا یازدهم هجری هستند (صائب و کلیم که آخرین شاعران این فهرست محسوب می‌شوند، به ترتیب در سال ۱۰۸۱ و ۱۰۶۱ قمری در گذشته‌اند). نقطه انتهایی این بررسی در میان شاعران کلاسیک زبان فارسی، تاریخ مرگ صائب تبریزی است. در همین سال هاست که در ایران، استفاده از اصطلاحات خوشنویسی در شعر شاعران سبک هندی، به حداکثر پیچیدگی و رمزوارگی می‌رسد و به نوعی، دوران اوج خود را سپری می‌کند.

اما نویسنده درباره این کتاب و شیوه تنظیمش چه می‌گوید؟ او معتقد است که تحول‌های اساسی اندیشه و ذوق هر جامعه، پیش از همه در ادبیات مردم آن اجتماع متبلور می‌شود. از سوی دیگر در ایران خوشنویسی از همان آغاز پیوندی آشکار با فرهنگ و ادب داشته است و در نتیجه، تکنیک‌های خوشنویسان و تکنیک‌های شاعران پا به پای هم و به شکلی موازی بالیده‌اند. آزاد محمودی این گونه استدلال می‌کند که همان‌طور که در آغاز، قالب غالب شعر فارسی، قصیده بود، یعنی قالبی که با فخامت و سنگینی و استواری ساختار و واژگان پرنظنه شاعران اقلیم خراسان مشخص می‌شد، هنر خوشنویسی نیز در آغاز پیدایش خود بیش از همه با شیوه خشک و محکم و زاویه دار قلم کوفی و طومار و محقق جلوه‌گری می‌کرد و عموماً در خدمت شاهان و دبیران آنها بود که آنها هم از آن بیشتر برای نگارش فرمان‌ها استفاده می‌کردند.

همین‌جا کمی تأمل کنیم. مشخص است که از نظر آزاد محمودی، چه شعر و چه خوشنویسی شکل‌گیری اولیه خود را - یا دست کم گسترش و تکامل خود را - مدیون دربار پادشاهان بوده‌اند. این نظر از جهات مختلف و از نظر متخصصان بسیاری تا کنون بارها تأیید شده است. آنچه در نظر آزاد محمودی تازه تر به نظر می‌رسد، این است که او نوعی بررسی تطبیقی را در این حوزه انجام داده است و آن، مقایسه تکنیک‌های آغازین این دو هنر (شعر و خوشنویسی) و کشف تشابهات عمده در جهت‌گیری‌های اصلی تکنیک‌های این دو حوزه هنری در سده‌های آغازین (سده‌های چهارم، پنجم و ششم هجری قمری) و سده‌های بعدی است.

وی سپس می‌نویسد: «به تدریج که تفکر و روحیه خشن و خشک پیشینیان به سوی ملایمت و انعطاف گرایید، شاعران نرمی و روانی غزل را جایگزین صلابت و صعوبت قصیده کردند و خوشنویسان نیز از درشتی، تیزی، یکتاختی و ایستایی در خط به ظرافت، انحنای قوس و پیچ و تاب و ترمیم تمایل یافتند. اگر شاعران سلاست و سادگی در روابط محدود و آشکار اجزای شعر را در مراحل بعد به



ابهام و پیچیدگی در روابط گسترده و پنهان آن تبدیل کردند، خوشنویسان نیز از انفکاک و وضوح کلمات در شیوه نسخ و ثلث، به پیچیدگی و پیوندهای بسیار در شیوه‌های اجازه و مسلسل و تعلیق گرایش یافتند. این‌جا نیز کمی تأمل کنیم. همه می‌دانیم که شعر آغازین فارسی در سده‌های چهار تا شش، عموماً بر محور تشبیه شکل می‌گرفت و استفاده از استعاره‌ها بسیار محدود بود. تشبیه بسیار سراسر است تر از استعاره عمل می‌کند. شعر فارسی اولیه از ابهام و پیچیدگی شعر قرن‌های شش و هفت تا دوازده بسیار به دور بود. تصویرها طبیعی بودند و از متن و بطن طبیعت مایه می‌گرفتند. شعر فارسی در سده‌های بعد با ورود عرفان به حوزه شعر در نتیجه آثار سنایی و عطار، نوعی ابهام را در خود جای داد که نزدیک شدن به آن ابهام با اسلوب تشبیه بسیار دشوار بود. چرا؟ چون در تشبیه نیاز به دو سوی مشابه و مشابه به هست که اگر چه سوی مشابه به طبیعی است، ولی مشابه در شعر عرفانی عموماً امری ماورایی و استعلایی و به اصطلاح، عرفانی است، در واقع چیزی است که سخن گفتن از آن یا حتی نامیدنش به یک نام خاص، دشوار است. در این صورت است که شاعر ناگزیر به سوی اتخاذ رویه‌ای استعاری گرایش می‌یابد. می‌گوید «گل صد برگ» و از آن، مفهوم تمامیت و کمال را در نظر دارد. این پیوندهای پیچیده و ابهام ناگزیر، شعر را از روانی و سلاست و طبیعی بودن شعر سده‌های اولیه دور می‌کند. حالا مهم این است که عین این تغییر رویه در حوزه خوشنویسی نیز رخ داده است. خوشنویسان نیز خود را دیگر چندان درگیر فرامین و احکام شاهان نمی‌کنند. برای آنان نیز خوشنویسی (همچون شعر برای شاعران) به تدریج تبدیل می‌شود به «کار دل» و ابزاری برای طی مدارج کمال و سخن گفتن از این مدارج و مراتب. در این اوضاع، پیچیدگی بیشتر امری است ناگزیر؛ چرا که خوشنویسان باید شعرهایی را بر کاغذ بیاورند که شاعران آنها، خود، مدعی طی کردن این مراحل و مدارج‌اند. شعر عطار را باید بنویسند، نه شعر عنصری را؛ و در نتیجه ابهام و پیچیدگی و قوس و تاب غزل عطار، ناچار، در نوع زاویه‌گیری‌های قلم آنان نیز خود را نشان می‌دهد.

آزاد محمودی در ادامه بحث خود به مقایسه‌هایی دست می‌زند: خط شکسته نستعلیق - که اوج قوس و تاب و ترمیم قلم خوشنویسان و ابهام و پیچیدگی آن است - و شعر سبک هندی - که اوج پیچیدگی و تصاویر و کارکرد استعاری در کلام محسوب

می‌شود - وی در این باره می‌نویسد: «این شباهت‌ها به حدی است که اگر شعر صائب و خط درویش عبدالمجید، نمایندگان ممتاز این دو گروه را در کنار هم قرار دهیم، آنها را آینه‌تمام‌نمای یکدیگر خواهیم یافت». وی سپس به بررسی دقیق شباهت‌ها بین این دو سبک هنری می‌پردازد؛ مقایسه‌ای که جذاب و آموزنده است.

برای مثال وی می‌نویسد: «ریزه کاری‌ها و روابط باریک و پنهان در شعر سبک هندی، همانند اتصالات نازک و فراوان قلم شکسته، نوعی ابهام و پیچیدگی در خواندن قطعه و درک شعر پدید می‌آورد». وی در جای دیگر از اشتراک ویژگی «ایجاز و اختصار» در این دو شیوه هنری سخن می‌گوید: در خط شکسته نستعلیق، این ایجاز و اختصار با تکنیک‌های متنوعی چون حذف قسمت‌هایی از حروف، ریزنویسی بخشی از کلمات، سوار کردن حروف و واژه‌ها بر هم و پیوسته نوشتن بسیاری از واژه‌ها خود را نشان می‌دهد.

اما شعر نیمایی نیز به باور نویسنده تأثیر فراوانی بر هنر خوشنویسی داشته است. آزاد محمودی شیوه سرایش نیمایوشیح را تلنگری به خوشنویسان دانسته است که خواهان نوآوری و بیرون آمدن از قالب‌های سنتی چلیپا و کتابت و کتیبه‌نگاری و سطرنویسی شدند و با انتخاب صورت‌های آزاد و رها از قید و بند، به آفرینش‌های بدیع هنری پرداختند. یک نکته می‌ماند و آن بحث زمانی است. این که آیا به راستی نخستین شاعران زبان فارسی تا چه حد

با اصطلاحات خوشنویسی آشنا بوده‌اند. نویسنده در آغاز بحثی که در استفاده‌های فردوسی از این اصطلاحات دارد، می‌نویسد پیدایش و گسترش اصطلاحاتی چون کوفی، ثلث، نسخ، محقق، ریحان، رقاع، طومار، وراق، مسطر، قط، سواد، بیاض، کاتب، کتابت، کتیبه، خفی، جلی، تحریر، مشق، نسخ و نسخه که از اصطلاحات آشنای هنر خوشنویسی است، به سده‌های اول تا سوم هجری بازمی‌گردد و بی‌شک در قرن چهارم، اینها اصطلاح‌های آشنایی برای اهل ادب بوده‌اند. وی از شهید بلخی نمونه می‌آورد که خوشنویس بوده و به حرفه وراقی اشتغال داشته و احتمال می‌دهد که وی در این حرفه از قلم‌های شش‌گانه نیز استفاده می‌کرده است.

از نکات مثبت این کتاب، بخشی است با عنوان «شرح اصطلاحات خوشنویسی» که در پایان به متن کتاب ضمیمه شده است. اهمیت این بخش از آن جاست که این اثر، اصولاً کتابی است برای علاقه‌مندان ادبیات و نه علاقه‌مندان خوشنویسی، بنابراین احتمال می‌رود که عموم مخاطبان آن با اصطلاحات خوشنویسی آشنا نباشند. این بخش تکمیلی در ۶۴ صفحه تدوین شده است و استفاده کامل‌تر از مطالب این کتاب را تسهیل می‌کند.

«اصطلاحات خوشنویسی در شعر شاعران بزرگ ایران» نوشته آزاد محمودی در ۲۴۸ صفحه از سوی مرکز تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری منتشر شده است. شمارگان این کتاب ۲۰۰۰ نسخه و بهای آن پنج هزار تومان تعیین شده است.



**دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد**

دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب، دوم آذرماه ۱۳۸۸، هم‌زمان با سالروز تولد نویسنده توانا و صاحب سبک، جلال آل احمد، برگزار می‌شود. موضوع‌های مورد ارزیابی هشت داوران عبارتند از:

داستان بلند      مستند نگاری      نقد ادبی  
داستان کوتاه      تاریخ نگاری

از تمامی نویسندگان، منتقدان ادبیان، تاریخ‌نگاران و ناشران دعوت می‌شود آثار خود را که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است، تا تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۸۸، به دبیرخانه ارسال کنند.

به نقرات برگزیده در هر کدام از رشته‌های این جایزه، نشان ادبی جلال آل احمد، تندیس، لوح تقدیر به اعضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۱۱۰ سکه بهار آزادی اهدا می‌گردد.

- برگزیدگان نخستین دوره -  
داستان: قاعده بازی، تألیف فریوز زنوزی جلالی، تهران، نشر علم.  
از ده‌هائیکان، تألیف یوسف علیخانی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.  
تقداسی:  
آمین آینه، تألیف حسینی قبادی با همکاری محمد بیروندی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.  
از اسطوره تا حماسه، تألیف سجاد آیدنلو، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.  
تاریخ نگاری و مستندنگاری:  
پدایی تا فرجام سازمان مجاهدین خلق، به کوشش جمعی از پژوهشگران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین جنوبی و برادران مظفر، ساختمان شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲ -  
تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۲ - تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸



جستاری درباره علامه امینی؛ صاحب اثر گرانبهای «الغدیر»

# جوشش ولایت در قلم مردی از تبار علم و دین



عزم راسخ و اراده های آهنین مردان و زنان بزرگ تاریخ همواره باعث شده که آثاری قابل تحسین و مثال زدنی به وجود بیاید. در عرصه کتاب نیز چنین آثاری فراوان به چشم می خوردند و اگر بخواهیم به یکی از با ارزش ترین آنها اشاره کنیم، با جرات تمام می توان انگشت اشاره را به سمت کتاب ۲۰ جلدی «الغدیر» اثر فراموش نشدنی استاد علامه امینی گرفت.

برای آن که بهتر مشخص شود این اثر تا چه اندازه ارزشمند و گرانبهاست، کافی است یکی دو جمله از سخنان علامه امینی در باره این کتاب که به تشریح واقعه عظیم غدیر خم از دیدگاه اهل تسنن می پردازد را بخوانیم: «من برای نوشتن الغدیر، ۱۰ هزار کتاب را از بای بسم الله تا تالیمت خوانده ام و به ۱۰۰ هزار کتاب مراجعه مکرر داشتم.»

علامه امینی در این کتاب به ۱۱۰ نفر از صحابه و ۸۴ نفر از تابعین پیامبر (ص) که حدیث غدیر را روایت کرده اند، اشاره می کند. سپس ۳۶۰ تن از راویان حدیث غدیر از قرن دوم تا چهاردهم را برمی شمارد. در پایان هم اشعار شاعران مختلف را درباره این موضوع ذکر می کند.

این عالم بزرگوار برای تدوین این کتاب به کتابخانه های کشورهای مختلف از جمله عراق، هندوستان، پاکستان، مغرب، مصر و دیگر کشورهای دنیا مسافرت کرد.

۱۲ تیر ماه مصادف با سالروز وفات علامه امینی، صاحب کتاب عظیم «الغدیر» است؛ او که سالیان متمادی را برای زنده نگه داشتن واقعه بزرگ غدیر خم و تعیین جانشین پیامبر (ص) در رویدادی که خداوند امر فرموده بود، صرف کرد.

## مردی از تبار علم و دین

شیخ عبدالحسین امینی معروف به علامه امینی ۱۰۷ سال پیش یعنی سال ۱۲۸۱ هجری شمسی مصادف با سال ۱۳۲۰ هجری قمری در روستای «سردها» از توابع شهرستان سراب به دنیا آمد.

شیخ احمد امینی تبریزی، پدر بزرگوار علامه امینی از عالمان با تقوا بود و مردم به ایشان همواره به دیده احترام می نگریستند. میرزا احمد از فقها و مجتهدین زمان خود و در زهد و پارسایی زیانزد همگان بود. او در سال ۱۳۰۴ هجری قمری به تبریز مهاجرت کرد.

این مرد بزرگ که تألیفاتی هم دارد در سال ۱۳۷۰ هجری قمری دیده از جهان فرو بست و در قبرستان نوری شهر مقدس قم دفن شد.

علامه امینی از نوجوانی مقدمات علوم را در مدارس تبریز آموخت، آنگاه در محضر عالمانی چون سید محمد مولانا، سید مرتضی خسروشاهی و شیخ حسین به فراگیری مراحل گوناگون علوم اسلامی پرداخت، سپس راهی نجف اشرف شد و در آنجا از محضر سید محمد فیروز آبادی، سید ابوتراب خوانساری و ... استفاده برد.

علامه امینی از مراجع بزرگی چون سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی، شیخ عبدالکریم حائری و شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی به خطوط خود آن بزرگان اجازه اجتهاد دریافت کرد. وی مدتی بعد رهسپار تبریز شد و به مشاغل آزاد روی آورد، ولی دوباره راهی نجف شد و به کار تألیف و تحقیق پرداخت.

علامه امینی در علوم اسلامی مانند تفسیر، حدیث، درایه و علم رجال، استاد بود و در علم فقه و تاریخ گوی سبقت را از همه محققان ربوده بود. هنگامی که نخستین تألیف وی با عنوان «شهدای راه فضیلت

«در سی و پنجمین سال عمرش منتشر شد، مراجع و علمای بزرگ زمان از جمله سید ابوالحسن اصفهانی، حاج آقا حسین طباطبایی قمی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمد حسن کمپانی و شیخ محمد خلیل عاملی، زبان به تحسین او گشودند و بر مقام علمی وی صحنه گذاردند. این زمانی بود که هنوز سخنی از «الغدیر» در میان نبود و پس از این مراحل بود که علامه امینی عمر پربرکت خویش را در راه تحقیق و تتبع گذراند و کتاب نفیس خویش «الغدیر» را به جهان اسلام تقدیم کرد.

برای این که شخصیت علمی و روح تلاشگر آن عالم بزرگوار بیشتر معرفی شود، بجاست قدری با سخنان فرزند علامه امینی درباره پدرش همراه شویم: «بعضی ها خیال می کنند کتاب الغدیر به راحتی تألیف شده است. مرحوم علامه امینی سختی ها متحمل شد که توصیف آن از عهده زبان خارج است. مقابل خانه ما کتابخانه مرحوم کاشف الغطاء قرار داشت. ایشان یک مدرسه ای هم داشتند که در جنب این کتابخانه بود و دارای ده دوازده حجره بود. کتاب های این کتابخانه از پدرشان شیخ علی کاشف الغطاء به ایشان رسیده بود و هیچ گونه امکانات رفاهی نداشت. مرحوم امینی از این کتابخانه به لحاظ نزدیکی، خیلی استفاده می کردند. ایشان از صبح می رفتند برای مطالعه و آنچنان غرق در مطالعه می شدند که حتی گذشت زمان را هم فراموش می کردند. یک بار مدیر کتابخانه هنگام عصر از کتابخانه بیرون می آید و در کتابخانه را قفل می زند. غافل از این که علامه امینی داخل کتابخانه است. آن روز سپری می شود. روز بعد او وقتی به کتابخانه می آید، می بیند علامه در حال مطالعه است. به ایشان می گوید: شما کی آمده اید؟ علامه پاسخ می دهد: از دیروز که من را در این کتابخانه زندانی کردی تا الآن در اینجا به سر می برم!»

## سفرهای علمی علامه

علامه برای تألیف «الغدیر» یا دایرة المعارف جاودانه امامت و ولایت علوی به پژوهشی بسیار گسترده و بی مانند دست زد. آن مرحوم نخست همه کتاب های خطی و چاپی کتابخانه های عمومی و خصوصی نجف اشرف را مطالعه کرد؛ از جمله همه کتاب های خطی و چاپی کتابخانه مرحوم سید محمد باقر بحر العلوم، کتابخانه مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، کتابخانه شیخ فرج الله نجفی و کتابخانه حسینیه شوشتری ها.

مرحوم علامه امینی برای مطالعه در کتابخانه شوشتری هاسر شب وارد آن می شد و مدیر کتابخانه در را به روی آن مرحوم قفل می کرد و صبح روز بعد در را می گشود.

مرحوم امینی سپس به مطالعه کتاب های مورد نظرش در کتابخانه های کربلا پرداخت و پس از آن به کتابخانه های کاظمین، بغداد، سامرا، حله و بصره رفت و همه کتاب های خطی و چاپی کتابخانه های آن اماکن را نیز در ارتباط با تحقیق سترگش مطالعه کرد.

مرحوم علامه سپس به ایران آمد و به مطالعه کتاب های خطی و چاپی کتابخانه های آستان قدس رضوی، مجلس شورای ملی در تهران، مدرسه سپهسالار در تهران، ملک در تهران، کتابخانه ملی در تهران، کتابخانه آیت الله بروجردی در بروجرد و کتابخانه سردار کابلی در کرمانشاه پرداخت.

وی در سال ۱۳۸۰ قمری به هند رفت و به مطالعه کتاب های خطی و چاپی در کتابخانه های آن دیار مشغول شد. در سال ۱۳۸۴ قمری علامه به سوریه رفت و به مطالعه کتابخانه های دمشق و حلب پرداخت و پس از آن در سال ۱۳۸۷ قمری راهی ترکیه شد تا به مطالعه کتاب های آن دیار بپردازد. علامه در این سیر پژوهش و مطالعه از نسخه های خطی نفیس و منحصر به فرد این کتابخانه ها نسخه برداری کرد.

وی شرح این سفرهای علمی و فهرست کتاب های خطی و چاپی را که مطالعه و نسخه برداری کرده بود، در دو جلد بزرگ نوشت.

پشتکار علمی، تلاش شبانه روزی و برخورداری ایشان از اطلاعات گسترده اسلامی، سبب شد گام های جاودانه ای در راه احیای اندیشه های ناب اسلامی بردارد و آثاری از خود برجای بگذارد که هر یک اهمیت بسیاری دارند. نوشته های علامه امینی عبارتند از:

تفسیر فاتحه الکتاب: کتابی است در تفسیر سوره حمد  
المقاصد العلیه فی المطالب السنیه (چاپ نشده)؛ این کتاب در تفسیر برخی آیه های قرآن، بحث های گسترده ای ارائه کرده است.

ادب الزائر لمن یمم الحائر: رساله ای است کوتاه درباره آداب و اعمال مستحبی که سزاوار است در آستان مقدس امام حسین علیه السلام انجام گیرد. این نوشته در سال ۱۳۶۲ هجری قمری در نجف

اشرف چاپ شد.

ثمرات الأسفار: این کتاب دو جلد است. جلد نخست، گلچین مطالبی است که علامه امینی در کتابخانه های هند برای نگارش الغدیر مطالعه کرد و جلد دوم، گزیده ای است از کتاب هایی که در کتابخانه های سوریه خواند.

سیرتنا و سُنننا: این کتاب، پاسخی است به مساله ای که در شهر حلب سوریه در زمینه عقاید شیعیان از ایشان پرسیدند.

الغدیر: نام اصلی کتاب، الغدیر فی الکتاب والسُننه و الأدب؛ غدیر در قرآن و احادیث نبوی و آدبیات است. این کتاب، دایرة المعارفی است که تنها در مورد حادثه تاریخی غدیر خم نیست، بلکه نویسنده مطالب گوناگونی چون بحث های ادبی، تاریخی، فقهی، حدیثی، رجال، درایه و تفسیر را هم در آن گرد آورده است.

## و سرانجام «الغدیر»

حکایت تألیف مجموعه بیست جلدی «الغدیر»، روایت دلباختگی این عالم وارسته به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) به ویژه مولا علی (ع) و بیان کننده جایگاه با عظمت واقعه غدیر خم در جان و روح اوست.

علامه برای گردآوری مطالب «الغدیر» سفرهای پژوهشی بسیار کرد. کعبه آمالش در سرزمین ها و شهرها، کتابخانه های عمومی و شخصی بود. اغلب این سفرها پربار به مطالعه و استنتاج و تهیه مأخذ و ملاقات با استادان می گذشت. از جمله شهرهایی که وی با این هدف به آنها سفر کرد، می توان به حیدرآباد، دکن، الیگره، لکنهو، کانپور، جلالی، رامپور (در هند)، فوعه، معره، قاهره (در مصر)، حلب، نیل و دمشق (در سوریه) اشاره کرد. عشق به خاندان عترت چنان سراسر وجودش را فرا گرفته بود که ساعت ها مطالعه در مخزن کتاب های خطی و دست یافتن به گوهرهای گرانبهای نبوی را بر خویشستن هموار می ساخت و هرگز احساس خستگی نمی کرد.

مشهور است که او در کتابخانه یکی از شهرها روزی ۲۰ ساعت کار کرد و با لقمه نانی که همراه داشت و جرعه آبی که کتابدار در اختیارش می گذاشت، از میان چهار هزار نسخه خطی موجود در آن کتابخانه، مأخذ دلخواه خود را یافت.

علامه امینی با همراهی بزرگانی چون سید شرف الدین عاملی نهضت متن گزایی را بنیان نهادند تا مبانی فلسفه سیاسی اسلام را با ارائه مدرک به امت اسلامی عرضه کنند و به این وسیله در مقابل نهضت پیشین گزایی یا نهضت سلفیه ایستادند. این علامه مصلح با جمع آوری اجتماعات پیشوایان شیعه تمامی زمینه های شک و تردید را درباره حدیث غدیر از بین برد.

روش علامه برای مبارزه با استعمار تدافعی نبود بلکه با مطرح کردن ولایت و امامت و بحث های عمیق علمی درباره آن، به ولایت فقیه در عصر غیبت رسید.

کتاب «الغدیر» به سبکی زیبا از طریق احادیث معتبر صحاح سته و کتاب های معروف عامه اثبات وصایت و خلافت بلا فصلی خیر الاوصیاء مولای متقیان امیر مؤمنان ارواحنا له الفدرا را به طرز جالبی مدلل می کند و به اثبات می رساند.

الغدیر را الغدیر نامیدند برای تبرک، و گرنه اقیانوس است؛ متلاطم و بی کران که درونش پر از گوهرهای گرانبهاست که در اعماق آن می درخشند. الغدیر، غدیری است که در پی آن دریاها و اقیانوس های علم جاری است. الغدیر زبان بیان



گزارشی از نمایشگاه جامع عملکرد سی ساله قوه قضاییه

# تب داغ حقوق در دهه اول تیر



چند سال اخیر، تدوین مجموعه پنجاه و هشت جلدی «رویه قضایی» و سپس تولید آن به صورت کتاب الکترونیک است. به گفته مدیر کل این معاونت، با توجه به ارائه بلوتوثی آثار الکترونیک عرضه شده در این نمایشگاه، علاوه بر اهدای لوح‌های فشرده آن، بسیاری از قضات و وکلای توانمند با دارا بودن این اثر در گوشی‌های تلفن همراه از آن به عنوان ابزار کار خود استفاده کنند.

همچنین در این نمایشگاه، می‌توان با متونی که برخی کشورها برای آموزش به کارکنان دستگاه قضایی خود تهیه کرده‌اند، آشنا شد. متون آموزشی قضایی ضمن خدمت کشورهای نظیر هند، ژاپن، آمریکا و اتحادیه اروپا که در «وب‌گاه» این اتحادیه قابل دسترسی است، به فارسی برگردانده شده و تنها برای معرفی در اختیار مراجعان قرار می‌گیرند.

از دیگر آثار ترجمه شده این نمایشگاه - که توسط معاونت آموزش قوه قضاییه به زبان فارسی برگردانده شده - ترجمه جزوات دوره‌های آموزشی ضمن خدمت دستگاه قضایی ایران به زبان انگلیسی و همچنین ترجمه برخی آثار به عربی است.

**آشنایی فراگیر با کتاب‌های حقوقی**  
نمایشگاه عملکرد سی ساله قوه قضاییه، فرصت مغتنمی را برای قرار گرفتن عموم مردم در جریان مسائل حقوقی ایجاد کرده است، زیرا برخی کتاب‌های عرضه شده در آن، ویژه اطلاع‌رسانی و افزایش سطح آگاهی عموم در حوزه حقوق و قضاست. به گفته مدیر کل معاونت آموزش قوه قضاییه، برخی از کتاب‌های این معاونت، با هدف افزایش اطلاعات حقوقی افراد جامعه تألیف شده‌اند.

از میان فعالیت سازمان‌های مختلف قوه قضاییه که در این نمایشگاه معرفی شده‌اند، اقدامات اداره کل اجتماعی و فرهنگی حوزه ریاست قوه قضاییه را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا یکی از وظایف این اداره، پیشگیری از وقوع جرائم است که در صورت موفقیت اقدامات این نهاد، شاهد آثار مثبت آن از جمله کاهش جرم و بزه در جامعه خواهیم بود.

با توجه به آسیب‌پذیری بیشتر کودکان و بانوان، کتاب‌ها و بروشورهایی از سوی اداره حمایت از زنان و کودکان این نهاد برای کاهش آسیب‌های وارده به آنان تهیه و تدوین شده‌اند. صدیقه زمان‌پور، رئیس اداره حمایت از زنان و کودکان، در این باره می‌گوید: «بیشتر این کتاب‌ها اهدافی نظیر آشنایی خانواده‌ها با حقوق اجتماعی زنان و کودکان و مبارزه با کودک‌آزاری و زن‌آزاری را دنبال می‌کنند».

یکی از غرفه‌های این نمایشگاه که توجه بازدیدکنندگان زیادی را جلب می‌کند، غرفه شوراهای حل اختلاف است. در این غرفه، برخی از اعضای شوراهای اقوام عشایر خوزستان، کردستان، فارس، گلستان و سیستان و بلوچستان با لباس‌های سنتی در

قالب پنج شورای حل اختلاف نمادین، همراه صنایع دستی استان‌های خود حاضر شده‌اند که همین امر سبب جلب بازدیدکنندگان به این غرفه شده است. در این غرفه، کتاب نیز اهدا می‌شود. فاطمه گلشنی، رئیس گروه آموزش شوراهای حل اختلاف، در این باره می‌گوید: «این غرفه شش عنوان کتاب، کتابچه و بروشور ویژه اطلاع‌رسانی و آموزش شوراهای حل اختلاف، هر یک در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه را به مراجعان اهدا می‌کند».

این کتاب‌ها به طور اختصاصی برای شوراهای حل اختلاف تألیف شده‌اند و به گفته برخی از اعضا که در نمایشگاه حضور دارند، بسیار مفید و اثرگذار بوده‌اند. احمد جعفری، رئیس شوراهای حل اختلاف استان گلستان، در این باره می‌گوید: «این آثار می‌توانند نقش بسزایی در آشنایی افراد با مسائل حقوقی نظیر آپارتمان‌نشینی و همچنین نحوه تنظیم دادخواست‌ها ایفا کنند، زیرا اعضای شورای حل اختلاف بارها شاهد درگیری‌های افراد ساکن آپارتمان‌ها بوده‌اند که بسیاری از آنها، ریشه در بی‌اطلاعی از اختیارات قانونی‌شان دارد».

**استفاده بیهوده از فرصت ارزیابی آثار حقوقی**  
نمایشگاه عملکرد سی ساله قوه قضاییه با ارائه صدها عنوان کتاب حقوقی، این فرصت را به وجود آورده تا آثار حقوقی و قضایی با نگاهی تخصصی ارزیابی شوند. این فرصت به دست آمده می‌تواند با برگزاری نشست‌هایی با حضور ناشران، نویسندگان، استادان و دانشجویان حوزه حقوق پررنگ‌تر شود زیرا این اقدام به دلیل تعامل و هم‌فکری دست‌اندرکاران حوزه کتاب‌های حقوقی، سبب افزایش سطح کیفی و تأمین نیاز مخاطبان این آثار خواهد شد.

از دیگر کاستی‌های این نمایشگاه که از تفاوت‌های آن با نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به شمار می‌آید، ضعف اطلاع‌رسانی و در نتیجه حجم اندک بازدیدکنندگان آن است.

مجتبی سجادی، مدیر مسئول انتشارات جنگل، مشخص نبودن مکان برگزاری نمایشگاه تا چند روز قبل از آن را یکی دیگر از ضعف‌های این نمایشگاه می‌داند و می‌گوید: «عدم برنامه‌ریزی مناسب و مشخص نبودن مکان برگزاری نمایشگاه تا چند روز قبل از آن، یکی از دلایل اصلی ضعف اطلاع‌رسانی درباره ارائه آثار حقوقی در این نمایشگاه است».

البته او امتیازات این نمایشگاه تخصصی را غیر قابل انکار می‌داند و معتقد است: «بازدیدکنندگان این نمایشگاه، مخاطبان واقعی و هدف‌مندی‌اند که تنها دلیلشان از مراجعه به این مکان، آشنایی با این گونه کتاب‌ها با خرید آثار حقوقی است».

نمایشگاه عملکرد سی ساله قوه قضاییه تا هشتم تیر ماه در سالن‌های میلاد و خلیج فارس نمایشگاه بین‌المللی تهران برپاست.

**مهرناز مهاجری:** این روزها بازار کتاب‌های حقوقی به دلیل برپایی نمایشگاه جامع عملکرد سی ساله قوه قضاییه، داغ است. در حقیقت برای نخستین بار است که کتاب‌های حقوقی، جداگانه و تخصصی در این سطح وسیع ارائه می‌شوند و این امر می‌تواند گامی بلند در جهت تخصصی کردن نمایشگاه‌های کتاب در سال‌های آینده به ویژه در عرصه آثار مکتوب حقوقی و قضایی به حساب بیاید.

غرفه‌های مختلف این نمایشگاه که مربوط به بخش‌های گوناگون قوه قضاییه، نظیر سازمان بازرسی کل کشور، دادستانی کل کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان زندان‌ها و سازمان پزشکی قانونی است، در دو سالن میلاد و خلیج فارس محل دائمی نمایشگاه بین‌المللی تهران سامان یافته‌اند.

یکی از وسیع‌ترین و فعال‌ترین غرفه‌های این نمایشگاه متعلق به معاونت آموزش قوه قضاییه در سالن میلاد است. ابتکاری که این معاونت انجام داده، ارائه رایگان صدها عنوان کتاب الکترونیک با قابلیت بلوتوث و اجرا روی گوشی‌های تلفن همراه است که می‌تواند به نوبه خود تحولی در عرصه بازار نشر آثار حقوقی به شمار آید. محمد درویش زاده، مدیر کل معاونت آموزش قوه قضاییه در این باره می‌گوید: «این اقدام تحولی بزرگ در عرصه نشر حقوقی است زیرا سبب پویایی، شتاب و گستردگی آن می‌شود».

کتاب‌های الکترونیک عرضه شده در این نمایشگاه ۸۰۰ عنوان را دربر می‌گیرد که شامل تمامی آثار تدوین شده در معاونت آموزش قوه قضاییه است. درویش زاده در این باره می‌گوید: «از میان این تعداد، ۳۰۰ عنوان به صورت کتاب و بقیه در قالب کتابچه، جزوه‌های آموزشی، بروشور و پرسش و پاسخ‌های حقوقی ویژه آموزش‌های همگانی حقوق منتشر شده‌اند».

البته شمارگان محدودی از این آثار که در ۳۰ لوح فشرده (دی.وی.دی) سامان یافته‌اند، در این نمایشگاه عرضه می‌شود که در رویش زاده درباره انتشار آنها در سطح گسترده، چنین می‌گوید: «برای انتشار و ورود این کتاب‌های الکترونیک به بازار نشر، با ناشران خصوصی، طرف قرارداد و وارد مذاکره شده‌ایم».

این نمایشگاه همچنین تمامی کتاب‌های حقوقی موجود در چرخه بازار نشر کشور را دربر می‌گیرد که به گفته مدیر کل معاونت آموزش قوه قضاییه، دو هزار عنوان را شامل می‌شوند. وی در این باره می‌گوید: «۵۰۰ عنوان از این کتاب‌ها چاپ اول و بقیه آنها از آثار پرشمارگانه که با همکاری ناشران بخش خصوصی در سالن جنبی و مرتبط با سالن معاونت آموزش عرضه می‌شوند».

انتشارات «جنگل» و «جاودانه» با انجام فعالیت‌های مشترک در حوزه نشر، نمایندگی دیگر ناشران حقوقی در این نمایشگاه را بر عهده دارند. به گفته درویش زاده، این ناشران محدودیتی در ارائه آثار خود در این نمایشگاه نداشته‌اند.

همکاری معاونت آموزش قوه قضاییه در انتشار کتاب با ناشران خصوصی را می‌توان یکی از اقدامات مهم در کاهش تصدی‌گری دولت و گسترش بخش خصوصی دانست. مجتبی سجادی، مدیر مسئول انتشارات جنگل در این باره می‌گوید: «برای نخستین بار است که قوه قضاییه در طول تاریخ فعالیت خود چنین همکاری گسترده‌ای را با بخش خصوصی آغاز کرده و از آنجا که این همکاری در امر انتشار کتاب است، اقدام موثری در استفاده جامعه حقوقی و همچنین شهروندان از تحقیقات و پژوهش‌های چندین ساله معاونت آموزش قوه قضاییه و در نتیجه اعتلای حقوق شهروندی و اجرای عدالت اجتماعی به شمار می‌آید».

یکی از اقدامات معاونت آموزش قوه قضاییه در

غربت غدیر است؛ غدیری که حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌را تداعی می‌کرد که فرمود: «اسلام در آغاز غریب بود و به زودی مانند نخست غریب خواهد شد.»

علامه امینی از ابتدای تحصیلات علمی خود در فکر ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر اندیشه‌های والای اسلامی بود، جامعه‌ای که در آن اخوت و برادری مفهومی عینی می‌یابد و در آن مسلمانان به دور از تبعیضات و تفرقه‌ها در ساختن جامعه‌ای آرمانی همت می‌گمارند.

علامه امینی با همین اندیشه و با اندوخته کلان خود سراغ نگارش کتابی رفت که واقعیتی را برای ایجاد وحدت در جامعه اسلامی مطرح سازد، لذا حدیث غدیر را شکافت و واقعه غدیر را با هدف تبیین ولایت جاودان امیر مؤمنان حضرت علی (ع) به رشته تحریر درآورد.

وی روش کار خود را در تدوین این کتاب بر بررسی موضوعی مساله غدیر و ولایت امیر مؤمنان (ع) گذارد و با مواد و مصالح مختلف تاریخی از جمله آیات قرآن، احادیث و قول تابعین و اصحاب و علمای فرق مختلف به ویژه مذاهب چهارگانه، نسبت به اثبات و دفاع از ولایت امیر مؤمنان (ع) همت گماشت.

او برای این منظور ابتدا سراغ تحقیق درباره آیات تبلیغ (سوره مبارکه مائده - ۶۷)، اکمال (مائده - ۵)، آیات یک تا سه سوره مبارکه معارج، ولایت (مائده - ۵۵) و سوره هل اتی رفت، آنگاه احادیثی چون غدیر، ولایت، منزلت، تقلین و انذار العشره را از منظر تاریخی و سندی، تحلیل و بررسی کرد.

وی سپس در پی اسناد حدیث غدیر، ۲۴ کتاب تاریخی، ۲۷ محدث، ۱۴ مفسر قرآن و ۷ متکلم اسلامی را یافت که به نقد و بررسی حدیث غدیر پرداخته بودند.

علامه امینی پس از آن، شرح حدیث غدیر از صحابه و تابعین پیامبر (ص) را به ترتیب عنوان و در این فهرست به ۱۱۰ تن از صحابی و ۸۴ تابعی اشاره کرد.

علامه آنگاه ۳۶۰ تن از روایان حدیث غدیر را از قرن دوم تا قرن چهاردهم برشمرد.

وی در پایان تحقیق، اشعار شاعران مختلف را درباره این موضوع ذکر کرد و در این مقوله، قصد او کمک گرفتن از انواع روایات برای دفاعی تاریخی از ولایت امیر مؤمنان علی (ع) برای جهانیان بود.

چاپ نخست کتاب الغدیر در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی در نجف آغاز شد و این مجموعه تا ۹ جلد افزایش یافت. پس از انتشار این کتاب عظیم، بسیاری از علمای کشورهای مختلف اسلامی ضمن ستایش، بر آن حاشیه نوشتند و آن را مورد بحث و بررسی قرار دادند و به صحت مدارک شیعیان اعتراف کردند.

علامه امینی هفت سال پس از انتشار نخستین جلد الغدیر در اثبات ارادت خود به امیر مؤمنان علی (ع) کتابخانه‌ای با بیش از ۴۲ هزار کتاب خطی و چاپی درباره مولی‌الموحدين امام علی (ع) با عنوان مکتبه الامام امیر المؤمنین تأسیس کرد.

علامه در تبیین مسائلی تاریخی از مسائل روز جهان اسلام هیچگاه غافل نمی‌ماند، چنان‌که اندیشه ولایت فقیه در بینش او از مکاتبی بالا و والا بر خوردار بود. استاد با طرح مباحثی جدی، حکومت و ولایت در عصر غیبت حجت خداوند و ولی عصر (عج) را از آن ولی فقیه جامع‌الشرایط می‌دانست و آن را امری ضروری و لازم می‌شمرد.

این عالم فرزانه پس از سال‌ها تلاش و مجاهدت علمی و دینی در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی (۱۳۹۰ هجری قمری) پس از تحمل دو سال بیماری، روز جمعه ۱۲ تیر ماه هنگام اذان ظهر در آستانه ۷۰ سالگی به ملکوت اعلی پیوست. پیکر وی در تهران تشییع و سپس به نجف اشرف حمل و در آنجا بعد از طواف برگردمزار مولای متقیان در کتابخانه عمومی - که خود تأسیس کرده بود - (مکتبه الامام امیر المؤمنین) به خاک سپرده شد.



گفت و گو با حسین مفید، محقق و مصحح رساله ابواب الهدی

# مکتب تفکیک یا مکتب معارفی خراسان؟!

رساله ابواب الهدی آخرین اثر مرحوم میرزا مهدی اصفهانی و مشهورترین آنها، اخیراً از سوی انتشارات منیر در تهران، به تحقیق و تصحیح حسین مفید منتشر شده است. همین امر انگیزه‌ای شد تا با وی در باب این کتاب، اندیشه‌های مرحوم میرزامهدی اصفهانی، مکتب تفکیک و مکتب معارفی خراسان و احیاناً وجوه افتراق آن دو گفت‌وگویی انجام دهیم.

**جناب آقای مفید! پیش از هر چیز بفرمایید چه شد که شما به تحقیق در باب مکتب معارفی خراسان و اندیشه‌های مرحوم میرزامهدی اصفهانی گرایش پیدا کردید؟**

حقیقت مطلب آن است که عبارات پشت جلد کتاب «ابواب الهدی» تالیف مرحوم میرزا مهدی اصفهانی که اخیراً با تحقیق و تصحیح اینجانب از سوی انتشارات منیر چاپ شده، تا حدودی پاسخ این پرسش را می‌دهد. سالیان طولانی است که توفیق تحصیل علوم دینی را در کنار تحصیلات دانشگاهی یافته‌ام. در تحصیل معارف دینی آنچه همواره برایم مهم و دغدغه برانگیز بود، یافتن نظامی منسجم و مستقل از معارف دینی، دست کم در پاسخ به پرسش‌های اصلی فلسفی بود. همواره دوست داشتم و دارم که بدانم دین اسلام یا به تعبیر دیگر تشیع امامیه که معتقد است حقیقتی زنده، پویا و پایا تا انتهای دنیاست در مواجهه با پرسش‌های فلسفی مخاطبان خود، بدون وام‌گیری از جریان‌های فکری بشری چه نظام جامعی را ارائه می‌کند. نظریات فیلسوفان و عارفان را در آثار مکتوب و غیرمکتوبشان دیده‌ام. فارغ از مقبولیت یا عدم مقبولیت و صحت و عدم صحت آنها، در وجود چنین منظومه‌هایی جای شک نیست، اما به واقع چنین منظومه‌های جامع و مستقلی را در معارف دینی ندیده‌ام چون بالندیشه‌ها و آثار میرزامهدی اصفهانی (ره) مواجه شدم، احساس کردم که می‌توانم از این دریچه به هدف خویش برسم. به واقع پاره‌ای پرسش‌هایم را که در مکتب بشری و حتی از لابه لای کلمات برخی بزرگان اصولی جست‌وجو می‌کردم و نیافتم، در اینجا به پاسخ‌ها رسیدم یا به آنها نزدیک شدم.

**در مقدمه کتاب پیشنهاد کرده‌اید**

**که مکتب میرزامهدی**

**اصفهانی (ره) را مکتب**

**معارفی و نه تفکیک بنامیم.**

**به نظر شما وجوه افتراق آنها**

**کدام است؟**

باتمام احترامی که برای استاد

حکیمی قائم و حتی ضمن

گفت‌وگویی به ایشان عرض کردم

که برکات چنین کارهایی مدیون کار

بزرگ شما در طرح نظریه مکتب تفکیک

در سطح حوزه و دانشگاه آن هم پس از

فراموشی آن است؛ اما به نظر من این دو مکتب

در عین ضرورت حفظ خلوص، هر یک، دو

مکتب مجزا و در عین حال مرتبط با یکدیگرند.

مکتب معارفی در فضای علمی و فرهنگی ایران

معاصر با مکتب تفکیک شناخته شد؛ ولی حقیقت

این است که مکتب تفکیک از دل مکتب معارف

زاییده شده است. این دو مکتب از حیث فرم، محتوا

و سابقه تاریخی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. مکتب

تفکیک حاصل هوشمندی یک متفکر در ارائه الگویی

آکادمیک در طرح نظریه جدایی دین از فلسفه و عرفان

مصطلح بشری و حفظ حوزه استقلالی هر یک است.

در مکتب تفکیک مسأله تا اینجا تبیین شده است و به مسائل بنیادین، جز مسأله چارچوب بندی مکتب، به صورت استدلالی و عمقی پرداخته نشده است. اما مکتب معارف به بحث‌های مفصل درباره مسائل بنیادین چون عقل و علم و حقیقت آنها، مسأله زبان‌شناسی، فاعلیت و حقیقت فعل آدمی، معرفت‌الله و اسماء و صفات، حقیقت روح و خلقت و معاد آن شیوه فهم قرآن یا زبان‌شناسی روایات معصومین (ع) و بسیاری مسائل دیگر پرداخته است. ضمن آن که مکتب معارف ادعای تفکیک و استقلال دین از فلسفه و عرفان را ندارد. بلکه ادعای او حداکثری است. مدعای میرزای اصفهانی این است که معارف الهی بی‌نیاز از دانش‌های بشری و مستقل از آنهاست. مرحوم میرزا برای ملاصدرا احترام قائل است و با بزرگی از او یاد کرده اما او را معارفی نمی‌داند، بلکه از منتقدان بزرگ او است. همچنین، استاد حکیمی در مکتب تفکیک پای سید موسی زرآبادی و شیخ مجتبی قزوینی را به میان آورده است. شیخ مجتبی قزوینی شاگرد میرزامهدی بوده و نه از بنیانگذاران این مکتب و در حد دیگر شاگردان. وی در ترویج این مکتب موفق بوده اما کار ویژه‌ای انجام نداده است. سید موسی زرآبادی هم نسبت علمی با میرزامهدی نداشته و برای ادعای این که او استاد مرحوم میرزا در عوالم کشف و انخلاع بوده باشد، وجه و جیحی وجود ندارد. در هر حال این افراد بیشتر بزرگانی بوده‌اند که جناب استاد حکیمی به آنها علاقه مندی دارند اما نمی‌توان ایشان را به عنوان پایه‌گذار مکتب معارف معرفی کرد. البته نباید فراموش کرد که استاد حکیمی نیز در صدد تعریف مکتب معارف نبوده‌اند و نظریه ارزشمند خود را مطرح فرموده‌اند. درست به همین دلیل باید گفت کسانی که در

آثار خود، بیانات استاد

حکیمی را در عرض کلام

مرحوم میرزا نقد می‌کنند،

بی‌تردید دچار ناهمی در مکاتب

فکری‌اند. وجوه افتراق دیگری هم هست

که ان‌شاءالله در جای خود بحث خواهد شد.

**چه شد که به فکر تصحیح و تحقیق رساله ابواب الهدی افتادید؟**

رساله ابواب الهدی تا پیش از انتشار این چاپ، دو بار منتشر شده است و البته هر دو بار با نواقص و اشکالات فراوان، مرتبه نخست به سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ ق بازمی‌گردد. این چاپ زیر نظر مرحوم سید محمدباقر نجفی یزدی، از شاگردان میرزای اصفهانی (ره) انجام گرفت که البته به شکلی نازیا و همراه با اغلاطی فراوان به دست علاقه‌مندان رسید. مرتبه دوم انتشار نیز به سال ۱۳۷۵ ش از سوی بوستان کتاب قم، به تحقیق آقای حسن جمشیدی انجام گرفت. متأسفانه محقق مذکور هم بی‌توجه به ضوابط تحقیقی دست به انتشار این اثر زد. ضعف کار تا بدان جا رسید که یک باب از کتاب به کلی حذف شد و دست‌آخر معلوم نشد که تلاش وی برای احیای کدام نسخه بوده است. انتشار نامناسب این اثر گرانسنگ سبب شد که جناب آقای حاج شیخ محمد بیابانی اسکویی، از محققان و کتابشناسان معاصر، پیشنهاد احیای آن را به اینجانب ارائه دهد تا این بار، رساله ابواب الهدی در هیأتی آراسته و شکلی صحیح مهیا شود. بنابراین، هدف اصلی در این کار، دستیابی به نسخه‌ای صحیح و قابل اعتماد از ابواب الهدی بود که بتوان به جرأت آن را به میرزای اصفهانی (ره) نسبت داد.

**در چاپ جدید ابواب الهدی، چه کارهایی انجام داده‌اید؟**

متن کتاب براساس دو نسخه معتبر آستان قدس رضوی و صدرزاده تحقیق و تصحیح شده است. حواشی میرزا مهدی اصفهانی (ره) در نسخه آستان قدس رضوی به عنوان تصحیح با جوهر بنفش مشخص است. پاره‌ای از عبارات متن در این نسخه قلم خورده و تصحیح شده و این از ویژگی‌های مهم این نسخه است. این نسخه از جهت این که مورد ملاحظه خود مولف قرار گرفته، در جایگاهی ویژه قرار دارد. نسخه مرحوم علی اکبر صدرزاده دامغانی که ما در چاپ جدید با عنوان نسخه صدرزاده از آن یاد کرده‌ایم، به تصریح محقق رساله از روی نسخه تصحیح شده توسط مرحوم مولف استنساخ شده است؛ اما از آن جایی که با نسخه آستان قدس رضوی نیز تفاوت دارد خاصه برخی از تصحیحات که در نسخه آستان قدس رضوی دیده می‌شود در این نسخه اثری از آنها نیست، دو احتمال مهم داده می‌شود: یکی احتمال تقدم تصحیح این نسخه نسبت به نسخه آستان قدس رضوی و دیگری تعدد دفعات تصحیح، آن هم روی نسخه‌های

مختلف. البته احتمال دوم قوی‌تر است زیرا نسخه آستان قدس رضوی نیز نسبت به نسخه صدرزاده با تفاوت‌ها و کاستی‌هایی در عبارات مواجه است که نشان از تصحیح نسخه آستان قدس رضوی از سوی نسخه صدرزاده ندارد. بنابراین، به نظر می‌رسد این نسخه در دو مرحله مجزا توسط خود مولف تصحیح شده باشد. به هر حال، چون هدف ما دستیابی به نسخه مصدر بوده، در تصحیح نهایی نسخه آستان قدس رضوی را نسخه مینا و نسخه صدرزاده را نسخه معین قرار دادیم تا محور متن این دو نسخه تصحیح شده و بیشتر قابل اعتماد باشند از این رو هر جا اختلافی بوده، آن را ذکر کرده‌ایم. همچنین تا جایی که امکان داشته، عبارات نسخه صدرزاده را که به صورت زیادت بر نسخه متن نسخه آستان قدس رضوی بود در داخل متن و البته با ذکر آن در پاورگی آورده‌ایم. از سوی دیگر، عبارات سایر نسخه‌ها در صورتی که حاوی نکته‌ای بوده و مؤیدی داشته یا لازم بوده عبارتی برای تصحیح متن توسط محقق رساله بدان افزوده شود و دست بر قضا آن زیادت در سایر نسخه‌ها موجود بوده آن را نیز در پاورگی یا متن از همان نسخه آورده‌ایم تا اصلاحات وی در متن تقلیل یابد.

کار دیگری که در تصحیح و تحقیق جدید ابواب الهدی انجام گرفته، مصدریابی منقولات این رساله است. در این باره آنجا که روایتی نقل شده، با توجه به سندی که از آن نقل شده به همان سند مراجعه شده، نه به همان روایت با سندی دیگر؛ و به جای متن نقل شده عین متن روایت در مصدر اصلی آمده است. توضیح این که در حقیقت، مواردی بود که روایت در نسخه‌ها با روایت در مصادر اصلی تفاوت داشت؛ در اینجا در مقام تصحیح متن روایات در مصادر اصلی آمده است در عبارات منقول از کتب فلسفی. عرفانی نیز عیناً همین روش انجام گرفته است. البته در مواردی که روایت یا متن مورد نظر در مصدر آن یافت نشده، در پاورگی ذکر شده است.

بخش تحقیقی دیگر این اثر، تزییلاتی است که محقق و مصحح کتاب به منظور بسط مبانی مولف کتاب و روشن تر شدن مقاصد وی در مطالب مجملش در پایان هر باب ارائه کرده است. شاخصه اصلی این تزییلات آن است که همگی از نوشته‌ها و آثار مکتوب مولف است و در آن از منابع دست دوم چون تقریرات و شروح مفسران یا شاگردان میرزای اصفهانی استفاده نشده است. این کار به منظور گردآوری آثار و عبارات دست اول در تبیین آرای میرزای اصفهانی و ایجاد منبعی مرجع در دستیابی به اقوال مولف صورت گرفته است تا محققان در دریافت یک موضوع بتوانند به جمع بندی آرای وی در آن مسأله دست یابند. البته در این بخش به فراخور مطالب، مستندات فلسفی، عرفانی و تاریخی برخی از آرای میرزای اصفهانی در تبیین یا نقد کلام مخالفانش نیز ارائه شده‌اند تا کار تحقیق در صحت مدعیان میرزای اصفهانی تسهیل شود.

تحقیق دیگری که در این اثر به چشم می‌آید، مستدرکات حدیثی است که گردآوری احادیث مرتبط با بیانات میرزای اصفهانی در خلال مطالبش است. این بخش از آن روی اهمیت دارد که میرزای اصفهانی رویکردی جدید به مبانی کتاب و سنت دارد و جمع‌آوری احادیث مربوط به هر بحث، هم به فهم مطالب وی و ریشه‌های اندیشه او کمک می‌کند و هم کار تحقیق در آرای او را برای محققان ساده‌تر می‌سازد.

## درباره میرزا مهدی اصفهانی

میرزامهدی اصفهانی (۱۳۰۳. ۱۳۶۵ ه. ق.) بنیادگذار مکتب معارف خراسان است. او از موثرترین علمای سده اخیر در حوزه علمیه خراسان محسوب می‌شود. میرزای اصفهانی از شاگردان برجسته سید اسماعیل صدر، آخوند خراسانی، سید محمدکاظم یزدی و میرزای نائینی بوده و اجازه اجتهاد خود را از شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا ضیای عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و سرانجام از میرزای نائینی دریافت کرده است. وی در جست‌وجوی پاسخ و شبهه معرفتی که برایش ایجاد می‌شود، پس از توسلات فراوان به امام عصر (عج) تحولی در عقیده پیدا کرده، به نقد آموزه‌های فلسفه و عرفان اسلامی می‌پردازد و در نهایت مکتبی مشهور به «معارف» را بنیان می‌نهد.



نگاهی به دوره پنج جلدی تاریخ فلسفه اسلامی

## فلسفه اسلامی؛ درک آموزه‌های وحیانی و عقلانی

دوره پنج جلدی «تاریخ فلسفه اسلامی» که پیش از این در دو جلد و به زبان انگلیسی منتشر شده است، اکنون با همکاری گروهی از مترجمان در پنج جلد به زبان فارسی ترجمه شده و در دسترس علاقه‌مندان به این حوزه قرار دارد.

همچنین جلد‌های چهارم و پنجم این مجموعه پنج جلدی به تازگی از سوی انتشارات حکمت عرضه شده است تا این مجموعه کامل شود. آنچه در ادامه می‌آید، نگاهی است به این مجموعه.

نخستین نکته‌ای که برای دریافت رویکرد کلی موجود در مجموعه «تاریخ فلسفه اسلامی» باید همواره در نظر داشت، نگاه کلی‌ای است که از اندیشه‌های هانری کربن و به تبع او دکتر سید حسین نصر سرچشمه می‌گیرد و توسط الیور لیمن نیز تا حدودی پذیرفته شده است. در این نگاه خاص، فلسفه اسلامی را نخست باید بر اساس آموزه‌های وحیانی و عقلانی متوجه شد که ریشه‌های خود را در وحی می‌جوید. این عقلانیت در طول تاریخ در زمینه و بستری رشد کرده که یکسره متفاوت از زمینه‌های اندیشه غربی است و به همین خاطر به هیچ وجه نمی‌توان سیر تطور و جریان تاریخی آن را نیز بر اساس معیارها و مبانی فلسفی غربی فهمید. به همین خاطر پسوند اسلامی برای این فلسفه نه تنها امری منفی در نظر گرفته نمی‌شود بلکه تا حد زیادی نشان‌دهنده همین مبانی متفاوتی است که در کل فلسفه اسلامی جاری است و بدون فهم آن نمی‌توان راهی به درون آن گشود.

بر اساس این رویکرد و ویراستاران اثر، مجموعه‌ای پنج جلدی ارائه کرده‌اند که در هر مجلد از آن بخشی را از این اقیانوس بی‌کران تا حد امکان روشن کرده‌اند. به همین خاطر برای آشنایی هر چند اجزائی با ساختار این مجموعه بهتر است نگاهی هم به هر مجلد به صورت جداگانه بیندازیم تا نشان دهیم که چگونه این تاریخ فلسفه سعی دارد بر اساس هسته مرکزی ذکر شده، خود را در تمامی ساخت‌های ممکن، بسط دهد.

## فلسفه اسلامی: بسترها و پیشینه‌ها

در این مجلد، دکتر نصر در دو مقدمه و دکتر لیمن در یک مقدمه، آنچه را که پیش‌تر ذکر شد به نحوی مبسوط مورد توجه قرار می‌دهند و چارچوب‌های کلی مجموعه را ارائه می‌کنند، اما در ادامه به مهم‌ترین مسائل در شکل‌گیری نگاه کلی به فلسفه

اسلامی بر اساس ریشه‌ها و اندیشه‌های متأثر بر آن می‌پردازند. در این راستا در یک بخش ۱۰ فصلی به زمینه‌های دینی، عقلانی و فرهنگی فلسفه اسلامی پرداخته می‌شود؛ از پیشینه‌های بیرونی‌ای همچون اندیشه‌های یونانی، هندی، ایرانی و سریانی گرفته تا مبانی درونی‌ای چون وحی و منازعات کلامی نزد شیعه و سنی.

اما در بخش دوم از این مجلد به نخستین فیلسوفان اسلامی مشرق زمین پرداخته می‌شود؛ از کندی، فارابی و ابن سینا گرفته تا غزالی. نکته‌ای که در این مجلد جای آن خالی به نظر می‌آید نپرداختن به بحث نهضت ترجمه، چگونگی این نهضت و گسترش و مسائل مرتبط با آن است.

نکته دیگر قابل توجه در این مجلد، ترجمه‌هایی است که بیشتر به قلم استادان درجه اول فلسفه در ایران از متن اصلی شده است؛ امری که در مجلد‌های بعدی، به ویژه مجلد‌های چهارم و پنجم کمتر شاهد آن هستیم.

## پایان فلسفه در غرب عالم اسلام

## و رونق آن در شرق

در این مجلد به سیر اندیشه فلسفی در غرب عالم اسلام پرداخته می‌شود؛ جایی که در آن بزرگانی



چون ابن مسره، ابن باجه، ابن طفیل، ابن سبعین، ابن خلدون و ابن رشد حضور دارند و جایی که از نگاه اغلب مستشرقان، پایان فلسفه اسلامی در آن رقم می‌خورد. اما در راستای مخالفت با همین نگاه است که بلافاصله پس از این فیلسوفان، بخش دوم کتاب به فلسفه و ارتباط آن با سنت عرفانی می‌پردازد تا سرنخ‌هایی را نشان دهد که از راه آن، سنت فلسفه اسلامی نه در غرب عالم اسلام، که در شرق آن و به ویژه در ایران به حیات خود ادامه می‌دهد.

در بخش دوم کتاب، به سنت عرفانی در بستر اندیشه اسلامی نگاهی کلی می‌شود. در ادامه به دو سنت عرفانی - فلسفی مهم اشاره می‌شود که نقش بسیار زیادی در ادامه یافتن جریان فلسفه اسلامی در شرق عالم اسلام دارند، یعنی سنت عرفانی - اشراقی سهروردی و مکتب عرفان نظری ابن عربی.

نکته فرعی اما بسیار آموزنده این بخش، ترجمه محسن جهانگیری از مطالب ویلیام چیتیک درباره ابن عربی است که با توجه به تبحر بی‌نظیر وی در این مبحث و تفوق علمی بر چیتیک در این زمینه، نشان از فروتنی علمی شایان ذکر ایشان دارد.

## فلسفه اسلامی متأخر و فلسفه یهودی

در این بخش از مجموعه، به فلسفه اسلامی متأخر پرداخته می‌شود؛ فلسفه‌ای که در ادامه دو سنت عرفانی اشراقی و مکتب ابن عربی عموماً در ایران و تا حدی نیز در هندوستان پدید آمد و از دید بیشتر مستشرقان پوشیده ماند. در این دوران با فیلسوفان بزرگی چون خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد، ملاصدرا و شاه ولی‌الله، فیلسوف قرن دوازدهم هندوستان روبرو می‌شویم.

نکته مهمی که در این بخش جای آن بسیار خالی است، نپرداختن به مکتب شیراز یعنی فلاسفه‌ای چون صدرالدین دشتکی و دوانی است. همچنین به بزرگانی چون لاهیجی، سبزواری، نوری و دیگر بزرگان فلسفه اسلامی نیز پرداخته نشده است.

در بخش دوم این مجلد، به سنت فلسفی یهودی در جهان فرهنگی اسلام پرداخته شده و تاثیر و تاثر فرهنگ و اندیشه اسلامی در نسبت با سنت یهودی مورد تامل قرار گرفته است. این بخش از کتاب یکی از بدایع این تاریخ فلسفه است و همان طور که پیداست ریشه گرفته از تخصص دیگر ویراستار کتاب یعنی الیور لیمن است. بسیار مهم است که به جریان غنی و زنده فلسفه یهودی که در امتداد جریان فلسفی اسلامی به زندگی خود ادامه می‌دهد و با آن تعامل دارد در این

## یادداشت

سیدعلی علوی نیا



## اعتبار فلسفه اسلامی

دوره پنج جلدی تاریخ فلسفه اسلامی، مجموعه‌ای است که به همت انتشارات انگلیسی راتلج و زیر نظر دکتر نصر و دکتر الیور لیمن نگاشته شده است. این مجموعه که توسط انتشارات حکمت به فارسی برگردانده و منتشر شده، در نهایت اردیبهشت امسال با انتشار دو جلد چهارم و پنجم آن، به صورت کامل در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت. ساختار کتاب بدین صورت است که در هر جلد، مقالات متعددی بر اساس موضوع مورد نظر به قلم اساتید مختلف اسلامی و غربی نگاشته شده و در نهایت نیز به همت گروه مترجمان به فارسی برگردانده شده است.

دکتر نصر می‌گوید این اثر به رغم نقایص موجود در آن، کامل‌ترین تاریخ فلسفه موجود است که با همکاری دانشمندان شرق و غرب تهیه شده و به احتمال قوی به عنوان مرجع اصلی تاریخ فلسفه اسلامی برای یک نسل باقی خواهد ماند. وی بر این باور است که این تاریخ فلسفه برخلاف دیگر تاریخ فلسفه‌های اسلامی که بر اساس تقسیم‌بندی ادوار تاریخی فلسفه غربی‌اند، برخاسته از نگاهی مبتنی بر سیر اندیشه در تمدن اسلامی است. وی در این باره می‌گوید: «در اثری که پیش رو دارید درصدد آن بودیم تا فلسفه اسلامی هم از حیث شکل‌شناسی و هم از حیث تاریخی در ارتباط با وحی اسلامی و دیگر دانش‌های عقلی، در درون تمدن اسلامی و نیز به عنوان واقعیتی فی نفسه یعنی به عنوان یک سنت فلسفی مستقل و در ارتباط با حوزه‌های فکری متقدم، به ویژه حوزه یونانی و نیز تاثیر آن بر ادوار متأخر تفکر غربی مورد مطالعه قرار گیرد». گرچه وضع کنونی پژوهش در این علوم داده‌های کاملی به ایشان نمی‌دهد تا بتوانند به طور کامل این کار را انجام دهند.

وی در این اثر درصدد آن است تا آن‌جا که می‌تواند همه ادوار فلسفه اسلامی را تا زمان حال، مقابل رای کسانی که می‌پندارند سنت فلسفه اسلامی با این رشد به پایان رسیده است، مورد بحث قرار دهد و فضایی تصنعی را که به وسیله برخی از غربیان و نیز بعضی از محققان متجدد مسلمان، بین فلسفه اسلامی و تفکر به اصطلاح جدید اسلامی به وجود آمده است، پر کند.

در نگاه نصر و لیمن می‌توان به این نتیجه رسید که وصف فلسفه اسلامی به قید اسلامی وصفی صحیح‌تر و جامع‌تر از وصف آن به فلسفه عربی است که اکنون در بسیاری حوزه‌های تفکر رواج دارد.

وی بر این امر تاکید دارد که فلسفه اسلامی فلسفه‌ای به معنای حقیقی است و قید اسلامی بودن آن اعتبار فلسفی آن را از بین نمی‌برد که هیچ، باعث می‌شود در این فلسفه تفسیر جدیدی از عقلانیت مطرح می‌شود که همانند تفسیر جدید از عقلانیت در رنسانس، در جای خود قابل تامل است. به نظر وی نمی‌توان با تلقی‌ای از عقل بر اساس خردگرایی فلسفه جدید غربی به فهمی از فلسفه اسلامی رسید. فلسفه اسلامی عمیقاً در جهان بینی وحی قرآنی ریشه دارد و در درون جهانی پذیرفته شده است که در آن وحی به عنوان واقعیت خیره‌کننده عمل می‌کند و نه تنها مبدأ اخلاق، بلکه سرچشمه معرفت است و به همین دلیل نیز می‌توان آن را فلسفه نبوی نامید.

## خلاصه

همان‌طور که ویراستار مجموعه دکتر نصر هم اقرار می‌کند، این مجموعه نقایص زیادی در برخی برهه‌های تاریخی دارد، اما از این نظر که بر اساس رویکردی جدید به فلسفه اسلامی نگاشته شده و برخی زمینه‌ها و تعامل‌ها و نیز مباحث جدید که در دیگر تاریخ فلسفه‌ها نبوده‌اند را بررسی کرده است، می‌توان گفت آغاز بسیار خوبی برای نوشته شدن کتاب‌های جامع‌تری در این زمینه است.



تازه‌های مرکز تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری

# گذار از بهار ایرانی به شناخت هنر

عناوینی چون «کاربرد روش چارلز مورس در مطالعه نشانه‌های معماری شهری» نوشته زهرا اهری و «خاستگاه فلسفی روش‌شناسی در دانش نشانه‌شناسی» نوشته احمد پاکتچی از جمله این تازه‌هاست.

«تاریخ تاریخ هنر، سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر» اثر ورنن هاید ماینر با ترجمه مسعود قاسمیان نیز با همکاری سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و فرهنگستان هنر برای دانشجویان رشته هنر در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی دروس مبنایی تدوین شده است. مترجم در پیشگفتار شرحی نقشه‌وار از تاریخ هنر، با نیت درکی یکپارچه، کلی و فشرده از مباحث تاریخ هنر ارائه داده است و از شکل‌گیری تاریخ هنر در مقام رشته‌ای مستقل در مسیر تاریخ «تاریخ هنر» و تأسیس رشته تاریخ هنر در دانشگاه‌های معتبر غرب بحث می‌کند. وی همچنین سرفصل‌های آموزشی این رشته را در نهادهای رسمی متولی آموزش شرح داده است.

این کتاب، علاوه بر پیش‌گفتارها، دیباچه‌ها، مقدمه، واژه‌نامه‌ها و نمایه‌ها، از سه بخش اصلی با عنوان‌های «آکادمی»، «هنر چیست؟ پاسخ‌هایی از دوران باستان تا قرن هجدهم» و «پیدایش روش و ظهور مدرنیسم در تاریخ هنر» تشکیل شده است.



و آگاهی نیز باشد و در پنج فصل آن، به کشف و آشکارسازی خارق‌العاده و هیجان‌انگیز و در عین حال مناقشه‌برانگیز «چیستی هنر» و علت ارزش آن پرداخته شده است.

همچنین مجموعه‌ای با عنوان «مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر» به کوشش فرهاد ساسانی، شامل مقدمه‌ای از گردآورنده و ۱۰ مقاله با



تجربه‌های هنری می‌پردازد و بر این نکته تأکید دارد که این تجربه‌ها می‌تواند منبعی ارزشمند برای کسب آگاهی درباره خویش و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و نیز جهان قلمداد شود.

«هنر و شناخت» در واقع نوعی بازاندیشی درباره جوهر هنر است و در محتوای آن نشان داده می‌شود که هنر افزون بر لذت، باید به وجود آورنده بصیرت

«مجموعه مقالات همایش بهار ایرانی» به کوشش فاطمه راکعی، «هنر و شناخت» اثر جیمز آیاتنگ با ترجمه هاشم بنای پور، «مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر» به کوشش فرهاد ساسانی و «تاریخ هنر، سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر» اثر ورنن هاید ماینر با ترجمه مسعود قاسمیان تازه‌ترین کتاب‌های منتشر شده توسط مرکز تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری هستند.

«مجموعه مقالات همایش بهار ایرانی» به کوشش دبیر علمی همایش بهار ایرانی و با همکاری مرکز تحقیقات شعر و هنر دانشگاه الزهراء و معاونت علمی پژوهشی فرهنگستان هنر از تازه‌ترین کتاب‌هایی است که منتشر شده است.

این کتاب، علاوه بر پیش‌گفتاری از راکعی و گزیده‌ای از سخنان زنده‌یاد قیصر امین‌پور، شامل ۱۴ مقاله برگزیده از همایش «بهار ایرانی» است که محورهای کلی مورد نظر در آن «تاثیر شعر معاصر بر نقاشی معاصر»، «تاثیر شعر قدیم بر نقاشی سنتی»، نوگرا و معاصر» و «شاعران نقاش، نقاشان شاعر» بوده است.

«هنر و شناخت» اثر جیمز آیاتنگ با ترجمه هاشم بنای پور، بهاره آزاده سهی و ارشیا صدیق نیز از این جمله است که می‌تواند برای دوستداران فلسفه هنر، هنرمندان و منتقدان هنری کارآمد و مفید باشد.

این کتاب به جستجوی دلیل فرح بخش بودن

## توسعه صحافی در گسترش صنعت نشر

ادامه از صفحه ۵

سوری در این باره معتقد است: «اکنون امکانات چاپخانه‌ها ضعیف است و اگر حرکتی انجام می‌شود، علمی و بر اساس دانش روز نیست و کارها اغلب از نمونه‌های خارجی کپی برداری شده است. محصولاتی که در کشور تولید می‌شود، مطابق کار ماشین آلات چاپ، اما با هنر دست و امکانات داخلی است.»

این استاد دانشگاه می‌افزاید: «صحافی ایران یکی از صحافی‌های بنام منطقه خاورمیانه است، اما با نگاهی دقیق و موشکافانه به آن می‌بینم در حالی که در اغلب کشورهای دیگر از صحافی دستی استفاده نمی‌شود، در ایران اغلب این صحافی‌ها با دست انجام می‌شود، گویی دست‌های خالی به جنگ تکنولوژی روز دنیا می‌روند.» وی ادامه می‌دهد: «امروزه صنعت چاپ با دانش روز ارتباطی مستقیم دارد؛ رابطه‌ای که در ایران با وجود نیازهایی که در بخش صنعت و بدنه کارگری وجود دارد، توجهی به آن نمی‌شود و روز به روز موجب ضعف در این بخش شده است. چاپخانه‌دار و صحاف زمانی که با شمارگان پایین کار در کشور روبه‌روست، ترجیح می‌دهد به جای خرید دستگاه چسب زن دیجیتال، از نوع دستی آن استفاده کند و در کوتاه‌ترین زمان بالاترین بازدهی را داشته باشد.»

### دولت، حامی چاپخانه‌داران

مدیرعامل شرکت تعاونی لیتوگرافان نیز به نقش اثرگذار چاپ در تمام محصولات اشاره می‌کند و می‌گوید: «تمام صنایع کشور از هوا - فضا تا اتومبیل‌سازی، سینما، مواد غذایی، بهداشت و ... به نوعی با حوزه چاپ در ارتباطند، اما با این وجود توجهی به این صنعت پر مشتری، اما مهجور نمی‌شود.»

غلامرضا شجاع، توجه مسوولان دولتی به این بخش را یکی از ضروریات این بخش معرفی می‌کند و می‌گوید: «برای این که حرکت در این صنعت پویاتر باشد، مسوولان دولتی باید صنعت چاپ را به عنوان یک دغدغه و فرصت طلایی برای کشور بدانند و در این زمینه تلاش کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «در اغلب کشورهای، مقوله چاپ فقط مختص حوزه کتاب نیست. گردش مالی حوزه نشر در چاپ کتاب در تمام دنیا حدود هفت درصد و ۹۳ درصد دیگر در بخش صنایع تجاری، مطبوعاتی و بسته‌بندی گردش دارد.» تجربه برخی کشورهای موفق در عرصه صنعت چاپ نشان می‌دهد این صنعت با حمایت دولت قوت می‌گیرد و سپس به همت اعضای صنف فعالیت خود را ادامه می‌دهد.

شجاع در این باره می‌گوید: «دولت باید به عنوان حامی در کنار صنعت باشد و در قوانین صنفی کمترین دخالت را داشته باشد. دولت با نگاهی نظارتی - حمایتی در بخش صادرات و واردات ماشین‌های چاپ می‌تواند نقش تاثیرگذاری داشته باشد. در اغلب کشورهای، چاپخانه‌دار پس از خرید یک دستگاه چاپ جدید تا چهار سال از مالیات معاف می‌شود، اما در ایران با خرید یک دستگاه جدید، مالیات خریدار که تولیدکننده است افزایش می‌یابد.»

وی با بیان این که اکنون بسیاری از ماشین‌های چاپخانه‌ها از رده خارج شده‌اند، می‌گوید: «چاپخانه‌دار برای به روز کردن ماشین‌های خود نیازمند وام‌های طولانی مدت و تسهیلات ویژه‌ای است که بانکداران ایرانی از پرداخت آن طفره می‌روند.» شجاع با اشاره به نقش اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی در گسترش صنعت چاپ نیز توضیح می‌دهد: «اکنون باتوجه به اختیارات محدود تعریف شده در کتابچه قانون نظام صنفی، تشکل‌ها نمی‌توانند فعالیت گسترده‌ای داشته باشند و فعالیت آنان فقط محدود به عضوگیری، جلسات مجمع عمومی و یکی دو فعالیت دیگر محدود می‌شود، در حالی که در اغلب کشورهای، اتحادیه‌ها کار سیاست‌گذاری صنف خود را انجام می‌دهند اما در ایران این کار انجام نمی‌شود.»

دانش معاش

**نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران**

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهمند ملت بزرگ ایران و به منظور تقویت حس مسئولیت‌پذیری و بیداری، بصیرت و عدالت، معنویت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه‌آفرینی‌های شورانگیز در حلقه تاریخی پستی، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت میهنی نشان شریک و دخیل می‌دانند و اهمیت روشنگری و دانش‌سازایی و دفاع از آرمان‌های آزادی و فردا در نظر دارند. متناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش‌های تربیتی-آرمان‌های ملی و آزادی خواهی، نظم‌سنجی و عدالت طلبی، حماسه‌ساز، ایثار و سایر تاثیرات عمده‌ی آن در جهان کنونی، آثار ماندگار و شایسته‌ای را به گنجینه‌ی ادبیات نمایشی کشور خواهد افزود.

■ جوایز مسابقه

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهند شد. همچنین جوایز به رسمه یا نمود به‌ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می‌شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست: هر یک ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم: هر یک ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم: هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ گانه شمار:

۱. ارسال آثار از طریق پست، سفارشی تا تاریخ ۸۸/۸/۳۰
۲. اعلام نتایج و اهدای جوایز تا تاریخ ۸۸/۹/۳۰

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

عنوان نمایشنامه: \_\_\_\_\_ نویسنده: \_\_\_\_\_

میزان تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): \_\_\_\_\_ شماره تماس نام خانوادگی: \_\_\_\_\_

نشانی دقیق پستی: \_\_\_\_\_

انجامد: \_\_\_\_\_ با اطلاع کامل از مفاد فراخوان نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارکت فوق را در صحت و درستی ارائه می‌دهم.

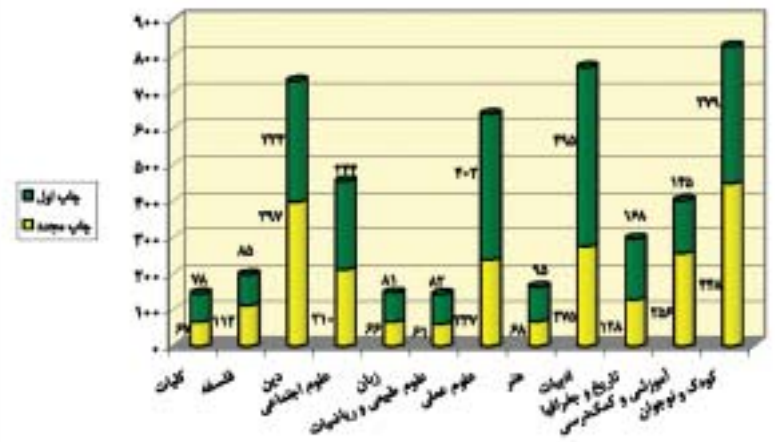
تاریخ و امضاء: \_\_\_\_\_

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و خیابان جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۰۰

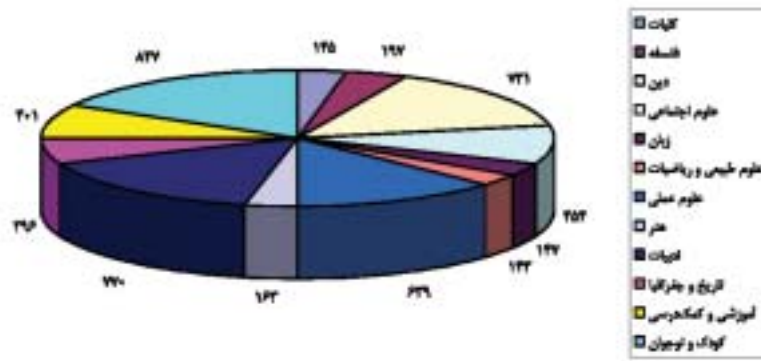
طبقه دوم، پوینت عبومی، صندوق پستی: ۱۳۱۵-۳۱۳

شماره تماس: ۰۲۱۳۲۳۰-۶۶۹۶۶۶۶۶

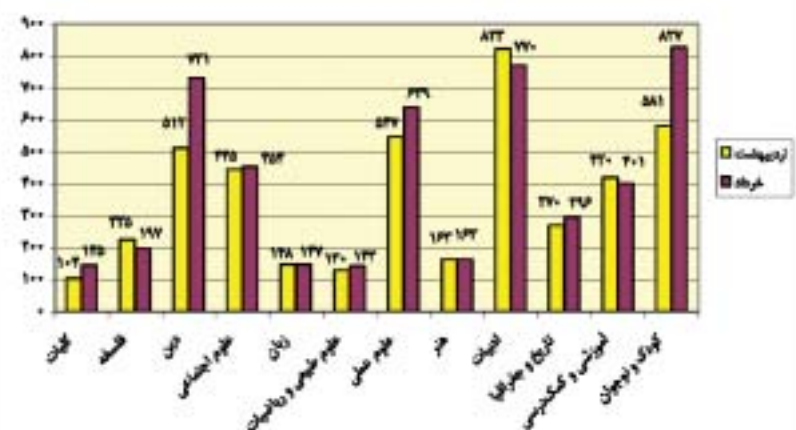
نمودار آماری کتابهای منتشرشده در خرداد ۱۳۸۸ به تفکیک چاپ اول و مجدد



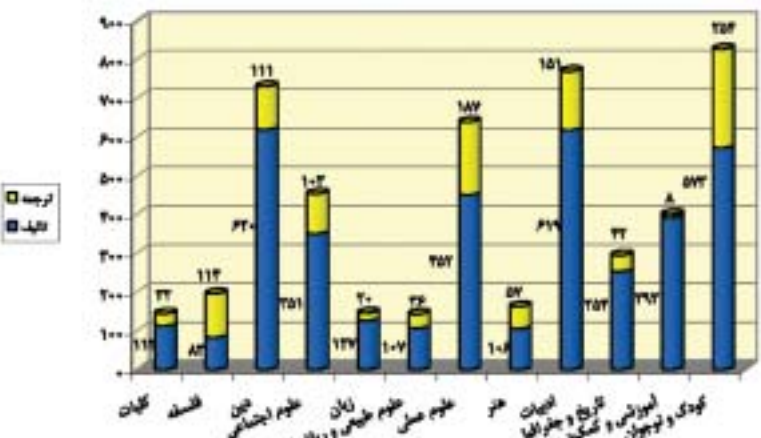
نمودار آماری کتابهای منتشرشده در خرداد ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع (در مجموع ۲۹۱۳ عنوان)



نمودار مقایسه‌ای کتابهای منتشرشده در اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع



نمودار آماری کتابهای منتشرشده در خرداد ۱۳۸۸ به تفکیک تألیف و ترجمه



در هفته گذشته از نظر انتشار کتابهای چاپ اول، انتشارات اسوه با چهار و نه عنوان کتاب پرکارترین ناشر امید پندانه‌آتر با بیست و یک عنوان پرکارترین مولف و رضا ناظمیان با چهار عنوان پرکارترین مترجم بودند.

### گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۱۳۸۸/۲۷ تا چهارشنبه ۱۳۸۸/۲۷، ۹۳۷ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع دین و سپس ادبیات بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات کودک و نوجوان، علوم عملی، تاریخ و جغرافیا و سایر موضوعات قرار دارند.

### گزارش آماری کتابهای منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تألیف*	ترجمه	چاپ اول	چاپ مجدد	تهران	شهرستان	اسرارگان متوسط
۱	کلیات	۱۸	۱۱	۷	۱۱	۷	۱۶	۲	۲۱۳۲
۲	فلسفه و روانشناسی	۲۸	۱۸	۱۷	۱۳	۲۲	۲۹	۶	۲۱۷۴
۳	دین	۱۸۷	۱۵۸	۲۹	۹۸	۸۹	۱۲۷	۶۰	۱۹۳۱۸
۴	علوم اجتماعی	۷۶	۵۹	۱۷	۴۲	۲۳	۷۴	۲	۲۰۸۵
۵	زبان	۲۶	۲۶	۰	۱۹	۷	۲۲	۴	۲۳۱۳
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۱۹	۱۲	۷	۱۰	۹	۱۶	۲	۲۳۲۴
۷	علوم عملی	۱۰۵	۷۶	۲۹	۷۱	۲۴	۸۸	۱۷	۲۱۰۰
۸	هنر	۲۸	۱۸	۷	۱۴	۱۱	۲۵	۰	۱۸۵۴
۹	ادبیات	۱۹۱	۱۳۶	۲۵	۸۹	۷۲	۱۲۸	۲۳	۲۵۲۱
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۹۹	۹۸	۱	۶۵	۲۴	۸۴	۱۵	۲۹۹۵
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۴۹	۴۹	۰	۱۹	۳۰	۴۵	۴	۲۳۸۸
۱۲	کودک و نوجوان	۱۳۷	۹۴	۴۸	۴۸	۲۹	۱۲۰	۷	۲۸۶۵
جمع بندی		۹۳۷	۷۵۵	۱۸۲	۵۱۰	۴۲۷	۹۹۴	۱۴۳	۴۱۹۷

\* تألیف: به نامی از نویسنده یا مترجم که ترجمه نشده باشد. آثری چون ترجمه، تالیف، گردآوری، تالیف، شعر و غیره را شامل نمی‌شود.  
\*\* منظور از موضوع آموزشی و کمک‌درسی، کلیه کتابهایی است که به صورت مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام طیف تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان می‌روند و معلمان آنها دانش‌آموزان از پیش‌دانشی تا دبیرستان هستند.

### شاخص‌های آماری کتابهای کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
پرکارترین کتاب	۲۳۰۰۰۰ ریال	۳۵۵ قسمه برای سبدهای سال، مؤلفان شیک، ناشر: فدایی، کتابهای بخشیه، چاپ ۳۰۰۰ ج
بیشترین صفحه	۷۹۸ صفحه	۳
بیشترین قیمت چاپ	۲۸ مرتبه	دبایب نساوی (آرانبه‌های ساده برای کودکان و نوجوانان)، ناشر: هستان، ۸۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۴۷۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰ نسخه	حضرت سلیمان (ع) و نکت تقوی، عزت نستایی، ناشر: دوست مهریان، چاپ ۱۳۰۶، ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	آموزش کامپیوتر (۱)، هاله سفلی، ناشر: بهمن آرا، چاپ ۱۶۰۶، ۶۵۰۰ ریال

### شاخص‌های آماری کتابهای بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۲۰۰۰ ریال	ویدئو، ناشر: برفه، چاپ ۳۲۰۷، ۲۰۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۳۰۰۰۰۰ ریال	اطلس رنگی آسیب‌شناسی چشم، مؤلفان رضایی کوی، ناشر: اناوری، چاپ ۲۱۰۰۱، ۲۱۰۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۷۸ مرتبه	قانون تجارت با آخرین اصلاحات و الحاقات همراه با مواد ۲۱۱ الی ۹۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳، قانون تجارت الکترونیک، آیین‌نامه اصلاحی ثبت شرکتها ... ناشر: بهار، ۳۵۲ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۳۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۵۰۰۰۰۰ نسخه	زیارت‌نامه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، ناشر: اسوه، چاپ ۳۶۰۱، ۳۶۰۰۰ نسخه
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	سوره ابراهیم، چت، مکاتباتی، رعنا باحصبی، ناشر: رعنا باحصبی، چاپ ۱۰۱، ۳۴ صفحه، ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۵۸۶ صفحه	کتابخانه‌های دانش، سیدمحمد اشتریان، ناشر: مجد، چاپ ۱۴، ۲۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۲ صفحه	سخن پار (۶) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران کن از مردم آذربایجان شرقی (۱۳۸۸/۱۱/۲۹)، ناشر: اسوه، چاپ ۱، ۵۰۰۰ نسخه

### شاخص‌های آماری کتابهای کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۱۰۰۰۰ ریال	کتابخانه نکت زبان انگلیسی دوم راهنمایی، مجدجواد توکلی، ناشر: لوح و قلم، چاپ ۱۲۸۰۲، ۳۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۲۰۰۰۰ ریال	زبان عمومی (۱ و ۲) آمیخته‌های صوتی و ویدئو گروه فنی - مهندسی شامل: شرح درسی، نکته، مثال‌های حل‌شده، سیدجواد نوحی، ناشر: علوم فرهیخته، چاپ ۳۳۰۳، ۳۳۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۳۹ مرتبه	مهارت‌های زندگی، سال سوم دوره راهنمایی تحصیلی، عاطفه شیبات‌فکوری، ناشر: سازمان بهاریستی کشور، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری، ۱۰۴ صفحه
بیشترین تیراژ	۲۰۰۰۰ نسخه	۳
کمترین شمارگان	۷۰۰ نسخه	مرور جامع شیمی، ویژه آزمون کارشناسی ارشد وزارت بهداشت و تربیت مدرس، بهداشت حرفه‌ای، سوسن‌نسی، حشره‌شناسی پزشکی ... ناشر: جامعه‌نگار، چاپ ۱، ۲۴۸ صفحه، ۷۹۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتابهای بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان		تعداد کتابهای است
		مؤلف*	مترجم	
۴۵۳	۱۱۲	۵۷۷	۲۹	۷

\* مؤلف: امای پدیدآورگان باشد نویسنده، شاعر، گردآورنده، مترجم و ... به جز مترجم.

گزارشی از دوره‌های آموزشی اتحادیه ناشران و کتابفروشان

# پیوند دوباره آموزش و نشر

در تاریخ، فرهنگ و پیشینه جهانیان، به ویژه مردم ایران زمین دارد، پس از افت و خیزهای بسیار با برنامه‌ریزی در بخش‌های مختلف آموزشی اکنون در آستانه تحول‌های چشمگیر است.

دبیر اجرایی این دوره‌ها درباره اقدامات پیش‌بینی شده کمیسیون آموزش می‌گوید: «در راستای ارتقای دانش و مهارت فنی و حرفه‌ای دست‌اندرکاران صنعت نشر و آموزش به عنوان مهم‌ترین نیاز این صنعت، کمیسیون آموزشی در دوره دو ساله فعالیت خود با دعوت از کارشناسان و صاحب‌نظران، همواره به مطالعه، بررسی و بحث و گفت‌وگو درباره فعالیت‌ها و عوامل گوناگون موثر بر صنعت نشر پرداخته است.»

سید مهدی صادقی نژاد این گونه ادامه می‌دهد: «در خلال این جلسات، مباحثی نظیر تولید، توزیع و فروش، عوامل انسانی، محیط کار، روابط اداری و مالی و تعاملات بین آنها، بررسی پیشینه نشر کتاب، هویت فرهنگی، مسئولیت‌های ناشر و ... را گنجانده‌ایم.»

وی برگزاری همایش‌های مرتبط با حوزه نشر را یکی دیگر از اقدامات اتحادیه در این زمینه معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد: «تاکنون سه همایش قوانین کار و آیین‌نامه انضباطی، کاغذ و اهمیت و نقش آن در تولید کتاب و بررسی جنبه‌های گوناگون تعاملات بین ناشران، موزعان و کتابفروشان از سوی کمیسیون آموزش برگزار شده و برپایی دو همایش دیگر در دستور کار اتحادیه قرار دارد.»

لزوم ایفای نقش کنند.» اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به عنوان یک نهاد صنفی به دلیل مسئولیت، وظیفه و رسالتی که در این زمینه برعهده دارد، ایفای نقش می‌کند و از طریق فعال کردن کمیسیون آموزش، گام‌های مفیدی را برداشته است. فروغی با اشاره به وظایف کمیسیون در این زمینه می‌افزاید: «اگرچه این دوره هانمی‌تواند به مثابه داروی شفابخش برای تمام ضعف‌ها و کاستی‌های نشر نه چندان پرونوکونی باشند اما می‌توان آن را گامی استوار برای پیمودن راهی طولانی دانست.»

وی همچنین به اهداف برگزاری این دوره‌ها از سوی کمیسیون اشاره کرده و می‌گوید: «اجرای دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و فشرده برای کارکنان صنعت نشر با هدف آشنا کردن فراگیران با موضوع‌های مختلف مرتبط با نشر و تربیت نیروهای کاری برتر پیش‌بینی شده و در تلاشیم تا بستر مناسبی برای تولید مواد آموزشی مورد نیاز افراد در دوره‌های غیرحضور از طریق تجارب حاصل از برگزاری این دوره‌ها در سطح کشور فراهم شود.»

## رنگارنگ آموزش در اتحادیه ناشران

نیاز روزافزون جامعه جهانی به انتقال میراث تمدنی و فرهنگی و گشایش دریچه‌های تازه در علوم و فنون، توجه به نقش ارتباطات و رسانه‌ها را به طور اعم و مسئولیت و رسالت صنعت نشر را به طور اخص روشن می‌کند. صنعت نشر که قدمتی دیرینه



دوره‌ها نیز که خود یک ناشر است، می‌گوید: «خوشبختانه مواد آموزشی که برای این دوره‌ها پیش‌بینی شده‌اند، شامل نکات آموزشی تجربی و تئوری پیشکسوتان این حوزه‌اند که برای کارآموزان مفید و جذاب خواهد بود.»

وی ادامه می‌دهد: «در میان این مواد آموزشی، مبحث مدیریت استراتژیک یکی از مباحث جذاب و کاربردی دوره بود که داوطلبان توانستند بیشترین بهره علمی و آموزشی را از آن ببرند.» حمید وکیل‌باشی نیز که ۱۵ سال است مدیریت یک موسسه توزیع و پخش کتاب را برعهده دارد، از دیگر شرکت‌کنندگان این دوره است. وی از فشرده بودن این دوره به عنوان ضعف آن نام می‌برد و می‌گوید: «مباحثی که در این دوره‌ها بیان می‌شوند، خیلی فشرده و محدودند و نمی‌توانند مباحث کلی‌تر را دربرگیرند به همین دلیل معتقدم باید برخی مباحث تجربی و عملی، گسترده‌تر و در مدت زمان بیشتری ادامه پیدا کند.»

## نیروهای ماهر در بدنه نشر

تمرکز بر بخش آموزش یکی از اصول اولیه مدیریت‌های نوین در مدیران موسسات و نگاه‌های اقتصادی - فرهنگی جهان است. رئیس کمیسیون آموزش اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در این باره می‌گوید: «اکنون تمرکز بر آموزش نیروی انسانی به عنوان یکی از عناصر و مولفه‌های توسعه مورد توجه و تاکید دست‌اندرکاران اتحادیه قرار گرفته است. کارکنان ارزشمندترین سرمایه یک موسسه‌اند و هرگونه اقدامی که بتواند باعث افزایش کارآمدی آنان باشد، باید سرلوحه تصمیم‌گیری مدیران باشد.» فتح‌الله فروغی ادامه می‌دهد: «اگر برای آموزش و افزایش بهره‌وری کارکنان یک موسسه که به عنوان شرکای تجاری مدیران تلقی می‌شوند، هزینه صرف شود، نوعی سرمایه‌گذاری جدید محسوب و اقدام موثری برای کسب درآمد بیشتر تلقی می‌شود.»

وی با اشاره به این که آموزش در حین کار یکی از بارزترین ابزارهای تقویت و کارآمدی کارکنان موسسات نشر، پخش و فروش کتاب است، می‌گوید: «نزدیک شدن جنبه‌های نظری و عملی آموزش و کار، به افزایش بهره‌وری کارمندان در حوزه نشر منجر می‌شود و این گونه آموزش‌ها که باید براساس آموزش‌های تعامل محور استوار باشند، در نهایت جنبه‌هایی از خلاقیت کاری را به همراه خواهد داشت که می‌تواند زمینه‌ساز تربیت نیروهای ماهری باشد که می‌توانند به عنوان بازوهای مدیریتی در مواقع

ضرورت برگزاری دوره‌های آموزش عمومی و تخصصی برای دست‌اندرکاران حوزه نشر، از جمله موضوعاتی است که در کمتر دوره‌ای به آن پرداخته شده است. اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در یک سال اخیر با استفاده از ظرفیت‌های کمیسیون آموزشی و تجارب ناشران و کتابفروشان قدیمی و با تجربه توانسته برای اعضای خود دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برگزار کند.

براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، تاکنون ۱۵ دوره آموزشی برای کتابفروشان و ناشران علاقه‌مند به موضوع چاپ و نشر برگزار شده و قرار است تا پایان سال نیز ادامه داشته باشد.

## اتصال به زنجیره نشر و آموزش

رضا یکرنگیان عضو کمیسیون آموزش اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران با اشاره به برگزاری ۱۵ دوره آموزش عمومی نشر در کشور، می‌گوید: «پس از تشکیل دوره جدید کمیسیون آموزش دو سال اخیر، تلاش شده دوره‌های آموزشی با جدیت بیشتری از سوی دست‌اندرکاران و مسئولان برای پیوند دوباره نشر و آموزش پیگیری شود.»

وی ادامه می‌دهد: «تولید فرهنگی عبارت است از طی مراحل انتخاب اثر، کارشناسی، ویرایش، نسخه برداری، امور فنی و هنری، نمایه‌سازی، حروفچینی و نمونه‌خوانی که از انتخاب اثر تا تحویل آن به لیتوگرافی خلاصه می‌شود.»

یکرنگیان همچنین درباره برنامه‌های پیش‌بینی شده برای این دوره‌ها می‌افزاید: «عمده مسائل حوزه چاپ و نشر به صورت کارگاهی در این دوره‌ها به داوطلبان ارائه می‌شود و آنان با تاریخچه چاپ و نشر کتاب در ایران آشنا می‌شوند.»

وی با بیان این که قرار است در دوره‌های آتی، دوره‌های آموزشی ویرایش کتاب نیز از سوی کمیسیون آموزش اتحادیه برگزار شود، می‌گوید: «اعضای اتحادیه در تلاشند آموزش را به عنوان پدیده‌ای فراگیر در حوزه نشر گسترش دهند تا نگاه به مقوله آموزش مثبت و دقیق‌تر باشد.»

یکرنگیان به کمرنگ بودن حضور نیروهای متخصص در حوزه نشر کشور اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «با توجه به این که کار نشر اقدام فرهنگی مثبتی در هر کشور محسوب می‌شود، اعضای این حوزه نیز باید دانسته‌ها و آموزه‌های خود را در این حوزه، هم‌زمان با فناوری‌های روز گسترش دهند.»

## دوره‌ای برای خودسازی نشر

صالح اسدی مؤلف و ناشر که نخستین بار است در این دوره‌ها شرکت می‌کند، درباره دلایل حضور خود می‌گوید: «مدت زمان زیادی نیست که در حوزه نشر کتاب فعالیت می‌کنم، اما در این مدت همیشه به دنبال کسب اطلاعات بیشتر در این باره بوده‌ام.»

وی ادامه می‌دهد: «پس از این که در این دوره‌ها ثبت نام کردم، توانستم به صورت تجربی با آموزش‌های مختلف صنعت نشر آشنا شوم و از تجربیات ارزشمند استادان با تجربه این حوزه بهره کافی ببرم. از جمله دروسی که بیشترین بهره را از آنها بردم، برنامه‌ریزی، مدیریت و تاریخچه نشر کتاب ایران بود.»

اسدی همچنین به جای خالی مطالب کاربردی اشاره می‌کند و می‌گوید: «مطالب کاربردی و تجربی، کمترین بخش آموزش این دوره را شامل می‌شوند. اغلب مواد آموزشی، تئوری‌اند در حالی که می‌توان با افزایش ساعت و روزهای برگزاری دوره‌ها، به غنی‌تر شدن محتوا اهتمام ورزید.»

فائزه سادات میرحجازی دیگر شرکت‌کننده این

خانه کتاب

### فراخوان

**سومین دوره جایزه گام اول**

به همت خانه کتاب برگزار می‌شود

این جایزه با هدف کشف استعدادها و تشویق هرچه بیشتر پدیدآورندگانی است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده‌اند.

عوضه‌های مورد ارزیابی هیأت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را در سال ۱۳۸۷ در زمینه‌های یاد شده به چاپ رسانده‌اند، دعوت می‌شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان تیر ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۸۰ طبقه پنجم، ۴، دبیرخانه جایزه گام اول. تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹ - دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸



آلیس مونرو توانست در حالی جایزه بوکر سال ۲۰۰۹ را از آن خود کند که نویسنده‌گانی چون ماریو بارگاس یوسا، ای.ال. دکتروف، جویس کرول اوتس و آنتونیو تابوکی در فهرست نامزدهای دریافت این جایزه بودند. این نویسنده ۷۷ ساله کانادایی، پیش از دریافت این جایزه نیز بارها مورد تمجید نویسندگان مشهور جهان قرار گرفت. جایزه ادبی بوکر هر دو سال یک بار علاوه بر جایزه سالانه کتاب خود، جایزه‌ای بین‌المللی برگزار می‌کند و آن را نه به کتاب خاصی از یک نویسنده، بلکه به خودنویسنده و مجموعه آثارش هدیه می‌دهد. بوکر جایزه ادبی نویسندگان را از سال ۲۰۰۵ به راه انداخته است و اسماعیل کاداره نویسنده پراوازه آلبانیایی و «چینوآ-آچه» به نویسنده نیجریه‌ای در کنار آلیس مونرو برنده امسال بوکر، برندگان دو سال گذشته و چهار سال گذشته این جایزه معتبر انگلیسی‌اند. آثاری چون «بعدها» ترجمه علی قانع از مونرو به زبان فارسی قابل دسترس است. شقایق قندهاری نیز کتابی از وی را در دست ترجمه دارد، همچنین قرار است مجموعه داستان «شادی بسیار زیاد» را نیز منتشر کند.

### گفت و گو با آلیس مونرو: برنده جایزه بوکر ۲۰۰۹

# دوست ندارم چخوف باشم

چه نویسنده‌ای بیشترین تاثیر را بر شما گذاشته است و شما چه نوع کتاب‌هایی را برای خواندن ترجیح می‌دهید؟

در روزگار جوانی آثاری از فرانک اوکانر، ادور وولتی، کارسون مک کالرز، کاترین آن پورتر و جیمز اگی را می‌خواندم و دوست داشتم. بعدها آثار جان آپدایک، جویس کرول اوتس، پیترو تولر و به‌طور ویژه نوشته‌های ویلیام مسکول را خواندم. بعدتر آثار ویلیام ترور، ادنا اوبراین و ریچارد فورد را خواندم. همه این نویسندگان بر من تاثیر گذاشته‌اند. به جز اینهایی که نام بردم می‌توان از نویسندگان بسیاری نام برد که آثارشان قابل خواندن‌اند و من دوستشان دارم. آخرین کشف من به نویسنده‌ای آلمانی به نام کیس نوت بووم مربوط می‌شود. البته باید اضافه کنم که من از نام بردن نویسندگانی که دوستشان دارم متنفرم. چون همیشه اسم‌هایی هستند که فراموش می‌شوند اما بسیار تاثیر گذار بوده‌اند.

سیتا اوزیک از تو به عنوان چخوف کانادا نام برده است. این مقایسه چه حسی به تو می‌دهد؟

با افتخار می‌گویم که علاقه فراوانی به بازخوانی آثار چخوف دارم، اما این نکته مورد علاقه من نیست که از نام چخوف به عنوان نردبانی برای مطرح کردن اسم استفاده کنم، چرا که چخوف بر همه ما تاثیر گذاشته و همه مادیون اویم. درست مثل شکسپیر که نوشته‌هایش مانند چراغی پیش روی ما قرار گرفت و چشم نوشتن ما را روشن کرد. نه، من دوست ندارم با کسی مقایسه شوم.

منتقدان بسیاری، شما را به دلیل ورود زندگی معاصر به داستان‌هایتان ستایش کرده‌اند. چطور این نکته را کسب کرده‌اید؟

همواره در تلاشم تا شخصیت‌های داستانم را خیلی عمیق و دقیق بشناسم. اینکه او چه لباسی می‌پوشد، به چه مدرسه‌ای رفته است و... اما می‌دانم که قبل از آن، فاصله زمانی‌ای که در داستان آمده برای شخصیت‌هایم چه روی داده و بعد از آن نیز برایشان چه روی خواهد داد. من نمی‌توانم تنها زمان حال شخصیت‌های داستانم را ببینم. همچنین، من فرض را بر این می‌گیرم که تاجایی که ممکن است، اطلاعاتی را که در مورد شخصیت‌هایم دارم، باید کامل کنم.

همین؟  
به‌طور قطع از تجربیاتم استفاده می‌کنم، به‌طور قطع تحقیق می‌کنم و به‌طور قطع سعی می‌کنم شخصیت‌هایی مشابه شخصیت‌های داستان‌هایم بیایم و با آنها حرف بزنم.

داستانی هست که بیشتر دوستش داشته باشی؟  
همیشه دوست دارم داستان‌هایم را در بهترین شرایط بنویسم و چاپ کنم. از کتاب‌های اخیرم، دو قصه «نجات را بر» و «مادر من: رویا» را بیشتر دوست دارم. در میان کارهای قلبی هم «پیشرفت عشق» و «شام روزگار» را دوست دارم و چند داستان دیگر.

و این که اگر دوباره به دنیا بیایی، باز هم نویسنده خواهی شد؟

به‌طور قطع نه. اما نه به دلیل آن که نوشتن کار کسل‌کننده‌ای است، نه. من دوست دارم اگر بخواهم دوباره به دنیا بیایم، کاری دیگر را تجربه کنم. چون یک بار نویسنده بوده‌ام. پس بدم نمی‌آید که شغلی دیگر یا حتی سرزمینی دیگر را تجربه کنم.



من نوشتن را در نخستین دقایقی که از خواب بیدار می‌شوم شروع می‌کنم. در ابتدا قهوه‌ای می‌نوشم و سپس به مدت دو تا سه ساعت می‌نویسم تا وارد دنیایی واقعی شوم.

چه نصیحتی برای نویسندگان جوان دارید؟  
نصیحت برای نویسندگان جوان ممکن نیست،

چون آنها شیوه‌های متفاوت و منحصر به فرد خود را دارند. شما ممکن است بگویید یا توصیه کنید که: «بخوان»، اما خواندن زیادی می‌تواند کار نویسنده را مختل کند. یابگویید: «نخوان، فکر نکن و فقط بنویس». اما این دستورالعمل هم بیهوده خواهد بود. شما برای آن که نویسنده شوی، باید خیلی خیلی بنویسی و بخوانی و آنقدر اشتباه کنی تا روزی متوجه شوی که کار مورد نظرت را نوشته‌ای. شما به مرور بهتر و بهتر می‌شوی. چون خودت این‌طور خواسته‌ای و اساساً به نظر من نصیحتی ویژه در این مورد وجود ندارد.

اتفاق می‌افتد؟ من نمی‌دانم. همه چیز در حین نوشتن داستان شکل می‌گیرد.

سرگرمی‌ات هنگام نوشتن چیست؟ آیا با کامپیوتر می‌نویسی؟ هر روز می‌نویسی؟ شب می‌نویسی یا روز؟ چقدر طول می‌کشد که یک داستان را تمام کنی؟

در طول یک سال گذشته با کامپیوتر نوشته‌ام. من خیلی دیر می‌توانم خودم را با مسائل تکنولوژیک همراه کنم. کمی پیش، نوشتن با کیبورد کامپیوتر را شروع کردم و کمی طول کشید تا توانستم با این صفحه کلید بنویسم. اما در مورد سوال مرتبط با داستان‌های ممکن است نوشتن یک داستان دو ماه طول بکشد تا بتوان آن را برای خواندن به کسی ارائه کرد. اما این مسئله به ندرت اتفاق می‌افتد. اغلب شش تا هشت ماه طول می‌کشد که من یک داستان را به پایان برسم. در طول این ماه‌ها هم بارها داستان را تغییر می‌دهم.

چرا به سمت داستان کوتاه کشیده شدی؟ چه نکته‌ای در داستان کوتاه وجود دارد که نمی‌توان آن را در رمان یافت؟

ذهن من با تولید داستان کوتاه بیشتر جور درمی‌آید و نمی‌توانم خود را با قواعد تولید رمان منطبق کنم. با این همه، خودم را برای نوشتن محدود نمی‌کنم و بیشتر از آن که به فرم نوشتن یا قالب آن ببنیدم، ترجیح می‌دهم به روایت داستانم فکر کنم. اگر از من بپرسید که غایت هدفم از نوشتن چیست، در پاسخ خواهم گفت که برای روایت داستان می‌نویسم. طبق یک الگوی قدیمی برای من مهم است که برای یک شخصیت داستانی چه اتفاقی می‌افتد یا قرار است چه اتفاق بیفتد. اینکه نقطه اوج داستان چه باشد، چگونه آشنایی زدایی در آن انجام شود و در نهایت خاتمه یابد، برای من بسیار مهم است. من دوست دارم خواننده از زمانی که شروع به خواندن می‌کند، همواره با تحیر خواندن را ادامه دهد، نه آن که قرار است چه اتفاقی بیفتد و این اتفاق چگونه قرار است رخ دهد. به همین دلیل است که فرم داستان کوتاه برای من ایده‌ال است.

سوژه‌هایت برای نوشتن داستان را چگونه به دست می‌آوری؟ یا شخصیت‌های داستانی‌ات را چگونه خلق می‌کنی؟

گاهی با توجه به حافظه‌ای، داستانی را نقل می‌کنم، خاطره‌ای که مدت‌ها از روی داندش گذشته و بسیار کم‌رنگ شده است. اما این خاطره چنان در روند نوشته شدن دچار تغییر می‌شود که در انتها شباهتی به اصل اتفاق ندارد. فرض کنید شما در خاطره‌تان ماجرای زنی را دارید که وسایلش را در قطار جا گذاشته است و به همین دلیل، سراغ قطار می‌رود. او در این شرایط به نوعی گم می‌شود و خانواده‌اش نگرانش می‌شوند. در همین شرایط هم شوهرش متوجه می‌شود تا چه اندازه همسرش را دوست داشته است. چطور این

## یادداشتی از مارگریت اتوود درباره مونرو

تمام ویژگی‌های آلیس مونرو به عنوان یکی از مهم‌ترین نویسندگان انگلیسی‌زبان عصر ما یک شبه به دست نیامده است. او از سال‌های ۱۹۶۰ دست به قلم شده و نخستین مجموعه‌اش را با نام «قص سایه‌های شاد» در سال ۱۹۶۸ منتشر کرده است. آخرین مجموعه داستانش نیز با نام «فرار» در سال ۲۰۰۴ منتشر شده و مورد توجه رسانه‌های ادبی قرار گرفته است. (این مجموعه به همت مؤده دقیقی به فارسی نیز ترجمه شده است) مونرو در مجموع، ده مجموعه داستان منتشر کرده است که هر یک به‌طور متوسط شامل ۹ تا ۱۰ داستان کوتاه است. هر چند داستان‌های مونرو مرتباً از سال ۱۹۷۰ در مجله نیویورکر منتشر شده‌اند اما این روزها جامعه ادبی جهان دیر سراغ داستان‌های این نویسنده می‌رود. بخشی از این بی‌توجهی را می‌توان به فرم داستان‌های مونرو مرتبط دانست، چرا که او داستان‌نویس است یا به عبارتی، آن‌طور که در گذشته‌ها می‌گفتیم: قصه‌نویس یا آن‌طور که امروز رایج‌تر است: داستان کوتاه‌نویس. نویسندگان آمریکایی، انگلیسی و کانادایی تراز اول زیادی بوده‌اند که این فرم را تجربه کرده‌اند، یعنی داستان کوتاه نوشته‌اند اما هنوز خیلی‌ها به اشتباه بر این باورند که هر چه طول یک داستان بیشتر باشد، اهمیت آن بیشتر خواهد شد.

در این میان، آلیس مونرو جزو نویسندگانی است که هر از گاهی خارج از کانادا مورد توجه قرار می‌گیرد. انگار که ناگهان از درون کیک بزرگی بیرون بچهد و بگوید: «سلام!». مدت زمانی می‌گذرد و او سکوت می‌کند اما دوباره ناگهان پیدایش می‌شود و این کار را تکرار می‌کند و باز کل این ماجرا تکرار می‌شود. مخاطبان ادبیات، نام آلیس مونرو را همه جا نمی‌بینند و از همه کس نمی‌شنوند. گاهی تصادفاً با داستان‌هایش برخورد می‌کنند و ناگهان شگفت‌زده می‌شوند و با خود می‌گویند: «آلیس مونرو اهل کدام کشور است؟ چرا قبلاً از کسی اسمش را نشنیده بودم؟ چنین داستان‌نویس قهاری یک دفعه از کجا پیدایش شده؟» اما واقعیت این است که مونرو یک دفعه و از هیچ پیدایش نشده است. مونرو در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ در این منطقه بزرگ شده و در آن زمان، اگر کسی در شهر کوچک منطقه جنوب غربی آنتاریو حرف از نویسندگی می‌زد، مضحکه خاص و عام می‌شد. حتی در سال‌های پنجاه و شصت نیز ناشران اندکی در کانادا وجود داشتند و بیشترشان ناشران کتب درسی بودند و آنچه به نام ادبیات به کانادا می‌آمد، از بریتانیا و آمریکا وارد می‌شد. با این وجود چند گروه پیش‌پا افتاده تئاتر دبیرستانی با اجراهای معمولی در این شهر دیده می‌شدند. در آن زمان، رادیو رسانه غالب بود. در سال شصت، مونرو کارش را در شبکه سی بی سی و با شرکت در برنامه گلچین ادبی شروع کرد؛ برنامه‌ای که رابرت ویور تهیه‌کننده‌اش بود.

اما در این زمان، اندکی از نویسندگان کانادا در جهان موفق شده بودند و مخاطبان جهانی داشتند و اگر کسی اشتیاق نویسندگی داشت و دلش می‌خواست افراد زیادی در جهان آثارش را بخوانند، سرخورده می‌شد چون هنر در آن منطقه چیز معقولی به حساب نمی‌آمد و هنرمندان زیادی وجود نداشتند و در نهایت، آن فرد مجبور به ترک کشور می‌شد. در آن زمان، همه می‌دانستند که از نویسندگی نمی‌شود چرخ زندگی را چرخاند و پولی به دست آورد. بسیاری از داستان‌های مونرو یکدیگر را در برمی‌گیرند و مکمل یکدیگرند اما گاهی هم این‌طور نیست. داستان‌های مونرو پر از سوال‌اند، اما در عین حال این داستان‌ها درون خود چون درون هر انسانی، گنج خطرناکی پنهان ساخته‌اند که مانند یاقوتی است که نمی‌شود رویش قیمت گذاشت و آن گنج، چیزی نیست جز خواسته قلبی آدم‌ها.



## روایت اول شخص

### «محاكمه» کافکا در نیمه راه

■ علی اصغر حداد، مترجم زبان آلمانی



این روزها ترجمه رمان «محاكمه» اثر فرانتس کافکا را در دست دارم. کار به نیمه رسیده و با پایان ترجمه آن، ترجمه من از تمامی آثار کافکا به پایان می رسد. فکر می کنم این کتاب را نیز مانند سایر ترجمه هایم از آثار کافکا برای انتشار به نشر ماهی بسپارم.

بارها از من پرسیده شده که علت ترجمه دوباره آثار کافکا چه بوده یا اینکه چه ضرورتی را برای این امر دیده ام؟ پاسخ من نیز همواره همین است که آثار کافکا را دوباره ترجمه نکرده ام، بلکه این آثار برای نخستین بار در ایران از زبان اصلی یعنی آلمانی ترجمه شده است. تمامی ترجمه های ارائه شده از کتاب های کافکا پیش تر از نسخه های واسطه زبان انگلیسی یا فرانسه بوده که بی شک دچار کاستی های بسیار زیادی هستند.

ترجمه دو کتاب دیگر با عنوان های «رویا» و «بازی در سپیده دم» اثر اوتور شنیستلر هم به پایان رسیده و قرار است توسط نشر نیلوفر منتشر شود. هر دوی آنها مقدمه و موخره ای دارند که توسط خودم نوشته شده است. در مقدمه به معرفی نویسنده و ویژگی های آثار او پرداخته ام و در موخره هر دو داستان را نقد و بررسی کرده ام.

وقایع این دو داستان در سال های ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ یعنی دورانی که اوج دوران روانکاوای انسان ها به شمار می رود رخ داده است. در همین حین نظریه فروید مطرح می شود، از سوی دیگر جو تلاطمی حاکم است، جنگ جهانی اول پایان یافته و جنگ جهانی دوم در حال آغاز است و ... که با توجه به این ویژگی ها نویسنده شخصیت های داستانش را نیز به طور کامل روانکاوای می کند.

## ارواح مرطوب جنگی

■ محسن حکیم معانی: نویسنده

به تازگی باز آفرینی «قابوس نامه» را در مجموعه «یکی بود یکی نبود» که قرار است توسط نشر پارسه منتشر شود، به پایان رسانده ام که در مرحله تصویرگری است. همچنین، نخستین مجموعه داستانم با عنوان «ارواح مرطوب جنگلی» شامل ۱۴ داستان کوتاه را برای چاپ به انتشارات قفتوس سپرده ام. این کتاب گزیده ای از داستان هایی است که در زمان های متفاوت نوشته ام و آنهایی را که به گمانم قابلیت ارزش ارائه داشته اند، برای این مجموعه برگزیدم.

به دلیل اینکه این داستان ها بازه های زمانی گوناگونی را شامل می شوند، فضا و درون مایه های آنها متفاوت است و در عین حال فاصله فضا و زبان زیاد و شیوه روایت آنها بسیار متنوع است چرا که هر یک از این داستان ها محصول یک دوره از نوشتن من هستند. نویسنده در دوره های مختلف زندگی اش به تناسب زمان و احوالش، فضای اثر متفاوتی دارد.

در حال تدوین مجموعه داستان دیگری از آثار قدیم و جدیدم هستم که تا پایان تابستان آن را به ناشر خواهم سپرد. زمانی را نیز در دست نگارش دارم که داستان آن در زمان حال است و به مسائل و درگیری های نسل امروز می پردازد. این رمان هنوز نیمه کاره است و عنوانی برای آن انتخاب نکرده ام.

## شکل گیری تقویم ایرانی

■ سیدضیاء الدین ترابی، شاعر و نویسنده



آخرین کتابی که از من منتشر شد یک کتاب تاریخی است که اخیراً با عنوان «زردشت و گاهشماری ایرانی» توسط انتشارات آوای کلام در ۴۰۰ صفحه ارائه شد.

این کتاب در فصل های مختلف به زمان و زندگی زردشت، زردشت و گاهشماری ایرانی، روش ها و فرمول های محاسباتی مبدأ ایرانی، کیسه ها و مبدأ ایرانی، مبدأ ایرانی و اسناد تاریخی، تاریخ یزدگردی (پارسی)، تاریخ هجری قمری و هجری شمسی، تاریخ اسکندری و اشکانی، تاریخ و تاریخ گذاری در ایران باستان پرداخته و در پایان کتاب جدول های روزشمار و جدول تطبیقی تقویم های مستند تاریخی آمده است.

تقویم اسکندری، میلادی، هجری قمری، هجری شمسی، یزدگردی و جلالی، همگی از تقویم های «مهی» ایرانی هستند که بر اساس تقویم ایرانی و در یک زمان پایه گذاری شده اند.

تقویم کهن ایرانی، بر پایه علمی دقیق و بر اساس رصد خورشید و تعیین طول حقیقی سال استوار است، به گونه ای که امروز با در دست داشتن چنین مبدأ تاریخی، به راحتی می توان درباره روایت های گوناگون گذشتگان و درباره درستی مبدأ تقویم ایرانی قضاوت کرد.

در این کتاب از روی اسناد تاریخی، آغاز مبدأ ایرانی و ابداع تقویم ایرانی همزمان با ۴۲ سالگی زرتشت محاسبه شده است.

سعی کردم با تالیف این کتاب به پرسش های تاریخی درباره چگونگی شکل گیری تقویم ایرانی به ویژه تقویم یزدگردی پاسخ دهم.

## رونق بازار کتاب

■ محمد باقر سعیدی روشن، قرآن پژوه



تالیف جلد دوم کتاب «علوم قرآن» با عنوان «منطق تفسیر قرآن و مسائل آن» را به نیمه رسانده ام. این کتاب به مبانی تفسیر، قاعده مندی تفسیر، قواعد تفسیر، روشمندی و معیار پذیری تفسیر می پردازد و در تالیف آن از منابع کلامی، اصول فقهی و متون تفسیری بهره گرفته ام.

در حقیقت هدف این کتاب چگونگی درک و تفسیر قرآن است که جلد اول آن به مسائل گوناگون مربوط به شناخت قرآن و اینکه قرآن چگونه کتابی است، می پردازد و هم اکنون در دست انتشار است. هر دوی این کتاب ها قابلیت استفاده در سطوح تحصیلات تکمیلی رشته های الهیات و علوم مرتبط با آن و سایر علاقه مندان به پژوهش در این زمینه را دارند و توسط انتشارات شورای مدیریت حوزه علمیه قم منتشر می شوند.

به تازگی نیز کتابی با عنوان «آشنایی با علوم قرآن» که مجموعه ای گسترده در مباحث علوم قرآن است به عنوان کتاب آموزشی در مقطع کارشناسی توسط انتشارات جامعه المصطفی العالمیه منتشر شده که علاقه مندان به پژوهش درباره علوم قرآنی نیز می توانند از آن استفاده کنند.

اما نباید فراموش کنیم، آنچه اهمیت دارد رواج فرهنگ پژوهش به معنای واقعی در جامعه به جای بساز و بفروشی است. این امر از ناحیه مولفان و مجموعه های مرتبط تحقق می یابد. این نکته همواره دغدغه خاطر من بوده که کارهای زیادی در زمینه پژوهش و تالیف کتاب صورت گرفته، اما در کنار آن موازی کاری نیز زیاد بوده، به گونه ای که پژوهش واقعی خیلی اندک دیده می شود.

باید مسائل دینی را به صورت مسئله شناسانه استخراج کنیم. استخراج مسئله محور کمک می کند

که به سمت نظریه پردازی پیش برویم. در این میان مولفان باید با مطالعه، خلاقیت، صبر و حوصله که لازمه کار علمی است برای خلق آثار با کیفیت حرکت کنند و موسسات پژوهشی به سوی پذیرش فرهنگ پژوهش گام بردارند و به جای تکیه بر آمار و ارقام و کمیت کار در کارهای ارزشمند و مطلوب سرمایه گذاری کنند.

## داستان های خوردنی

■ فریبا کلهر، نویسنده کودک و نوجوان



«قصه های قبل از غذا» که پیش از این قرار بود در نمایشگاه ارائه شود به زودی منتشر می شود. داستان های این کتاب با موضوع غذاهای اصیل ایرانی است که به زبانی ساده و شیرین نوشته شده، اما کودکان نیست و برای تمام افراد خانواده قابل استفاده است. در حقیقت به نوعی پیوند بین اعضای خانواده را بیشتر می کند. این کتاب توسط انتشارات قدیانی روانه بازار می شود.

کتاب های دیگری را نیز زیر چاپ دارم که از جمله آنها می توان به «من و گربه سیاه» برای رده سنی ب و ج و «چه عیبی داره» برای رده سنی الف توسط انتشارات به نشر، «قصه های آقا کوچولو» برای رده سنی ب و ج توسط انتشارات امیر کبیر و «من و درخت پنیر» برای نوجوانان توسط نشر پیدایش اشاره کرد. به تازگی برخی فرهنگسراها برنامه هایی را برای دعوت از نویسندگان و ارتباط با مخاطبان آنها ترتیب می دهند و من نیز در تعدادی از آن ها حضور یافته ام و از نزدیک با نظرات خوانندگان برخی از کتاب هایم آشنا شدم.

بچه ها بسیار ریزبین هستند و کوچک ترین نکته در کتاب، فضای تکراری یا حتی اسامی تکراری را به خوبی درک و به راحتی نظر خود را مبنی بر تکراری بودن و خسته کننده بودن فضا ابراز می کنند.

امیدوارم در آینده برنامه های مشخصی برای برقراری ارتباط بین نویسنده و خوانندگان صورت گیرد، چرا که چنین دیدارهایی به نویسنده کمک می کند تا نظرات مخاطبان خود را در کارهای بعدی اش ترتیب اثر دهد.

## از نقد ادبی تا «شب دنیا»

■ کامران پارسی نژاد، نویسنده

این روزها مشغول نگارش رمانی برای بزرگسالان با عنوان «شب دنیا» هستم. این رمان یک داستان فلسفی و روان شناسانه است که مشکلات انسان را در جامعه امروز با نگاهی به بررسی حوادث و رویدادهای گذشته ایران مطرح می کند. قطعا تاریخ معاصر ایران و اتفاقات به وقوع پیوسته در آن انعکاس گسترده ای بر زندگی جوان امروزی دارد.

در ارتباط با نقد ادبی کتابی با عنوان «آسیب شناسی نخله ها و مکاتب ادبی» توسط کانون اندیشه جوان منتشر و در نمایشگاه امسال ارائه شد که جریان های ادبی غرب با نگاهی به سوی ادبیات داستانی در این کتاب بررسی شدند.

در همین زمینه کتاب دیگری با عنوان «ادبیات منطبق با حقیقت» نگاشته ام که به بررسی ادبیات داستانی در غرب، مکاتب ادبی و آثار نویسندگانی که در ایران محبوبیت ویژه ای دارند می پردازد و توسط انتشارات خانه کتاب منتشر شد. در این کتاب سعی کردم به مباحث مرتبط با نقد نو به طور جامع و کامل در جریان ادبی غرب بپردازم. این کتاب در نمایشگاه امسال با حضور عبدالعلی دستغیب، فیروز نوزی جلالی و احمد شاکری نقد و بررسی شد.

همچنین کتابی با عنوان «دوست خدا» برای نوجوانان توسط نشر تکا در مجموعه «۱۰۰ داستان» به تازگی منتشر شده و در آن زندگی نامه سید رضی و امام محمد غزالی با شیوه داستانی بیان شده است.

## یادداشت

فیروز نوزی جلالی

نویسنده و منتقد ادبی



## رفع عطش ادبیات



گراف نیست اگر بگویم ادبیات ما تشنه داستان های علمی تخیلی است. قلم زدن در این ژانر ادبی و خلق آثار قابل اعتدال این حوزه، نیازمند تحقیق و پژوهش است و از این رو ادبیات ما تشنه آن است. عدم تحقیق و نوشتن بر اساس دانسته های عمومی و اتفاقات روزمره به معضلی برای ادبیات معاصر فارسی تبدیل شده است. دلمشغولی نویسنده گانمان تکراری است. همه از یک چیز می نویسیم. ترجیح می دهیم بدون تامل، تلاش و صرف وقت، رمان، داستان یا محصول ادبی خود را روی کاغذ پیاده کنیم، گو اینکه تحقیق و تفحص زمان می برد و حوصله طلب می کند. این همان چیزی است که برای جولان دادن در ژانرهای «علمی تخیلی» و «فانتزی» لازم و ضروری است. بدین جهت است که روی آوردن به این گونه ادبی دردی کهن را درمان می کند و آن بی علاقه نویسنده به صرف زمان و انرژی برای تحقیق است.

از سوی دیگر، سرزمین ما حاوی گنجینه های غنی و پرمایه ای است که می توان برای قلم زدن در ژانرهای تخیلی و فانتزی از آن بهره گرفت. مشرق زمین همواره مایه الهام بسیاری از نویسندگان غربی بوده است. پائولو کوئیلو اگر نگوییم تمام بن مایه آثار خود را مدیون افسانه های شرقی است، دست کم بخش اعظم آن را از این راه کسب کرده است و آن را به نام آمریکای لاتین به ثبت رسانده. سوال اینجاست که چرا خودمان از این مانده حاضر و غنی سود نبریم.

مشرق زمین، گهواره تخیل، افسانه و اسطوره است و عجیب اینکه ما به مصرف کننده آثار فانتزی ادبیات غرب تبدیل شده ایم. علت آن است که غربی ها حوصله کرده اند و از داستان های تاریخ مصرف گذشته و قدیمی، آثاری به روز و مدرن آفریده اند. آنها یاد گرفته اند که چگونه علایق یک خواننده مدرن را در یک افسانه کلاسیک پیاده کنند. شاید مارکز (خالق «صدسال تنهایی») بهترین نمونه باشد. نه اینکه مارکز از خودش هیچ نیافریده، او افسونگر بزرگی است که اسطوره ها و افسانه های سرزمین خود را با هنری وافر در قالبی امروزی عرضه کرده است.

ما نیز حیرت خواهیم کرد اگر به نقش تخیل در پیشینه ادبیات سرزمین خود نگاه کنیم. برای خلق داستان یا رمانی در سبک های فانتزی، گنجینه ای از افسانه ها در ادبیات گذشته سرزمین خودمان در دسترس است. تنها قلم نوین و مدرنی لازم است که این داستان های شیرین را با دغدغه های انسان قرن ۲۱ در آمیزد و داستانی هنرمندانه خلق کند که هم ایرانی است و هم فرهنگ ما را به جهان می شناساند. بنابر این ادبیات «علمی تخیلی»، قدرت تحقیق را در نویسنده زنده می کند و به او می آموزد که چگونه قبل از نوشتن، زمان و انرژی خود را به دانستن معطوف کند. تا شاید این آغازی برای ارج نهادن به تحقیق در ادبیات باشد چرا که پرداختن به ادبیات فانتزی موجب می شود تا نسل جدید ما افسانه های سرزمین خود را بشناسند و با فرهنگ پیشینیان خو بگیرند.

آنچه خواننده به معنای نفی تلاش های نویسندگان امروزی در این دو حوزه ادبی نیست. کم نیستند نویسندگان جوان و پرنرزی ای که برای این بازار پر مخاطب، رونق آفریده اند که از جمله آنها باید به داستان نویسان کودک و نوجوان اشاره کرد و تلاش ایشان در خلق فضاها و شخصیت های فانتزی و تخیلی. اما همچنان نیاز پرداختن به این گونه ادبی بکر فراوان وجود دارد و گوی و میدان در اختیار نویسندگان جوای نام سرزمین ماست.